

ماهنامه اقتصادی شمال غرب

کارایی

سال هفتم . دوره جدید
شماره ۱۴ . مهر و آبان ۱۳۹۴
۶۸ صفحه . قیمت ۵۰۰۰ تومان

ورود بخش خصوصی
به عرصه دولت
از رویا تا واقعیت



خیلی دور خیلی نزدیک

نگاهی به توسعه شهر تبریز





سازمان مدیریت صنعتی

نماینده گسی آذربایجان شرقی

دفتر آموزشهای تخصصی

تشریح الزامات، مستند سازی و ممیزی داخلی سیستم مدیریت کیفیت مبتنی بر استاندارد ISO 2008-9001

محتوای دوره:

- مفاهیم و تعاریف
- صلاحیت و ارتقا، صلاحیت ممیزین
- اصول کلی ممیزی و تعیین ریسک در ممیزی
- اصول و مراحل برنامه ریزی و اجرای ممیزی
- جمع آوری اطلاعات و روانشناسی ممیزی
- طراحی چک لیست های ممیزی، اجرای ممیزی
- شناسایی ارتباطات و نحوه تاثیرگذاری سیستم ها بر یکدیگر
- سیستم پیگیری اقدام اصلاحی، پیشگیرانه و اثر بخشی نتایج ممیزی

ISO
9001:2008
REGISTERED

با ارائه گواهی معتبر از اداره کل استاندارد و تحقیقات صنعتی استان آذربایجان شرقی

شهریه دوره: ۱,۷۰۰,۰۰۰ ریال

مدت دوره: ۲۴ ساعت

۳۳۳۷۹۹۵۴ - ۹

۳۳۳۳۳۶۰۰

آدرس: آبرسان- جنب هتل تبریز کوی پناهی دفتر آموزش های تخصصی سازمان مدیریت صنعتی



MBA

یکساله

سریعترین راه برای آشنایی
با اصول و قواعد مدیریت
در دنیای در حال تغییر



سازمان مدیریت صنعتی

نماینده گسی آذربایجان شرقی

۳۳۳۳۳۶۰۰

www.imiazar.ir

برای عموم



سازمان مدیریت صنعتی
نماینده‌گی آذربایجان شرقی

دفتر آموزشهای تخصصی

آغاز ثبت نام دوره های :

کنترل پروژه با نرم افزار
MS-Project

کنترل پروژه با نرم افزار
Primavera

ارزیابی اقتصادی طرح ها و پروژه ها
با نرم افزار **Comfar**

Autocad

3D-Max

V-RAY

SPSS

LISREL

ARC GIS

تخفیف ویژه

تخفیف ویژه برای ثبت نام گروهی



سازمان مدیریت صنعتی
نماینده‌گی آذربایجان شرقی

دفتر آموزشهای تخصصی

مدیریت ارتباط با مشتری (CRM)

۱. شناخت انواع مشتریان
۲. شناخت اولین قدم در مشتری مداری
۳. چگونگی برخورد با مشتریان خشمگین
۴. بررسی خواسته های مشتریان
۵. ویژگی های مدیران و کارکنان مشتری مدار

رئوس
مطالب :

شهریه دوره: ۲,۷۰۰,۰۰۰ ریال

مدت دوره: ۲۴ ساعت

۳۳۳۷۹۹۵۴ - ۹

۳۳۳۳۳۶۰۰

۳۳۳۳۳۶۰۰ - ۹ ۳۳۳۷۹۹۵۴

آبرسان- جنب هتل تبریز- کوی پناهی- دفتر آموزش های تخصصی سازمان مدیریت صنعتی

آدرس: آبرسان- جنب هتل تبریز کوی پناهی دفتر آموزش های تخصصی سازمان مدیریت صنعتی

| فهرست | |
|---------------------|--|
| ۶ رویداد | |
| ۱۲ پرونده | شهر و توسعه |
| ۱۳ | رمز موفقیت طرح های شهری، دیدن شهر … |
| ۱۶ | در فرابند توسعه شهری، روح مکان‌ها اهمیت دارد |
| ۱۹ | شهروندی و نسل چهارم طرح های شهرسازی |
| ۲۱ | شوراهای اسلامی و شهر |
| ۲۲ | نگاهی به نتایج پژوهش «ارزیابی عملکرد سومین … |
| ۲۴ | شورای شهر، پارلمان و شهرداری … |
| ۲۷ | شورای شهر و شهروندان |
| ۲۸ پرونده | ورود بخش خصوصی به عرصه دولت، از رویا تا واقعیت |
| ۲۹ | مردمی‌سازی اقتصاد در گرو رابطه دولت … |
| ۳۱ | بخش خصوصی و بخش دولتی باید به … |
| ۳۳ | وظیفه اتاق بازرگانی عارضه یابی صنایع … |
| ۳۶ پرونده | سفری به نوردوز، پایانه‌ای در انتظار شروع |
| ۳۷ | توسعه ترانزیت استان آذربایجان شرقی، تبدیل … |
| ۳۸ | شرکت‌های ترانزیتی در مسیر نوردوز - ارمnestان - … |
| ۳۹ | توسعه مسیرهای ترانزیتی جایگزین به اروپا… |
| ۴۰ | نوردوز، در انتظار تحول |
| ۴۲ محیط‌زیست | ارتقا سطح اندیشه و ایجاد بلوغ فکری در عرصه … |
| ۴۴ | دولت‌هایی که سرزمین آنها به آرامی زیر آب می‌رود |
| ۴۶ ورود به انتخابات | انتخابات و ایدئولوژی سیاسی گروه‌ها |
| ۴۸ گزارش | گزارشی از افتتاح رسمی خانه مدیران سازمان … |
| ۵۲ مقاله | اجرای استراتژی با استفاده از مدل کارت امتیازی متوازن |
| ۵۶ قانون | مشوق های صادراتی کشور ترکیه |

مانمانه کارایی. سال هفتم. دوره جدید. شماره ۱۴. مهر و آبان ۱۳۹۴

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: توفیق رسولی مجارشین

سر دبیر: محمد حسن خیرآور

دبیر تحریریه: الناز علیزاده اشرفی

دبیر اجرایی: سپیده جلالی

شورای سیاستگذاری: دکتر محمداقبر بهشتی، غلامعلی حیدرنیا فتح آبادی،

حمیده علیزاده اشرفی، احد عابدینی بیرنگ

تحریریه: دکتر علیرضا بافنده زنده، دکتر صمد عالی، دکتر فرزاد ستاری اردبیلی، دکتر

اسماعیل مردانی گیوی، محسن افسر قره‌باغ، جواد جهانگیر، امیرکریم‌زاد شریفی

همکاران این شماره: شهروز تهامی نسب، صادق پورصادق، آصف حاجی زاده، نوشین بزرگی نامی، اصغر فیضی پور

ماه‌نامه اقتصادی شمال غرب

کارایی

بسم الله

الرحمن

الرحیم

گزیده بیانات مقام معظم رهبری



بنده معتقدم مشکلات اقتصادی کشور که از جمله‌ی مهم‌ترین آنها مسائل کارگری است، مسئله‌ی معیشت است، مسئله‌ی بیکار شدن کارگران [است] - که گزارش‌هایی مبرسد و انسان میببند این گزارش‌ها را - اگر به مسئله‌ی تولید توجه بشود، حل خواهد شد. اشتغال ایجاد میکند، احساس عزّت ایجاد میکند، احساس بی‌نیازی ایجاد میکند. وقتی یک کشوری مثکی به نیروی داخلی خودش شد، احساس استغنا خواهد کرد

با سیاس از همکاری: علی نیک‌رمز، سونیا خامنه

دفتر مرکزی: تبریز، خیابان سعدی، کدپستی ۵۲۸۳۹-۱۷۳۹۵

دفتر نشریه: تبریز، ولیعصر، خیابان نظامی، خیابان قطران، کوچه شبنم، روبروی

درب مجتمع ورزشی برق، پلاک ۵

تلفن: ۰۴۱-۳۳۲۹۷۳۷۷

پست الکترونیک: karayi.magazin@gmail.com

۱- کارایی آمادگی دارد تا پذیرای نقطه نظرات همه صاحب نظران باشد.

۲- مطالب منتشر شده لزوماً بیانگر دیدگاه‌های این نشریه نمی باشد.

۳- کارایی در ویرایش و تلخیص مقالات ارسالی با نظر صاحبان اثر آزاد است.

سرمقاله

درماه های اخیر، کمپین «نه به خودروی صفر»، صرفنظر از میزان تأثیرگذاری اش در بازار خودرو واکنش های بسیاری را برانگیخته است. از اظهارات تند و جنجالی بالاترین مقام اجرایی صنعت کشور وزیردستانش بر ضدحامیان این موج مردمی، تا مقالات علمی و غیر علمی متعدد در مطبوعات و رسانه های مختلف کشورله وبعضا هم علیه آن، کمپینی که به نظر می رسد با گذشت زمان و به ویژه پس از انعکاس اخبار فاجعه تاسف بار منادر حاشیه سوگ از دست دادن هم‌دینان و هم‌وطنان عزیز و همچنین رفتارهای غیر مسئولانه دولت متخاصم سعودی قرار گرفته و به صورت طبیعی حداقل در حال حذف شدن از صفحات اول و تیتر های یک مطبوعات کشور می باشد. در این اثنا، اما تلاش حامیان به ظاهر سینه چاک خودروسازان برای آنچه که حمایت می خواندندش روندی صعودی به خود گرفته است. این موضوع از تیتز های روزهای اخیر رسانه های مختلف از جمله « طرح فاجعه بار نمایندگان برای افزایش هزار درصدی تعرفه واردات خودرو » و « کمک دویست میلیارد تومانی دولت به شرکت‌های خودروساز» به وضوح مشهود است. البته تردیدی نیست که نفس حمایت از تولید امری بسیار پسندیده، لازم و قابل تقدیر به شمار می رود و نگارنده این سطور نیز به عنوان دانشجوی اقتصاد خود را در زمره طرفداران متعصب حمایت از تولید تعریف می نماید، لیکن واقعیت این است که شیوه انتخابی دولتمردان محترم جهت حمایت از خودروسازان هیچ تناسبی با آموزخته‌های نظری کارشناسان و البته تجارب ناموفق جهانی و خاصه ایران اسلامی عزیز در بیش از سه دهه گذشته نداشته و به نظر مصداق بارز نقض این فرمایش، رسول اکرم (ص) به عنوان افضل عقلاء تاریخ بشر است که « لَايْلُدَعُ الْمُؤْمِنُ مِنْ حُجْرٍ وَّاحِدٍ مَرَّتَيْنِ » (مومن واقعی از یک سوراخ دوبار گزیده نمی شود). امروزه کمتر کارشناسی را می توان یافت که راهکار نه چندان پیچیده خروج خودروسازان از چرخه معیوب فعلی را که هزینه های هنگفت جانی، مالی و محیط زیستی را به مردم و کشور تحمیل کرده است را گوشزد نکرده باشد: کافی است کار را به تلاش گران و جهادگران کردان و مستقل بسپاریم، سایه سیاست، گروه ها، طوایف، قوانین نادرست ووابستگانشان را از سر آن‌ها برداریم و درنهایت با اتکاء بر مزیت های رقابتی بی شمار و منابع و امکانات قابل توجه موجود درکشور و تمرکز صرف بر کارایی وبه‌ره‌وری منابع تولید نه تنها بازارهای داخلی بلکه بازارهای بین المللی را نیز دریک افق زمانی معقول درنوردیم. نسخه ای درمانی که البته اجرایی آن به سادگی نوشتنش نیست و هرگونه عزم وتلاش در راستای اجرای واقعی آن با درد بسیاری حداقل برای گروه‌هایی خاص همراه خواهد بود و احتمالاً همین درد نیز مانع اجرای آن است! این نوشتار قصد ندارد نقیصه‌ها و هزینه های صنعت خودروسازی موجود و یا راهکارهای رفع آن‌ها را برشمارد، که بسیار فصیح وروشن در مقالات متعدد اساتیدو کارشنان کشور مورد اشاره قرارگرفته است، بلکه مقدمه ای است برای یادآوری پیش بینی‌ها و انذارهای صورت گرفته اهالی پژوهش و مطالعه درسال‌های پیش که هرچند درزمان انتشار، بعضاً شوخی به نظر می رسیدند ولی متأسفانه گذشت زمان نشان می دهد که به میزان قابل توجهی با روندی که امروز تجربه می گردد، سازگاری و همبستگی معناداری دارند. یکی از این تحلیل‌های پرتعداد را اخیراً درکتاب « نفحات نفت؛ جستاری در فرهنگ نفتی و مدیریت نفتی » رضا امیرخانی نویسنده پرآوازه رمان زیبایی « من او » یافته‌م که عیناً در سطور زیر می آورم. علت انتخاب تحلیل این کتاب که به صورت اتفاقی و درجستجوی کتب تخصصی اقتصاد اثرژی، از کتابفروشی انتشارات دنیای اقتصاد به سبد خریدم اضافه کردم تا توفیق خواندنش را به لطف خدا در چند نیمه شب پی دریی که بی خوابی به سرم زده بود را به دست آورم، این نیست که همه مطالب آن را می پذیرم که اتفاقاً همچون هر نوشته دیگری، در جای خود می تواند مورد نقد جدی کارشناسی نیز قرارگیرد. اما به نظرم مولف کتاب، علیرغم عدم برخورداری از سابقه تحصیلات دانشگاهی دررشته های اقتصاد و مدیریت با مطالعه و پژوهش شخصی موفق گردیده تا قواعد بازی حاکم بر بخش‌هایی از اقتصاد کشور را درک کند و بدون استعانت از ادبیات تخصصی و بعضاً پیچیده علمی، برخی مسائل و مشکلات اقتصادی و مدیریتی کشور را با قلم توانایی خود به شکلی ساده و همه‌فهم توضیح دهد. نکته قابل توجه این است که این کتاب و به تبع آن مثال وتحلیلی که ذیلاً آمده است درسال ۱۳۸۹ و قریب به پنج سال پیش از آغاز کمپین مورد بحث « نه به خودروی صفر » تقریر شده و با ذکر تجربه ای از خودروسازان فرانسوی، رفتار مدیران ودولتمردان محترم کشور درمقابله با این کمپین (که البته درآن زمان فرضی بوده است) را به نحوی پیش بینی نموده است که درحال حاضر عیناً در حال وقوع است: اعطاء یارانه نفتی بی حساب و کتاب و افزایش تعرفه های گمرکی واردات خودروهای خارجی.

و اما درفصل اول این کتاب آمده است: « کارخانه پژوی فرانسه، دراوایل دهه ی هشتاد میلادی، بعد از تولید نسل درخشان چهار پژو شامل ۵۰۴ و ۴۰۴ دردهه

ی هفتاد، رسماً به خنس می خورد و تولیداتش مقبول نمی افتد و در بازار رقابت به دلایل فراوانی از جمله مصرف سوخت بالا کم می آورد. مدیران پژو دوره می افتند در دانشگاه‌ها و فقط در پلی تکنیک فرانسه، دویست پروژه دانشجویی تعریف می کنند و شروع می کنند به تزریق پول دردانشگاه‌ها. ظرف مدت پنج سال، پژوی ۴۰۵ را تولید می کنند که همان، هنوز بعد بیست سال، سر جهازی صنعت خودرو ماست. همین را مدل کنیم و برگردانیم به وطن. فرض کنیم ایران خودرو به طور مثال دچار بحران شود و تولیداتش در بازار رقابتی کم بیاور... همین جاسبر کنیم. درکدام بازار رقابتی؟ رقابت با اتومبیل داخلی؟ شرایط تولید با مدیریت دولتی درهمه کارخانه‌ها شبیه به هم است، قبلاً رقیب بودند، حالا که در دولت مهرورزی رفیق هم شده اند! و با این رقابت چه جای رقابتی می ماند؟ دوباره فرض کنیم که این بار در رقابت با اتومبیل خارجی؛ اصالتاً در ورود خودرو خارجی، چیزی وجود دارد به نام تعرفه گمرکی و این تعرفه جوری تنظیم می شود که ایران خودرو در بازار رقابتی کم نباورد! پس بگذار همان قصه تولید علم بومی فرانسوی برای تولید پژو ۴۰۵ را مدل نکنیم و جور دیگری برش گردانیم به وطن. فرض کنیم ایران خودرو به هر دلیلی از جمله تولیدات ضعیفش خدابه دور، فرض مثل - دچار مشکل شود و خریدار پیدا نشود البته خریدار را با چیزی به نام ستاد تنظیم بازار وادار خواهیم کرد تا در صف بایستند و خودرو را با سلام و صلوات تحویل بگیرد.

به هر رو فرض محال که محال نیست. فرض محال (!) کنیم به دلیل ضعف کیفیت تولید، کسی محصول ایران خودرو را مثل پژوی ۵۰۴ دهه هفتاد نخرد. حالاً منتظریم تا مثل همان دوره فرانسه، ایران خودرو برود در امیر کبیر و شریف و صنعتی اصفهان پروژه پخش کند اما درعمل چه اتفاقی می افتد؟

هیچ! مدیر ایران خودرو می رود خدمت مقام اجرایی بالا دست. توضیح می دهد که ایران خودرو سه برابر کار خانجات هم ارز کارگراستخدام کرده است- تا ضریب اشتغال کشور را بالا ببرد- و اصلاً شهرکی درست شده است به نام پیکان شهر برای اسکان همین نیروها. این کارگران به دلیل مطالبات معوقه، همین روزهاست که بریزند و جاده تهران-کرج را ببندند و این یعنی بحران شهری و بحران شهری هم یعنی مطبوعات ومطبوعات هم یعنی تضعیف نظام خلاصه کلام، مقام اجرایی بالاتر هم حوصله این همه براندازی را ندارد، کمی شیر نفت ورودی به ایران خودرو را باز می کند وجلوی این همه بحران را به سرانگشت تدبیر می گیرد! بعد باهم اتومبیل بی کیفیت‌آلوده کننده ی محیط زیستی می سازیم، با قیمتی بسیار بالاتر از قیمت جهانی. قیمت جهانی را هم که با تعرفه های واردات-که برای صینات از تولید بالا برده ایم- تغییر می دهیم. آیا این همه بحران است؟ نه، وقتی هم قیمت خودرو افزایش پیدا کرد و دست کم دو برابر قیمت جهانی شد، با توجه به درآمدمان، می خواهیم تا ریال آخر از آن استفاده کنیم، پس بحث روز تعویض خوردوهای فرسوده حنجره‌ها را می خراشد و آلودگی اش بافت ریه های یک نسل را، برای همین علم بومی نداریم وبرای همین نفحات نفت می شود. العاقل تکفیه‌الاشاره! شنیده‌ام که ستاره‌ی دریایی اگر بازوش زیر سنگ گیر بیافتد، از خیر بازو می گذرد و آن را قطع می کند. اما این مال وقتی است که ستاره بیم داشته باشد از خطر. دولت تا نفت دارد، خطری تهدیدش نمی‌کند! و این‌گونه، اقتصاد دولتی و مدیر سه‌لتی ساخته می‌شود. « موارد مشابه چنین پیش بینی‌ها و تحلیل‌های به‌ظاهر تند اما دلسوزانه و کارشناسانه درکشورکم نیست که ازسال‌ها و دهه‌های پیش با توجه به شیوه مدیریت اقتصادی بخش‌هایی از ایران اسلامی در حوزه‌های مختلف صورت پذیرفته است که البته هنوز هم ادامه دارد. شاید با این یادآوری‌ها بتوان تحلیل‌های پیش‌بینی‌های نه‌چندان خوشبینانه موجوددر خصوص تهدیدات و هزینه‌های تداوم سیاست‌های نخ‌نمای گذشته درصنعت خودروسازی را بیش از پیش جدی گرفت و حتی این رفتار معقول را به حوزه‌های دیگر کشور نیز تسری داد. یادمان باشد که کارشناسانی بودند که درسال‌های گذشته مشکلات زیست محیطی موجوداز جمله خشک‌شدن دریاچه ارومیه، بحران آب و بسیاری از موارد مشابه را نیز پیش بینی می نمودند و خواهش برای اقدام عاجل داشتند وشاید الان بتوان مثلاً سخنان عیسی کلانتری را درخصوص «پیش‌بینی کوچ‌اجباری ایرانیان دردهه‌های آتی به دلیل بی‌آبی» و «یا خودکشی دانستن سیاست‌های گذشته‌وبالته موجوددر قبال دریاچه ارومیه» را بیش از یک شوخی ویا اظهار نظر مقام سابق تلقی کرد.

مشکلاتی که البته جملگی با عبور از منافع زودگذر و کوتاه مدت سیاسی، بهره‌گیری از تجربیات موفق وناموفق گذشته، نگاه علمی ودر نهایت عزم جدی عملی با دست توانمند ایرانی قابل رفع‌اند که آرزومی‌کنم با عنایت خاص پروردگار متعال مورد توجه همه دولتمردان محترم کشور قرارگیرد.

| |
|---------------------|
| سردبیر |
| |
| |

بررسی گسترش روابط تجاری ایران و پاکستان در اتاق بازرگانی تبریز



رایزن بازرگانی سفارت پاکستان در دیدار خود با رئیس اتاق بازرگانی تبریز به گسترش روابط تجاری فی مابین تاکید کرد.

شهریار تاج رایزن بازرگانی سفارت پاکستان در سفری غیر رسمی به آذربایجان شرقی با صمد حسن زاده رئیس اتاق تبریز و بزرگ‌رئیس این اتاق دیدار و گفتگو کرد. صمد حسن زاده رئیس اتاق تبریز با معرفی پتانسیل های آذربایجان شرقی به لحاظ صنعتی، تجاری، استان را قطب صنایع غذایی، تولید قطعات خودرو و صنایع و کارخانجات مادر، از جمله تراکتور سازی، ماشین سازی، موتوژن و... ذکر نمود. رئیس اتاق بازرگانی تبریز به معادن غنی در منطقه اشاره داشته و گفت: یک درصد از معادن کل جهان متعلق به این استان بوده که شامل سنگهای تزئینی، سنگهای قیمتی از جمله طلا، معادن مس و خاکهای صنعتی می باشد.

وی فرش دستباف تبریز را از جمله نفیس ترین کالاهای صادراتی به کشورهای اروپایی و آمریکایی دانسته ادامه داد: وجود گذرگاه جاده ابریشم در سالیان دور، و بازار بزرگ تبریز بعنوان بزرگترین بازار مسقف دنیا و فرش دستباف تبریز موقعیت ممتازی به منطقه و استان بخشیده است.

حسن زاده تبریز را شهر دانشگاهی کشور معرفی نموده و به دانشگاههای ممتاز در استان اشاره کرده افزود: بیش از ۸۰ دانشگاه استان سالانه تعداد زیادی دانشجویان در مقاطع مختلف تحویل جامعه می دهند. وی در مورد سرمایه گذاری خارجی در کشور با اذعان به این مطلب که دولت ایران تمهیدات ویژه ای برای ورود تجار و صنعتگران خارجی سرمایه گذار انجام داده است گفت: مناطق آزاد در ایران برای سرمایه گذاری های خارجی آماده بوده و تسهیلات بزرگی در این خصوص به صنعتگران اعطاء میگردد. رئیس اتاق تبریز با دعوت از هیات تجاری کشور پاکستان به استان آذربایجان شرقی خواستار بازدید از واحدهای تولیدی در استان را شد.

شهریار تاج رایزن بازرگانی سفارت پاکستان نیز با ابراز خرسندی به خاطر حضور در تبریز هدف از سفر خود به استان های مختلف ایران را معرفی توانمندیهای دو کشور و ارزیابی پتانسیل های کشور ایران و استفاده از ظرفیتهای همکاری دوجانبه برشمرد. وی برداشته شدن تحریم ها علیه ایران توسط کشورهای ۱۰+۵ را نکته عطفی در مناسبات بین کشورها دانسته افزود: با توافق حاصل شده به راحتی میتوان تجارت را آغاز کرد و امیدواریم مسائل بانکی نیز به زودی حل و فصل شود. رایزن بازرگانی سفارت ضمن معرفی محصولات صادراتی پاکستان، صادرات برنج، آرد گندم را از اقلام مهم زمینه های همکاری اعلام نموده و ادامه داد محصولات نساجی اعم از پارچه، کتان، نخ با کیفیت بالا و قیمت پایین مناسب برای تجارت با ایران می باشد.

موافقت بانک مسکن با پرداخت وام ۱۰۰ میلیون تومانی

حداقل بالای ۲۰ درصد پیشرفت داشته باشد و کارشناس بانک مسکن آتر تایید کند. بزرگ‌رئیس یادآور شد: پیشنهاد نرخ سود ۱۴ درصدی را برای این تسهیلات داده ایم. رئیس کانون سراسری انبوه سازان همچنین با بیان این که ۱۳ مهرماه امسال مصادف با روز جهانی اسکان بشر همایش سراسری انبوه سازان برگزار می شود، اظهار کرد: محور همایش مذکور بررسی نقاط ضعف و قوت برنامه ششم توسعه و چالش های فراوری ساخت و ساز مسکن در کشور است.

وی تصریح کرد: بر اساس اعلام غیر رسمی، در طرح جامع مسکن به نیاز کشور تا سال ۱۴۰۵، بافت های فرسوده و مسکن مورد نیاز دهک های یک تا سه در قالب طرح مسکن اجتماعی پیش بینی شده است.

وی بیان کرد: امیدواریم با اجرای این برنامه شاهد تحریک در بازار مسکن و به دنبال آن رونق بخش ساخت و ساز باشیم.

بزرگ‌رئیس همچنین با اشاره به این که وزیر راه و شهرسازی بابت قانون مالیات ها تا دریافت کارت زرد مجلس پیش رفت، افزود: یکی از مشکلات ما بررسی نقاط ضعف و قوت قانون نظام مهندسی است، باید در مقابل هر پرداختی باید خدمتی ارائه شود. دوستان نظام مهندسی برای هر خدمتی مبلغ مشخص و معینی را دریافت کنند، در حال حاضر همه نارضی هستند؛ هم دولت، هم مردم، هم سازندگان. هیچ کس برای پولی که گرفته پاسخگو نیست، به دنبال یک سازمان نظام مهندسی پاسخگو هستیم و در مقابل امضایی که داده پاسخگو باشد اما متاسفانه این موضوع عملی نشده است.

رئیس کانون سراسری انبوه سازان با تاکید بر این که خواستار ماده ۲۹ قانون هستیم، گفت: با اجرای این قانون همه می توانند در برابر تولیدات خود در بخش مسکن پاسخگو باشند.

بزرگ‌رئیس با بیان این که وزیر راه قول داده آئین نامه اجرایی کارهای ساختمانی ابلاغ می شود، افزود: ساختمان باید توسط افراد دارای صلاحیت و متخصص ساخته شود، در تمام شهرهای ایران ساخت و ساز نه متولی دارد نه ناظر. هر کس زودتر از خواب بیدار می شود به دنبال اجرای یک پروژه مشارکتی است.



رئیس هیات مدیره و مدیرعامل شرکت پست جمهوری اسلامی ایران از رونمایی از چندین خدمت جدید این شرکت همزمان با روز جهانی پست خبر داد.

«حسین مهری» در پایان سفر خود به آذربایجان شرقی در جمع نمایندگان رسانه های آذربایجان شرقی حضور یافت و با اعلام اینکه در روز ۱۷ مهر ماه شاهد رونمایی از خدمات نوین شرکت پست خواهیم بود، گفت: با توجه به اینکه شبکه های ارتباطی جدیدی شکل گرفته اند، شرکت پست جمهوری اسلامی ایران نیز تغییراتی در مجموعه و راهبردهای خود ایجاد کرده تا همگام با شبکه های ارتباطی جدید، به ارائه خدمات نوین خود به شهروندان ایرانی بپردازد.

وی با بیان اینکه برای ارائه خدمات جدید زیرساخت های این شرکت تغییر یافته و بروز رسانی شده است، گفت: ماقصداریم با تلفیق خدمات فیزیکی با خدمات الکترونیکی و بسط تجارت الکترونیک در بخش اقتصاد خرده به توسعه اقتصاد کشور کمک کنیم.

مدیرعامل شرکت پست ادامه داد: همزمان با روز جهانی پست از سرویس های جدیدی به مانند ای-پاکس، پست لجستیک، راه اندازی خدمات فروشگاه ای آنلاین، e-bay و Amazon و alibaba در ایران، پست رسانه، پست بخش، صندوق پستی هوشمند، تکمیل زیرساخت های تجارت الکترونیک و... از جمله خدمات نوین شرکت پست به شهروندان خواهد بود.

مهری گفت: از این پس امکان خرید کردن ایرانیان از سه فروشگاه اینترنتی یاد شده فراهم خواهد شد و متقابلاً امکان فروش محصولات ایرانی در سه سایت علی بابا، آمازون و ای-بی فراهم شده است.

وی ادامه داد: احتساب شغل سخت و زیان آور برای نامه رسان ها در حال پیگیری است

استاندار آذربایجان شرقی گفت:

صنعت فرش ریشه در تاریخ آذربایجان دارد

«اسماعیل جبارزاده» در نخستین جلسه ستاد حمایت از صنعت فرش آذربایجان که در کاخ استانداری آذربایجان شرقی تشکیل شد، با تاکید بر این مهم، افزود: صنعت فرش نقش پر رنگی در اشتغال، صادرات غیر نفتی و توسعه آذربایجان شرقی دارد و مدیریت استان برای حمایت از این صنعت مصمم است.

وی هدف از تشکیل این ستاد را رفع موانع توسعه این صنعت و توسعه صادرات فرش آذربایجان دانست و گفت: می بایست آذربایجان شرقی در صفا اول صادرات فرش ایران باشد و این جز با تلاش و زحمات دولت و فعالان صنعت فرش میسر نخواهد شد.

استاندار آذربایجان شرقی در ادامه با معرفی ستاد حمایت از صنعت فرش آذربایجان به عنوان متولی گره گشایی و حمایت از بافت و صادرات فرش، گفت: در گذشته هر تشکیلاتی بوده به کنار، از امروز ستاد حمایت از صنعت فرش به طور منسجم به حمایت از این صنعت خواهد پرداخت.

جبارزاده با تاکید بر اینکه آذربایجان شرقی ظرفیت بسیار بزرگی برای کسب بخش بزرگی از بازار جهانی فرش را دارد، گفت: امروز هیچ احدی حق ندارد برای توسعه صنعت فرش اهمال کاری و کم کاری کند؛ تبریز به عنوان شهر جهانی فرش به حمایت و تلاش همه فعالان این صنعت، دولت و نمایندگان مجلس نیاز دارد، از این رو ستاد حمایت از صنعت فرش در استان تشکیل شده از تولید و صادرات فرش آذربایجان حمایت خواهد شد.

وی با اشاره به منویات رهبری در خصوص اقتصاد مقاومتی، گفت: حمایت از صنعت فرش و گسترش صادرات آن، دقیقاً در راستای اقتصاد مقاومتی است و این ستاد با قوت

خرید ایرانیان از فروشگاه های اینترنتی آمازون، e-bay و علی بابا

که این موضوع بستگی به اساسنامه ای دارد که در مجلس قرار است مورد بررسی قرار گیرد. مدیرعامل شرکت پست با بیان این که تغییر لازمه نوآوری است، افزود: به منظور ایجاد خدمات پستی نوین می بایست امکانات و تجهیزات پست نیز دستخوش تغییرات بزرگ گردد و به همین منظور پکیج جدید نامه رسانی تهیه و تدارک دیده شده است تا با تغییر شبکه به طور رسمی رونمایی شود.

مهری با اشاره به تجهیز نامه رسانی در سیستم رهیاب جهت ارائه آمار و اطلاعات مدیریتی، اظهار داشت: تجهیز و تقویت بخش توزیع از برنامه های مهم شبکه است و می بایست نیمی از مجموعه در این بخش فعالیت کنند.

رئیس هیات مدیره شرکت پست جمهوری اسلامی ایران با بیان این که پست در حال رقابت با سازمان ها و بخش های خدمات رسان دارد، تاکید کرد: باید سرعت و جهت گیری ها در حوزه پست تغییر یابد و برای حفظ در بازار رقابت نیاز است که از پست سنتی خارج شویم.

مهری در ادامه با اعلام اینکه بحث GNAF در پست باید جدی گرفته شود، افزود: استانداردهای سازی مکان، هوشمند سازی و ایجاد کد واحد از مباحثی است که باید در جهت پیاده سازی آن تمامی تلاش خود را به کار گیریم.

وی با اعلام اینکه پست نامه ها در دنیا کاهش یافته و جهت گیری پست ها در دنیا به سمت کالا و خدمات است، افزود: یکی از اقداماتی که پست باید مورد توجه قرار دهد ایجاد ماموریت های جدید و سوق دادن خدمات به سمت مرسولات غیر ثبتی به منظور افزایش سرانه است.

این مقام مسئول با تاکید بر توسعه خدمات الکترونیکی گفت: باید با سه وجهی سازی خدمات و ادغام ابعاد فیزیکی، الکترونیکی و مالی خدمات جدیدی را به جامعه عرضه نماییم

حسین مهری در خصوص به هنگام سازی اطلاعات کدپستی منازل و اماکن کشور، خاطرنشان کرد: توجه ویژه ای بر دقت و صحت اطلاعات در فرایند مهم بهنگام سازی کدپستی به منظور کاربردی نمودن آن در فعالیت ها و عملیات پستی و همچنین جلب اعتماد و ایجاد اطمینان در سازمان ها وجود دارد.

وی در پایان گفت: این که این اطلاعات ارزشمند می تواند پایه بسیاری از خدمات آینده شبکه باشد و با توجه به اهمیت این بانک داده ها نزد شبکه، انجام بهینه و دقیق بهنگام سازی در دستور کار شرکت پست دارد.



و قدرت به کار را پیش خواهد برد.

استاندار آذربایجان شرقی در خصوص انتخاب تبریز به عنوان شهر جهانی فرش، گفت: این یک اتفاق مبارک است که نصیب آذربایجان شده و ما را در توسعه هر چه بیشتر صادرات فرش کمک خواهد کرد.

جبارزاده در ادامه به برگزاری جشن با شکوهی به مناسبت ثبت تبریز به عنوان شهر جهانی فرش در ۱۴ مهر اشاره کرد و گفت: همه سازمان های استان باید برای هر چه باشکوه تر برگزار شدن این جشن کار کنند تا بتوانیم در روز ۱۴ مهر معرفی شایسته ای از تبریز به عنوان شهر جهانی فرش داشته باشیم



استقرار ۱۸۰۰ واحد تولیدی آذربایجان شرقی در شهرک‌های صنعتی



مدیرعامل شرکت شهرک‌های صنعتی آذربایجان شرقی گفت: در شهرک‌های صنعتی استان یک‌هزار و ۸۰۰ واحد تولیدی با اشتغال‌زایی ۵۰ هزار نفر فعالیت می‌کنند. محمدعلی عسگری در مراسم بهره‌برداری از کارخانه تولید روغن صنعتی در شهرستان عجب‌شیر با بیان اینکه تا ۱۰ میلیارد ریال تسهیلات به واحدهایی که نیاز مالی دارند کمک می‌شود، افزود: نزدیک به یک سوم اشتغال و تولیدات استان در شهرک شهید سلیمی شکل گرفته و این شهرک بزرگترین شهرک صنعتی شمال غرب کشور به شمار می‌رود.

وی با بیان اینکه از ۵۲ ناحیه و شهرک صنعتی مصوب استانی ۳۸ شهرک و ناحیه به بهره‌برداری رسیده است، گفت: شرکت شهرک‌های صنعتی استان در حوزه تناسب هزینه‌های جاری و عمرانی جزورته‌های برتر کشوری طبقه‌بندی می‌شود و به ترتیب ۳۰ و ۷۰ درصد اعتبارات این شرکت در بخش هزینه‌های جاری و شهرک‌سازی اختصاص می‌یافت که این تناسب در سال جاری به ترتیب به ۲۰ و ۸۰ درصد تغییر می‌یابد.

عسگری، مساحت کل شهرک‌های صنعتی مصوب آذربایجان شرقی را ۸۱ هزار و ۵۲۰ هکتار اعلام کرد و افزود: از این میزان ۲ هزار و ۳۱۶ هکتار قابل واگذاری است که تاکنون ۳ هزار و ۳۰۹ قرارداد بین شهرک‌های صنعتی و متقاضیان امضاء شده است.

مدیرعامل شرکت شهرک‌های صنعتی آذربایجان شرقی افزود: در خصوص ایجاد شهرک دوم صنعتی عجب‌شیر و با توسعه شهرک نیز پیگیر و در حال مطالعه هستیم. کارخانه تولید روغن صنعتی در شهرستان عجب‌شیر با حضور معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت همچنین رئیس سازمان صنایع کوچک و شهرک صنعتی ایران به بهره‌برداری رسید.

کارخانه تولید روغن صنعتی با اعتبار ۸۰ میلیارد ریال در مساحت ۹ هزار متر مربع با اشتغال‌زایی ۶۰ نفر با تولید سالانه ۷ هزار و ۲۰۰ تن در سال به بهره‌برداری رسید.

خیز جهانی فرش تبریز



وی تصریح کرد: «سفر هیات جهانی شورای صنایع دستی برای بازدید میدانی و تطبیق اطلاعات ارائه شده به این شورا در اوایل تیر ماه از دیگر اقدامات عملی برای کسب این عنوان جهانی بود. در بررسی صورت گرفته از سوی شورای جهانی صنایع دستی، تمام جوانب یک صنعت دستی از تحقیقات و آموزش آکادمیک تا تجارت و اشتغال به‌طور کامل مطالعه شد.» حق‌پرست مطرح شدن نام قالی تبریز در سطح بین‌المللی را پس از وقفه و تأثیرات سوئی که از تحریم‌ها به این هنر صنعت تحمیل شده بود، مهم‌ترین دستاورد این انتخاب دانست و اظهار کرد: «این رویداد بزرگ موجب شد تا نام تبریز و قالی تبریز بار دیگر در سطح جهانی برجسته شود و با این انتخاب ما با اقتدار و افتخار می‌توانیم از قالی تبریز در عرصه بین‌المللی دفاع کنیم؛ چرا که قالی‌حالا برند تبریز است.»

این مقام مسوول در ادامه دفاع از عنوان شهر جهانی قالی برای تمدید و تکرار در سال‌های آتی را مستلزم یک فرآیند جامع و کار تیمی تمامی دست‌اندرکاران حوزه قالی عنوان کرد و با اشاره به تغییر مدیریت و تولید قالی از صنایع دستی به وزارت صنعت، معدن و تجارت گفت: «متأسفانه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری عملاً مسوولیت کمتری نسبت به قالی دارد؛ اما با این‌همه با توجه به پیشینه بلند تبریز در هنر قالی برای معرفی بین‌المللی آن تلاش چشمگیری داشت.» وی گفت: «بهبود و تقویت زیرساخت‌ها هر حله بعدی تلاش‌ها برای حفظ و بهره‌گیری از عنوان شهر جهانی قالی است که برای فعالیت بین‌المللی نیاز به نیروی انسانی و رویکرد بین‌المللی داریم.» مدیر کل میراث فرهنگی آذربایجان شرقی، تلاش برای راه‌اندازی بورس قالی برای بهبود و توسعه شرایط فروش و تجارت داخلی و بین‌المللی قالی واحداث موزه قالی برای انتقال تاریخ قالی به نسل‌های آینده را از عمده برنامه‌ها و دغدغه‌های اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری آذربایجان شرقی عنوان و اظهار کرد: «با کمک به قالیبافان برای بهره‌مندی از تکنولوژی روز دنیا و فروش مجازی تولیداتشان برای به حداقل رساندن نقش آسیب‌رسان واسطه‌گری تأکید داریم.»

تبریز به جمع گرانترین خانه‌های پست



آمارها حاکی از آن است که کلان شهری همچون تبریز به جمع گران‌ترین واحدهای مسکونی پیوسته است.

گزارشات میدانی حاکی از آن است که قیمت مسکن در شهرهای بزرگی همچون تبریز کمتر از تهران نیست به طوری که بسیاری از خریداران گله‌مند از افزایش قیمت در این شهر هستند.

براساس این گزارش؛ به گفته بسیاری از مشاوران املاک در این شهر به دلیل افزایش قیمت در برخی از مناطق تعداد معاملات با کاهش ۱۰ درصدی روبرو شده و رکود خرید و فروش در این شهرها حاکم شده است.

در ادامه این گزارش یک مشاور املاک در استان آذربایجان شرقی با اشاره به اینکه بازار رهن و اجاره همانند بازار خرید و فروش است گفت: متأسفانه به دلیل بالا بودن میزان اجاره‌ی مسکن در تبریز بسیاری از مستاجران در حومه شهرها مستقر شده‌اند و این موضوع برای کلان شهری همچون تبریز بسیار تأسف‌برانگیز است.

در همین راستا مشاور املاک دیگری گفت: رکود در خرید و فروش مسکن در تبریز حاکم شده و قیمت‌ها روز به روز در حال افزایش است.

براساس این گزارش، در حالی که بسیاری از مسولان به فکر برنامه‌ریزی برای مهاجرت معکوس هستند ولی متأسفانه دلالتان نیز در این شهر جولان می‌دهند و همواره به فکر افزایش قیمت هستند.

این گزارش می‌افزاید: آپارتمان ۲۳۰ متری واقع در کوی ولیعصر فلکه مصدق ۵۰۰ میلیون تومان برای فروش گذاشته شده است.

همچنین واحدی ۱۰۰ متری واقع در شهرک مرزداران ۲۵ میلیون تومان برای فروش گذاشته شده است.

در همین راستا واحدی به متراژ ۱۱۷ متر واقع در بلوک گلستان ۴۵۰ میلیون تومان برای فروش گذاشته شده است.

براساس این گزارش واحدی دوبلکس به متراژ ۳۵۰ متر ۴۰ میلیون تومان ودیعه و ماهانه ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان برای اجاره گذاشته شده است.

به نظر می‌رسد افزایش قیمت‌ها در بخش اجاره و نیز رکود در بازار خرید و فروش نه تنها در تهران بلکه در اکثر کلان‌شهرها همه‌گیر شده است.

حمایت تاریخی استاندار

آذربایجان شرقی از فعالان فرش

سرپرست معاونت امور اقتصادی استانداری آذربایجان شرقی به اهمیت فعالیت تخصصی در حوزه اقتصادی تأکید کرد و گفت: هر سرمایه‌گذار نمی‌تواند مدیر واحد صنعتی باشد زیرا این مسئله بر کیفیت کالا تأثیر منفی دارد.

احمد محمدزاده در همایش معاونان غذا و داروی دانشگاه علوم پزشکی سراسر کشور با بیان اینکه همیار کردن مصرف‌کننده موجب موفقیت در تولید و فروش می‌شود، اظهار داشت: آموزش مصرف‌کننده به حدی مهم است که باید آنان را به عنوان همکار خود انتخاب کنیم.

سرپرست معاونت امور اقتصادی و بین‌المللی استانداری آذربایجان شرقی به اهمیت فعالیت تخصصی در حوزه اقتصادی و صنعتی تأکید کرد و گفت: هر سرمایه‌گذاری نمی‌تواند مدیر واحد صنعتی باشد ولی متأسفانه در حال حاضر کارفرما از سرمایه‌گذار جدا نیست و این مسئله بر کیفیت کالا تأثیر منفی دارد.

وی خاطر نشان کرد: امیدواریم مدیریت از سرمایه‌گذاری جدا شود و در این حالت جایگاه مدیریت تخصصی بهبود می‌یابد و در اصلاح قانون تجارت این موارد باید مورد لحاظ قرار گیرد.

محمدزاده تأکید کرد: چگونه است که برای راندن یک اتومبیل نیازمند گواهینامه هستیم و مدارک مالکیت ماشین کافی نیست اما برای اداره یک واحد صنعتی گواهی مهارت و مدیریتی نیاز نیست و تنها سرمایه کافی است و این روند موجب می‌شود تا مشکلات تولید و بیکاری راداشته باشیم.

محمدزاده در ادامه سخنان خود بر ضرورت حضور فعال اتحادیه‌ها در زمینه تولید و نظارت بر مواد غذایی بیان کرد: در حال حاضر در آذربایجان شرقی اتحادیه‌های نان وارد کار به صورت جدی شده‌اند که نتایج آن را در ماه‌های آینده مشاهده خواهیم کرد.

سرپرست معاونت امور اقتصادی و بین‌المللی استانداری آذربایجان شرقی بر اشتغال‌زایی تأکید کرد و گفت: بستن درب کارخانجات هیچ هنری محسوب نمی‌شود و باید ضمن ارائه آموزش‌های لازم برای ارتقای کیفیت محصولات بر آموزش نیز توجه شود.



وی خاطر نشان کرد: در شرایط فعلی که با محدودیت فعالیت‌های تجاری با جهان مواجه هستیم باید ابتکارات را به کار بست و امیدواریم با اتمام تحریم‌ها و کاهش هزینه‌ها زمینه تولید محصولات کیفی‌تر حاصل شود.

محمدزاده گفت: در حال حاضر اگر کسی بخواهد محصول معتبر و با کیفیتی را وارد کشور کند راه برایش بسته است و از کشورهای محدودی می‌توانیم محصول وارد کنیم.

تفاهمنامه همکاری برای احداث راه آهن ایران - آذربایجان منعقد شد



در جریان برگزاری یک نشست مشترک اقتصادی، تفاهمنامه احداث راه آهن ایران - آذربایجان به امضای مقام‌های دو کشور رسید.

در کمیسیون مشترک اقتصادی ایران و آذربایجان، موسوم به «آستارا - آستارا» که به منظور تصمیم‌گیری در خصوص اتصال خط آهن آذربایجان به ایران برگزار شد، پس از گفتگوهای هیئت‌های ایرانی و آذری تفاهمنامه همکاری بین دو کشور در آستارا امضاء شد.

وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات جمهوری اسلامی ایران پس از امضای این تفاهمنامه در صحبتهای کوتاهی اظهار داشت: امیدواریم این تفاهمنامه تا آخر سال میلادی آینده (اواسط دی ماه ۹۵) به اتمام برسد که در این صورت حجم مبادلات اقتصادی دو کشور به ۴ برابر ظرفیت فعلی خود افزایش خواهد یافت.

محمود واعظی با اشاره به ساخت ترمینال باربری که قرار است توسط ایران و در محل مشخص شده احداث شود، گفت: در صورت تکمیل و بهره برداری از این ترمینال ظرفیت مبادلات دو کشور به ۸ برابر ظرفیت فعلی یعنی به ۵ میلیون تن افزایش پیدا می‌کند.

وی با بیان اینکه این تفاهمنامه در گسترش هر چه بیشتر روابط دو کشور تأثیر بسیار مثبتی خواهد گذاشت، افزود: در آینده با اتصال خط آهن دو کشور به یکدیگر قادر خواهیم بود که بنادر هندوستان را به بنادر شمالی و غربی اروپا متصل نماییم.

بر اساس اعلام استانداری آذربایجان شرقی دستگاه‌های برتر و برگزیده آذربایجان شرقی معرفی شدند

دستگاه‌های اجرایی نمونه استان آذربایجان شرقی در سال ۱۳۹۳ در مراسم اختتامیه جشنواره شهید رجایی مورد تجلیل قرار گرفتند.

بر اساس ارزیابی ستاد استانی جشنواره شهید رجایی در خصوص عملکرد دستگاه‌های اجرایی استان در سال ۱۳۹۳، ۱۱ دستگاه استانی و یک واحد شهرستانی و دو واحد اداری دیگر به عنوان دستگاه‌های برتر این جشنواره معرفی و با اهدای لوح تقدیر از سوی استاندار آذربایجان شرقی مورد تجلیل قرار گرفتند.

در بعد شاخص‌های عمومی و اختصاصی جشنواره شهید رجایی استان، سازمان امور اقتصادی و دارایی، شرکت آب و فاضلاب شهری و شرکت برق منطقه‌ای استان به عنوان دستگاه‌های برتر شناخته شدند.

در محور توسعه دولت الکترونیک و هوشمندسازی اداری، اداره کل امور مالیاتی استان به همراه تیم کاری، در محور مدیریت سرمایه انسانی، اداره کل جهاد کشاورزی استان به همراه تیم کاری و در محور صیانت از حقوق مردم و سلامت اداری، ادارات کل زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی، استانداری و تحقیقات صنعتی و حمل و نقل و پایانه‌های استان به همراه تیم‌های کاری رتبه‌های برتر را کسب کردند.

در بعد شاخص‌های اختصاصی نیز شرکت آب منطقه‌ای استان، شرکت گاز استان و اداره کل ثبت احوال استان به عنوان دستگاه‌های برتر و اداره بیمه سلامت شهرستان اسکو نیز به عنوان واحد شهرستانی برتر بر اساس نظرسنجی از مراجعان انتخاب شدند.

همچنین معاونت توسعه مدیریت و منابع انسانی استانداری و فرمانداری اهر بر اساس شاخص‌های مورد نظر استانداری به عنوان دو دستگاه برگزیده معرفی شدند.



رییس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی آذربایجان شرقی: باید از کلی‌گویی در بحث‌های آماری خارج شویم



رییس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی آذربایجان شرقی می‌گوید، باید از کلی‌گویی در بحث‌های آماری خارج شویم.

«داوود بهبودی» در «آیین بزرگداشت روز ملی آمار» با بیان اینکه داشتن آمار واقعی مقدمه‌ای برای برنامه‌ریزی است، ادامه داد: آمار صحیح می‌تواند به مسئولان در تحلیل وضعیت گذشته و تبیین وضعیت فعلی و ارایه اهداف در آتی کمک شایانی کند.

وی با بیان اینکه آمار سازمان ملی آمار ایران به عنوان یک مرجع بی طرف، از صحت و سقم بیشتری برخوردار است، ادامه داد: متأسفانه در سال‌های

گذشته این سازمان تحت فشار برخی مسئولان، تنها کاری که توانسته انجام دهد این بوده که آمار را منتشر نکرده و یا با تأخیر منتشر کند، ولی هیچ زمانی آمار کذب منتشر نکرده است.

رییس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی آذربایجان شرقی با بیان اینکه در دولت تدبیر و امید، آمارها به صورت صحیح، شفاف و صریح به مردم گفته می‌شود. بهبودی، راهبری توسعه را یکی از مهم‌ترین وظایف و اولویت‌های سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی با همکاری سایر دستگاه‌های اجرایی دانست و اظهار کرد: لازم است که در این خصوص زیرساخت‌های دستیابی به آمار صحیح در استان را فراهم کرده و وضعیت توسعه را به صورت مستمر، پایش کنیم.

وی ادامه داد: یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های جامعه‌ای که بخواهد در مسیر توسعه حرکت کند بحث کیفیت نهادی است که پاسخگویی، مبارزه با فساد اداری و اقتصادی و شفافیت از مهم‌ترین مولفه‌های آن است.

بهبودی تصریح کرد: باید از کلی‌گویی در بحث آمار گویی خارج شده و بتوانیم برنامه‌ها و گزارشات خود را بر اساس آمار مستند، اعلام کرده و پیش ببریم.

وی با اشاره به سرشماری عمومی سال ۹۵ عنوان کرد: خوشبختانه سرشماری سال آتی از حالت کاغذی، خارج و به صورت الکترونیکی انجام می‌شود.

وی با بیان اینکه اجرای آزمایشی سرشماری عمومی سال ۹۵، از چهار آبان تا چهار آذر هم‌زمان با ۲۶ مرکز استان، در محدوده‌ای از شهر تبریز نیز انجام خواهد شد.

بهبودی گفت: تحول اداری نیز از الزامات نظام برنامه‌ریزی است که متأسفانه در سال‌های گذشته فقط از اسم این واژه استفاده شده و در مقام عمل، این مهم از مسیر اصلی خود دچار انحراف شده است

حضور چینی‌ها در بزرگ‌ترین شهرک صنعتی خارومیانه در تبریز

هیات اقتصادی استان هوبی چین که برای آشنایی با ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری در آذربایجان شرقی به این استان سفر کرده است از شهرک‌های صنعتی تبریز دیدن کرد.

مدیرعامل این شرکت در جریان دیدار مذکور با ارایه گزارشی از نحوه سرمایه‌گذاری در شهرک‌های صنعتی استان، افزود: شهرک صنعتی سرمایه‌گذاری خارجی به عنوان یکی از شهرک‌های مهم استان در زمینه‌های مختلف فعالیت می‌کند.

محمدعلی عسگری با اشاره به تضمین سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، اظهار کرد: بنا به سیاست‌های اقتصادی استاندار آذربایجان شرقی، شهرک‌های صنعتی استان نیز آماده جذب سرمایه‌گذاران در پساتحریم است.

عسگری نسبت به همکاری با فعالان اقتصادی چین به منظور ایجاد شهرک صنعتی مشترک در تبریز اعلام آمادگی کرد و افزود: بستر هر گونه سرمایه‌گذاری در این استان فراهم است.

وی با بیان اینکه تحریم‌ها موجب کاهش جذب سرمایه‌گذاری در ایران شده بود، اظهار کرد: با نهای شدن برجام انتظار می‌رود روابط اقتصادی ما با کشورهای دیگر توسعه یابد و چینی‌ها هم می‌توانند با افزایش سرمایه‌گذاری در جهت توسعه همکاری‌های اقتصادی گام بردارند.

هیات اقتصادی چین از شهرک صنعتی در حال احداث بعثت هم دیدن و از نزدیک با ظرفیت‌های این شهرک آشنا شده و تمایل خود را برای سرمایه‌گذاری در این شهرک ابراز کردند.

بیش از ۵۰ هزار نفر در دو هزار واحد صنعتی مستقر در ۵۴ شهرک صنعتی استان فعالیت می‌کنند.



شهر و توسعه

نظام شهرنشینی و روند سریع آن در کشورهای در حال توسعه سبب هجوم گسترده به شهرها و پیدایش بخش خدمات متورم، حاشیه نشینی گسترده، بیکاری پنهان، پیدایش دوگانگی شبکه های اجتماعی مهاجرین در شهرها می شود. به بیان دیگر، شهرنشینی یکی از مهمترین پدیده های عصر حاضر است، تا جایی که صحبت از انقلاب شهری در دنیا می شود. در ایران نیز تحول شهرنشینی بسیار شتابان و سریع بوده است. یک قانون ساده جامعه شناختی می گوید: هر تحول و تغییر خارج از قاعده و سازمانی منجر به پیامدهای ناخواسته بسیاری می شود. الگوی توسعه شهری در ایران الگوی تسلط تک شهری و نیز تمرکزگرایانه بوده است. در چنین شرایطی شهرنشینی با پیامدهای بسیاری همراه خواهد بود از جمله توزیع بی عدالتی، گسترش آسیب های اجتماعی و ناهمگونی فزاینده اجتماعی و کمک به گسترش انواع بحران های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی.

با رشد و توسعه شهرنشینی و پیچیده تر شدن روابط فردی و اجتماعی ساکنان شهر و درگیر شدن شهروندان با مسائل زندگی مدرن، روابط و تعاملات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ساکنان دستخوش تغییرات زیادی شده و برآورده ساختن نیاز شهروندان و ارائه خدمات برای آنها توسط مدیریت شهری دشوارتر شده است.

شهر تبریز نیز به عنوان یکی از کلان شهرهای ایران، در سال های اخیر تغییرات فراوانی را تجربه کرده است که برخی از صاحب نظران این تغییرات را بسیار مثبت ارزیابی می کنند و آن را مصداق توسعه جامع می انگارند اما در مقابل برخی منتقدان از روند تغییرات اخیر انتقاد می کنند و این تغییرات را به مثابه ضربه های جبران ناپذیر به روح شهر و انسجام آن می انگارند. بدین بهانه پرونده پیش رو به موضوع توسعه شهر و همچنین نقش شوراهای اسلامی شهر پرداخته و با صاحب نظران این حوزه به گفتگو نشستیم.



گفت و گوی اختصاصی کارایی با مهندس پور مهدی معاون عمرانی استانداری آذربایجان شرقی

رمز موفقیت طرح های شهری، دیدن شهر به عنوان یک موجود زنده است

مهندس صادق پور مهدی معاون عمرانی استانداری آذربایجان شرقی می باشند و در نتیجه سال ها فعالیت در حوزه مسکن و شهرسازی و پروژه های عمرانی دارای تجربیات ارزشمندی در زمینه مدیریت شهری هستند به پای گفت و گوی ایشان در رابطه با عملکرد معاونت عمرانی استانداری در قبال شهر نشستیم.

کارایی: یکی از وظایف تدوین شده برای معاونت هماهنگی امور عمرانی استانداری آذربایجان شرقی، هدایت و نظارت بر ارگان های اجرایی در تهیه و تنظیم طرح های زیربنای اقتصادی و عمرانی با توجه به تجارب و ضرورتها و نیازها و با در نظر گرفتن جهات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی استان است، با توجه به وضعیت موجود در زمینه توسعه شهری و با در نظر گرفتن برخی انتقادات که در این زمینه عنوان می گردد، به نظر شما این معاونت تا چه اندازه در انجام وظیفه فوق به درستی عمل نموده است؟

پور مهدی: تجربه من در سال های اخیر و در سمت های متفاوت نشان می دهد که رمز موفقیت طرح های شهری این است که شهر را به عنوان یک موجود زنده دید و رویکردی ارگانیک به آن داشت. البته بایستی توجه کرد که در این میان، ابعاد شهر، اینکه شهر کوچک باشد، بزرگ باشد یا حتی محیطی که قرار است آن را با رویکردی ارگانیک مورد توجه قرار دهیم، اصلاً اهمیت ندارد که مشخصات و

مولفه های یک روستا را داشته باشد. در وهله بعدی آن چه اهمیت دارد این است که به این موجود زنده، نگرشی جامع داشته باشیم و ارزیابی دقیقی از نیازهای مادی و معنوی آن داشته باشیم. امراض آن را تشخیص دهیم و در پی مداوای آن باشیم. بسیار ضروری است که تمامی مدیران مرتبط با موضوع مدیریت شهری، همچنین کلیه تصمیم گیران و تصمیم سازان چنین رویکردی را در قبال شهر و مسائل آن داشته باشند. رویکرد ارگانیک به موضوعات و مسائل شهری باعث می شود تا رشد و توسعه شهر به صورت متوازن صورت گیرد و کلیه اجزاء آن در قالب کلبه ای واحد مورد توجه قرار گیرد. شهر را به مثابه یک موجود زنده دیدن باعث می شود تا همه اجزای شهر اعم از ساکنین، خیابان ها، خانه ها، فضاهای آموزشی، فضاهای سبز و موارد دیگر مورد توجه قرار گیرند و به صورت متساوی و متوازن رشد کنند. اگر رویکرد چنین نباشد، قطعاً در یک مقطع زمانی عارضه های جدی ایجاد می شود. اعتقاد دارم که مدیران حوزه شهری به صورت جدی بایستی این موضوع را مورد توجه قرار دهند و در این زمینه

پرونده: الناز علیزاده اشرفی

برنامه جامعی داشته باشند. نمی توان به دلایل شخصی و بدون برنامه ریزی خیابان زد و با فضای سبز و پارک ایجاد کرد. هر یک از این برنامه ها، بایستی در قالب برنامه جامع توسعه شهری صورت پذیرد، در کشورهای توسعه یافته حتی این طرح ها منسوخ شده اند و نسل جدیدی از برنامه ها شهری تحت عنوان طرح های هوشمند توسعه شهری تدوین شده اند. اساس کار در این طرح های هوشمند، نگاه چند وجهی به مسائل و اجزای شهر به طوری که شهر واجد روح تلقی می شود و شادی و سرزندگی آن به صورت جدی مد نظر قرار می گیرد.

از طرفی تخصص در زمینه سیاست گذاری امور شهری، بسیار با اهمیت است. وجود افراد غیرمتخصص که علم و آموخته های چندانی ندارند، باعث نقص جدی در سیستم تصمیم گیری و تصمیم سازی در زمینه امور شهری می گردد.

مساله جدی دیگر در این زمینه، لزوم یکپارچه بودن مدیریت شهری است. زمانی که مدیریت شهری چندپارچه شود، مشکلات عدیده ای ایجاد می کند. در دنیا هم تلاش ها بر این بوده است که مدیریت شهر یکپارچه شود و به قول معروف یک نفر کلیددار شهر باشد. در کشور ما بنا به دلایلی، مدیریت شهری توزیع شده است و دستگاه های مختلفی در این امر دخیل هستند. مثلاً امور مرتبط به آب و فاضلاب در حیطة یک دستگاه است، آموزش مربوط به یک حوزه مجزا و درمان نیز در حیطة یک دستگاه دیگر است. در

چنین شرایطی، نقش ارگان های وابسته به حکومت مرکزی، همانند استانداری بسیار با اهمیت تر می گردد. در نهایت و درصوت تدوین طرح های هوشمند نیز، برای اجرای این چنین طرح هایی نیاز به افرادی است که توانایی اجرای صحیح طرح ها را داشته باشند. مثلاً در دنیا بسیاری از روسای جمهوری پیش تر در کسوت شهردار سابق فعالیت داشته اند.

کارایی: آیا معاونت هماهنگی امور عمرانی استانداری به عنوان نماینده قوه مجریه در استان، به تنهایی متولی مسائل استراتژیک شهری است؟ همچنین نسبت و سطح همکاری این معاونت با شورای شهر به چه ترتیبی است؟

پورمهدی: استانداری به عنوان بخشی از قوه مجریه، نماینده حاکمیت است. از حاکمیت انتظار می رود دخالتی در امور اجرایی نداشته باشد. حاکمیت چند وظیفه اساسی دارد که تامین امنیت، ایجاد هماهنگی میان ارگان های مختلف و نظارت بر عملکرد دستگاه های ذیربط از جمله مهمترین آنهاست اما وظیفه استانداری در مقام ارتباط با مسائل شهر و شوراهای شهری، کنترل مصوبات آنها و استحضال مغایرت های قانونی است. دولت در عمل دو نوع نظارت اعمال خواهد کرد یکی نظارت بر قوانین و مصوبات شورا و سنجش تطابق این مصوبات با مسائل عملی و دومی کنترل هزینه ها و گردش مالی شهرداری ها و شورای شهر و همچنین رسیدگی به اختلاف



دستگاه ها است.

کارایی: پس استانداری به عنوان نماینده دولت در استان در عمل دخالت پررنگ و موثری در مسائل ملموس تر شهروندان ندارد؟

پورمهدی: در واقع عمده وظیفه استانداری در جایگاه حاکمیتی، انجام هماهنگی های لازم است. همانطور که پیشتر گفتیم در ایران هنوز دایره اختیارات شهرداری ها محدود است اما با این وجود تیم فعلی دولت قویاً بر این عقیده هستند که شهرداری یک نهاد غیردولتی عمومی است که مردم هزینه های آن را تقبل می کنند، بدین ترتیب بایستی خود مردم نیز بر امور نظارت کنند و تا زمانی که شوراها جایگاه واقعی خود را در مناسبات سیاسی و اجتماعی بیابند، بایستی دولت صرفاً یک نقش نظارتی اعمال کند. با این وجود هنوز رسوبات ذهنی در برخی مدیران وجود دارد که شهرداری را از مجموعه متبوعه می دانند.

کارایی: به نظر شما طرح های عمرانی مختلف که در شهرمان آغاز می شود، تا چه میزان از جهات مختلف مورد ارزیابی قرار می گیرد؟ مثلاً در خود منطقه هشت که منطقه ای تاریخی در شهر تبریز است، آیا نماینده دولت نظارتی بر میزان همگون بودن طرح ها با روح شهر دارد و آیا اساساً در این قضیه ورود می کند؟

پورمهدی: ورود استانداری به عنوان نماینده حاکمیت در این موضوع، به صورت کلان و صرفاً در خصوص بودجه و ردیف بندی این بودجه می باشد. اما در عین حال چنانچه به عنوان مثال در همین منطقه هشت تخلفی روی دهد و مغایرتی با ماهیت تاریخی این منطقه مشاهده نماییم نیز حتماً در این قضیه به صورت موثر دخالت می نمایم.

هماهنگی هایی که در دو سال گذشته توانستیم در سطح استان انجام دهیم در گذشته های دور اصلاً وجود نداشت. حداقل در هشت سال دولت قبلی علی رغم اینکه شهرداری و استانداری آذربایجان شرقی یک دست بودند اما اختلافات شدیدی داشتند. به عنوان مثال، در پروژه مترو، اختلافات ناشی از شهرداری و استانداری

باعث شده که این پروژه تا به امروز به مرحله بهره برداری نرسد اما هم اکنون با هماهنگی های صورت گرفته پیشرفت این پروژه تسریع شده است. در مورد پروژه های عمرانی نیز بویژه در داخل شهر فرایند اتمام و بهره برداری سرعت بیشتری به خود گرفته است. انجام پروژه های عمرانی در داخل شهر، دشواری ها و پیچیدگی ها خاص خود را دارد چون بایستی با بسیاری از نهادها و متولیان خدمات شهری از شرکت گاز گرفته تا شرکت برق و مخابرات هماهنگی صورت پذیرد. انجام کلیه این هماهنگی ها، بر

دوش استانداری است و به نظر من در طول یکی دو سال اخیر این هماهنگی ها به خوبی صورت گرفته و پروژه ها در کوتاه ترین زمان ممکن به سرانجام می رسد. ارزش این هماهنگی ها در آن جاست که هزینه های مربوط به ناهماهنگی ها را مردم می پردازند به طور مثال، خط یک مترو باید خیلی پیش تر به بهره برداری می رسید. احداث این خط از سال ۸۰ آغاز شد و مقرر بود ۵۰ درصد از هزینه های آن را دولت و ۵۰ درصد دیگر را شهرداری تامین نماید. ورود استانداری به مترو از دو جنبه بوده است یکی به نمایندگی از طرف دولت و

به منظور تامین مالی پروژه و دیگری از موضع شهرداری و در مقام نظارتی. اگر پیشتر امور به درستی صورت می گرفت، پروژه متروی تبریز بسیار پیشتر از این مقطع زمانی به بهره برداری می رسید. هم اکنون هزینه تمام شده هر کیلومتر مترو چندین برابر مقداری است که چنانچه این پروژه در زمان مقرر خود به اتمام می رسید در نظر گرفته شده بود. البته من دوست ندارم تمام این مسائل را به دولت و متولیان گذشته منتسب کنم اما بایستی واقف باشیم که رای شهرمان چنین هزینه هایی انجام شده است. عدم اجرا به موقع پروژه مترو هزینه ای بالغ بر هزار میلیارد تومن برای شهر دارد. این مبلغ را مردم هزینه می کنند نه مدیران. خوشبختانه پیشرفت های دو سال اخیر باعث شده تا فاز یک مترو به اتمام برسد و فاز دوم را هم به امید خدا در نیمه اول سال بعد به مرحله بهره برداری می رسانیم.

اگرچه در برخی موارد به مشکل بر می خوریم. مشکلاتی از سنخ بخشی نگری. بخشی نگری آثار و پیامدهای منفی برای توسعه شهری در پی دارد. به عنوان مثال سازمان میراث فرهنگی نایستی تنها ملاحظات مربوط به حوزه کاری خود را مورد توجه قرار دهد چون به هر روی توسعه شهری الزامات مختص خود را دارد در مقابل شهرداری نیز بایستی با یک دید جامع پروژه های شهری را به گونه ای به پیش برد که کمترین تخریب را به حوزه میراث فرهنگی و هویت جمعی وارد نماید. متولیان توسعه شهری بایستی به این باور رسیده باشند که توسعه لزوماً با تخریب و از بین بردن همراه نیست، همچنین در گذشته ماندن نیز نیست.

اگر کلیه مدیران و مجموعه حاکمیت باور داشته باشند که چهار وظیفه عمده آن ها صرفاً تامین امنیت، فعال کردن دستگاه ها، برقراری هماهنگی میان دستگاه ها و نظارت است، مردم می توانند به راحتی به زندگی خود بپردازند و لزومی ندارد من به عنوان مدیر در اجرا دخالت کنم.

کارایی: اگر بتوانید سه شاخص عمده و ملموس برای ارزیابی عملکرد استانداری در زمینه توسعه شهری ارائه بدهید، به چه مواردی اشاره خواهید نمود؟

پورمهدی: در نهایت این مردم هستند که عملکرد ما را مورد قضاوت قرار می دهند. بالطبع نمی توان رضایت تمامی افراد را جلب کرد با این وجود چنانچه برآیند نظرات عموم مردم مثبت باشد، نشان می دهد که کار به خوبی پیش رفته است. من به عنوان یک تبریزی افتخار می کنم که در این دولت حضور دارم چون احساس می کنم که به مردم این شهر بدهکارم. امیدوارم با استفاده از تمامی تجربیات گذشته خود برای توسعه استان آذربایجان شرقی تلاش کنیم. اعتقاد دارم که بایستی با گشاده رویی و گشاده دستی با مردم تعامل کنیم از این روی، در اتاق من هیچ زمان و به روی هیچ کس بسته نیست. البته این یک حرکت پوپولیستی و عوام فریبانه نیست.

بایستی با مردم صادق و روراست بود. مردم هم هوشمند اند زمانی که می بینند برای تکمیل راه ارتباطی تبریز-اهر با تمام وجود و به رغم مشکلات بودجه ای تلاش می کنیم، این مساله را به قضاوت می نشینند و بازخوردهای این قضاوت ها به گوش ما می رسد. به نظرم چنانچه همکاری میان ارگان ها بیشتر شود و ریسک پذیری مدیران دولتی نیز افزایش یابد و وابستگی به موقعیت ها و مناصب و پست ها کاهش یابد، می توان بهتر و موثرتر کار کرد. امیدوارم فضایی که ایجاد شده بیش از پیش در این راستا کمک کند.

اگر کلیه مدیران و مجموعه حاکمیت باور داشته باشند که چهار وظیفه عمده آن ها صرفاً تامین امنیت، فعال کردن دستگاه ها، برقراری هماهنگی میان دستگاه ها و نظارت است، مردم می توانند به راحتی به زندگی خود بپردازند و لزومی ندارد من به عنوان مدیر در اجرا دخالت کنم.

گفت‌وگویی اختصاصی کاریابی با مهندس شاهگلی مدیر عامل شرکت عمران و مسکن سازان منطقه شمالغرب

در فرایند توسعه شهری، روح مکان‌ها اهمیت دارد

مهندس امیرقلی شاهگلی دانش آموخته عمران و مدیر عامل شرکت عمران و مسکن سازان منطقه شمالغرب هستند به واسطه فعالیت‌های گذشته ایشان در شهرداری و فعالیت‌های آموزش‌شان در وزارت راه و شهرسازی و حضور ایشان در پروژه‌های عمرانی مهم شهر به گفتگو با ایشان نشستیم.



کاریابی: تعریف شما از شهر چیست و یک شهر باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟

شاهگلی: به نظر من آن چیزی که بایستی در مباحث شهری به طور جدی مورد توجه قرار گیرد، توجه به ارتباط میان کالبد شهر و روح شهر است البته خود من این موضوع را در سال‌های اخیر و بیشتر از طریق ادبیات، داستان و رمان دریافته‌ام؛ از اشعار بودلر، از کتاب‌های اورهان پاموک و کتاب‌های جیمز جویس. این رویکرد باعث شد تا نوع نگاه من به شهرها تغییر یابد. ما مهندسين عمران، معماری و شهرسازی عمدتاً از حس بینایی خود برای دیدن

شهر استفاده می‌کنیم، در حالی که شهر را بایستی با تمام حواس مورد توجه قرار داد. برقراری ارتباط صرفاً بصری با شهر، باعث می‌شود که سایر حس‌های ما نتوانند با شهر ارتباط برقرار کنند. شهر علاوه بر کالبد، بو دارد، صدا دارد و می‌شود آن را لمس کرد. آیا یک نابینا قادر خواهد بود با شهر ارتباط برقرار کند؟ آیا می‌تواند قضاوتی در خصوص توسعه شهری ارائه نماید؟ به نظر من حس بینایی، ما را در رابطه با درک شهر کور کرده است. لازم است برای شناخت شهر، از حس‌های دیگر خود نیز کمک بگیریم. من به شخصه در طول دوران کاری هیچ وقت درک و شناخت کافی از شهر و محیط زندگی خود نداشته‌ام شاید دلیل این امر، نبود منابع کافی برای درک و شناخت دقیق است و این علوم انسانی است که انتظار داریم آگاهی مرتبط با روح شهر را در اختیار ما بگذارد.

علاوه بر این، شهر یک محیط زنده و یکپارچه است. شهر با تمامی انسان‌ها و با تمام عناصر سازنده خود یک موجود زنده واحد است. این موجود زنده حس دارد، فهم دارد و درک دارد. اخیراً و بواسطه مطالعاتی که در خصوص روح شهر انجام دادم، به این نتیجه رسیده‌ام که حس و احساس شهر نزدیک به احساس زنان است به نظر من این حس و ارتباط زنانگی شهر مساله‌ای غیر قابل انکار است. من بعد‌ها متوجه شدم که چرا شهر‌ها را با هم خواهر خوانده می‌کنند. درک این موضوع باعث شد که متوجه شوم کالبدی که داریم می‌سازیم یعنی همان توسعه شهر به مفهوم رایج، نمی‌تواند منفک از روح شهر باشد. برای اینکه در رابطه با یک شهر نظر دهیم باید روح آن را درک کنیم و این بدون کمک علوم انسانی نمی‌تواند برای مهندسان و معماران قابل درک باشد.

کاریابی: آیا منظور شما از روح شهر، آن چیزی است که در

ساحت عمومی و اجتماعی و در بستری از خاطرات و رویدادهای مشترک شکل می‌گیرد؟

شاهگلی: بله، ببینید مثلاً پاموک هویت شهر استانبول را حزن استانبول می‌داند یا بودلر، هویت شهر پاریس را ملال آن شهر می‌داند. بودلر زمانی این هویت را برای پاریس قائل می‌شود که شهر کاملاً زیر و رو شده و تبدیل به یک مکان جدید می‌شود، این به هم ریختگی پاریس است که بودلر را دچار اندوهی عمیق می‌کند که در اشعار وی نمود پیدا می‌کند یا در خصوص استانبول، توسعه یکباره و ناگهانی شهر، تغییرات بی سابقه‌ای ایجاد

نموده و حزنی عمیق در جان شهروندان انداخته است.

کاریابی: حال که بحث ما به اینجا رسیده است، بایستی از شما سوال کنم که آیا به عنوان فردی تاثیرگذار و دارای مسئولیت در شرکت عمران و بهسازی شهری که مسئولیت ساخت و ساز پروژه منصور را عهده دار است، فکر نمی‌کنید پروژه مذکور به تنهایی مسئول از میان برداشتن بخش عمده‌ای از خاطرات عمیق شهروندان تبریزی است؟ آیا فکر نمی‌کنید همین پروژه به روح این شهر آسیب جدی وارد کرده است؟

شاهگلی: در مدت کمتر از پنجاه سال شهر دستخوش تغییرات بسیار زیادی چه به لحاظ اندازه، و چه به لحاظ کارکردها شده است. برخی از این تغییرات غیر قابل اجتناب است. زمانی که تبریز هفتاد سال پیش را در نظر می‌آوریم، اصلی‌ترین خیابان ما، خیابانی بود به نام «خیابان کهنه» اما روند توسعه شهر به گونه‌ای رقم خورد که خیابان جدید التاسیسی جای آن خیابان را گرفت و نام آن «خیابان امام خمینی» است شاید بر مبنای تصویری که پدر بزرگ‌های ما در آن سال‌ها از تبریز داشته‌اند، «خیابان کهنه»، شریان اصلی شهر بوده است اما با احداث «خیابان امام خمینی»، «خیابان کهنه» شدیداً با مشکل مواجه شد و از رونق افتاد. «خیابان امام خمینی» به عنوان یک پدیده جدید «خیابان کهنه» را از بین برده بود و تیر خلاص را به «خیابان کهنه» زده بود و همین قضیه کلید آغاز این پروژه را زد و «خیابان کهنه» تغییر چهره و ماهیت داد. به نظر می‌رسد پروژه منصور هم در نهایت چنین سرنوشتی را برای «خیابان امام خمینی» رقم بزند. «خیابان امام خمینی» در ذهن ما و هم نسلان ما همان نقشی را دارد که «خیابان کهنه» برای نسل قدیمی‌تر از ما داشت و طبیعی است که هر تغییری در آن ما را ناراحت خواهد کرد.

کاریابی: به نظر شما، روح شهر تبریز در فرایند توسعه شهری چقدر آسیب دیده است؟

شاهگلی: روح شهر همانند باد سیار است. شیء‌ای سیال که در داخل کالبد شهر می‌چرخد. روح شهر را نمی‌توان نشان داد ولی می‌توان درک کرد. در دوران بی‌جکی من در کوچه به همراه بچه‌های همسایه با بازی می‌کردم و معنی برای این امر وجود نداشت. در کوچه، زندگی و سرزندگی وجود داشت و کوچه محل تعامل و حلقه بین محیط خانه و اجتماع بود ولی الان کودکان نمی‌توانند این حس را تجربه کنند چون در کوچه‌ها زندگی نیست و به تبع آن کودکان امروزی از فضاهای تعامل محروم‌اند و تنها فضای تعامل برای آنان مدرسه است. این همان روح شهر است یعنی روح شهر در سال‌های نه‌چندان دور مملو از تعامل و ارتباطات بوده اما امروز امور دستخوش تغییر شده‌اند. این موارد یکی از آن چیزهایی است که در توسعه شهر قربانی شده و از بین رفته است.

البته این که بگوییم در فرایند توسعه شهر هیچ چیزی دستخوش تغییر نگردد و همه چیز همانگونه که بود بر سر جای خود باقی بماند، کاملاً غیر ممکن است. برخی از چیزهایی که از گذشته هنوز پابرجا مانده‌اند، برای نیازهای امروزی شهروندان پاسخگو است اما در برخی موارد برای اینکه بتوان شرایط امروزی را وارد زندگی شهری نماییم، تغییرات غیر قابل انکار است. ما نباید گذشته خود را فراموش کنیم در عین حال بایستی بتوانیم درد تغییر را برای شهروندان تسکین دهیم.

کاریابی: آیا در دنیا مدل‌ها و رویکردهایی وجود ندارند که توسعه و تغییرات ضروری، بدون آسیب زدن به روح شهر به وقوع بپیوندد؟

شاهگلی: صرف حفظ بافت قدیمی بدون ورود زندگی امروزی به آن بافت، باعث ایجاد یک فرایند توخالی می‌شود اما به عنوان مثال ساختمان‌های ماسوله با وجود زیبایی بسیار زیاد، تنها کارکردی دکوری و توریستی یافته‌اند که زندگی در آن رواج ندارد. از طرفی بایستی اذعان کنیم که ماهیت پروژه‌های شهری ما به لحاظ مشارکت معنوی مردم در آن بسیار کم‌رنگ است من در این تردید ندارم.

کاریابی: نتایج یک تحقیق دانشگاهی درباره سهم و جایگاه «حقوق شهروندی» در تعریف پروژه‌های عمرانی- شهری دو کلان‌شهر تهران و پاریس، نشان می‌دهد که در پایتخت فرانسه از سال ۲۰۰۱ تاکنون، به دستور شهردار وقت (برتراند دلانو)، همه ساخت‌وسازهای بزرگ مقیاس و غالب طرح‌های عمرانی، پیش از تصویب نهایی، به شور عمومی و نظرخواهی مستقیم شهروندان مناطق مختلف پاریس گذاشته می‌شود؛ به طوری که شرط هر نوع سرمایه‌گذاری در شهر از طرف شهرداری پاریس، «اخذ رضایت و مجوز اکثریت شهروندان» است. اما در «تهران»، شهروندان تا پیش از شروع به کار پروژه‌ها، اطلاعی از تصمیمات شهرداری ندارند و بنابراین امکان هیچ نوع اعتراض و مخالفت عمومی با اجرای یک طرح در تهران - مخصوصاً ساختمان‌سازی‌هایی که نوع خاص آنها همچون گودبرداری‌های عمیق، بعضاً آسیب‌های غیرقابل جبران به ساکنان محل تحمیل می‌کند- را ندارند و پروسه پیگیری حقوق شهروندی نسبت به پروژه‌های مزاحم، عملاً به بعد از سرمایه‌گذاری و اجرای آنها موکول می‌شود. در پاریس یک سازمان محلی با نام «کمیسون ملی مناظره عمومی» وجود دارد که در آن، پروژه‌های پیشنهادی شهرداری توسط مردم شهر رای‌گیری می‌شود و توسط همین کمیسون، اعمال آرای برتر از سوی مدیران شهری، «تضمین» می‌شود. اما مطابق نتایج یکی از تحقیقات صورت گرفته در این

خصوص توسط دکتر هادی وحید، دکترای حقوق خصوصی و عضو هیات علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی و دکتر امید عبداللهیان، در تهران پروژه‌های بزرگ شهری عمدتاً توسط نهادهای بالادست شهرداری همچون کمیسیون ماده ۵ که اعضای آنها انتصابی هستند و شورای شهر که به شکل غیرمستقیم، از جانب شهروندان، حق رای دارند، به تصویب می‌رسند و بعضاً نیز مدیریت شهری تهران مستقل از این دو نهاد، اجرای طرح‌ها را کلید می‌زند. با این تفاسیر، آیا تخریب مکان‌های عمومی شهر بدون مشارکت مستقیم، فعال و موثر در تصمیمات شهر، عصبانیت، ناراضی‌ت و تلخ‌کامی را در جان شهروندان نمی‌ریزد؟

شاهگلی: عدم مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها را تایید می‌کنم و این روند را خیلی تأسف‌بار می‌دانم و بایستی واقعیت غم‌انگیز دیگری را خاطر نشان کنم و آن این است که بین نیازهای ما و گذشته ما ضدیت وجود دارد و این سرمنشا بسیاری از مشکلات در این حوزه است

کاریابی: یعنی هیچ راهی برای تلفیق این دو وجود ندارد؟
شاهگلی: اینکه بخواهیم هم گذشته را حفظ کنیم و هم به نیازهای روز جواب دهیم، انتظاری غیرمنطقی است. به نظر من اگر زندگی امروزی بتواند به یک ساختمان و فضای قدیمی ورود کند، آن فضا پایدار خواهد ماند و در غیر اینصورت آن فضا محکوم به از بین رفتن است. به هر حال بایستی اقدامات مرتبط با توسعه شهری به گونه‌ای صورت پذیرد که ارزش‌ها از بین نروند. در فرایند توسعه شهری، بایستی روح مکان‌ها مورد توجه قرار گیرد، هم شهرساز آن را درک کند، هم معمار و هم طرح‌های تفصیلی در غیراینصورت تناقضی میان روح شهر و توسعه آن وجود خواهد داشت.

کاریابی: فکر می‌کنید که آیا این تناقض در تبریز هم وجود دارد؟
شاهگلی: بله، به صورت شدید و آزار دهنده‌ای در توسعه شهر تبریز وجود دارد. یک بنا هرچقدر هم زیبا باشد تا شهروندان با آن همراهی و همدلی نکنند، نمی‌تواند روح پیدا کند در همین راستا، چند سالی است که با هماهنگی با دستجات عزاداری، از آنها خواسته‌ایم تا برخی از مراسم خود را بر روی فرش پروژه منصور اجرا کنند تا همدلی مردم با آنها برانگیخته شود و خاطرات جمعی شکل بگیرد.

من به هر شهری بروم سعی می‌کنم از کالبد شهر به روحیات مردمان آن شهر پی ببرم. من تا دو سال پیش فکر می‌کردم که این یک روند یک سویه است فکر می‌کردم این کالبد است که روحیه مردم را تغییر می‌دهد بعد‌ها متوجه شدم که این روح کالبد است که می‌تواند تغییراتی را در روحیه مردمان ایجاد کند. به طور مثال جیمز جویس در کتاب خود اولیس، تنها اتفاقات یک روز را می‌نویسد، خاطرات روز ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۴. قهرمان این داستان صبح از خواب بر می‌خیزد و از صبح تا شب مسیری را طی می‌کند و در جریان این حرکت، داستان خود را نقل می‌کند با این وجود، هر سال در روز ۱۶ ژوئیه، دوستداران جیمز جونس آن مسیر را پیاده طی می‌کنند این یعنی هنرمند توانسته است به یک مسیر روح بدمد یا مثلاً شهریار، تپه حیدرآباد را که نه آنقدرها خوش منظره است و نه آنقدرها سرسبز، با سرودن شعری جاودان کرده و کالبد بیجان آن را با روح شعر خود زنده نموده است. شهر ما نیز مملو از خاطرات است و بایستی با استفاده از علوم و ابزارهایی که انسان در آن‌ها حضور قوی دارد، از جمله تاریخ، هنر، داستان، شعر، خط، به صورت هنرمندانه‌ای آن‌ها را جاودان کرد. شهرهایی دارای هویت هستند که هنرمندان آن‌ها به کالبد شهر روح می‌دمند.

سخنرانی مهندس سیدرضا هاشمی
در حاشیه نشست « جمعیت حامیان توسعه محور تبریز »

شهروندی و نسل چهارم طرح های شهرسازی

«جمعیت حامیان توسعه محور تبریز» به منظور حل بخشی از معضلات کاربردی شهر تبریز با حضور فعالان فرهنگی، اجتماعی و هنری شهر تشکیل شده است. این ایده بعد از دو سال منجر به تشکیل یک سازمان مردم نهاد رسمی در تبریز شد. آنچه در پی می آید، سخنرانی سیدرضا هاشمی در جلسه مربوط به تصویب اساسنامه و انتخاب هیات مدیره سازمان مردم نهاد فوق است که به ایراد سخنانی در خصوص طرح های توسعه شهری و ویژگی های نسل جدید این طرح ها پرداخته است.

سیدرضا هاشمی تاکنون در سمت های مختلفی از جمله مدیر کل مسکن و شهرسازی همدان، معاون شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی، دبیر شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، معاون شهرسازی و معماری شهرداری تهران، مدیریت بیش از صد طرح پژوهشی شهرسازی و معماری، مسئول کمیته مسکن و راه و در شورای پژوهش های علمی کشور، رئیس شورای داوران اولین جشنواره مهندسی ایران، مدیر مسئول و سردبیر مجله معمار حضور داشته و دارای مدرک کارشناسی ارشد مهندسی معماری دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران است.

هم اکنون هر حرکتی تحت عنوان پیشرفت و توسعه تعریف می گردد و در دنیا مسابقه ای برای حصول به پیشرفت و توسعه در جریان است. این موضوع فی النفسه امری مثبت است. اگر چه ممکن است وضعیت رقابت و مسابقه دائمی مخالفانی داشته باشد اما به هر حال بعد از جنگ دوم جهانی دنیا به تدریج وارد برنامه های توسعه ای شدند. در ایران نیز هم قبل از انقلاب و هم بعد از انقلاب انواع و اقسام برنامه های توسعه تهیه و اجرا شده است که معروف ترین آن ها برنامه های پنج ساله است. در میان تمام برنامه های توسعه ای تدوین شده، برنامه ای که بیشتر با زندگی همه مردم سروکار دارد و تقریباً تمام مردم آن را می شناسند، همین طرح های شهرسازی و طرح های جامع و تفصیلی باشد. این طرح ها بعد از انقلاب و در شرایط بیست و پنج سال گذشته که ساخت و سازهای فراوانی صورت گرفته و بخش عمده ای از فعالیت های اقتصاد شهر را قبضه کرده است، بیشتر در زندگی عامه شهروندان نمود یافته است.

حدود پنجاه سال پیش اولین طرح های جامع در کشور تدوین شد که طرح جامعه توسعه تبریز نیز مربوط به همان دوره می شود. این اولین تجربه از طرح های این چنینی بود. در آن مقطع زمانی، مهاجرت به شهرهای در حال توسعه تازه آغاز شده بود. هدف عمده اکثر طرح های جامع تامین جا برای زندگی برای جمعیت در آینده بود که با نرخ بسیر زیادی در حال توسعه بود. همچنین تصمیم گیری در خصوص سمت و سوی توسعه فیزیکی شهر و چگونگی تقسیم زمین میان جمعیت و تعیین محل ارائه خدمات عمومی در شهر نیز از دیگر موارد موجود در طرح های جامع است. بالطبع این موارد جزو اولین تجربه های توسعه ای بود و در طرح های بعدی انتظار می رفت به مسائل کیفی مردم در شهر نیز مورد توجه قرار گیرد. کمتر از ده سال بعد از تدوین اولین طرح های جامع شهری، انقلاب اسلامی به وقوع پیوست. طرح های اولیه که به واقع مصداق تمرین اولیه ای برای این کار بود، با انقلاب و مسائل خاص آن مواجه گشت. موج مهاجرت و شتاب شهرنشینی هم سرعت گرفت. پس از

یک مقطع زمانی کوتاه، طرح های دوم و سوم تهیه شد هم اکنون تقریباً کلیه شهروندان به این امر واقف هستند که کلیه املاک قاعده، قانون مختص خود و نقشه ای دارد. هم اکنون تجربه سه نسل از طرح های جامع را در اختیار داریم. می توان گفت که موج مهاجرت که از دهه چهل بویژه به سمت کلان شهرها شروع شده بود، هم اکنون به یک وضعیت ثابت رسیده است. امروز جمعیت ایران حدود هشتاد میلیون نفر است که چیزی حدود شصت میلیون از این جمعیت شهری و بیست میلیون آن روستایی هستند. این وضعیت فعلی است در صورتی که در سال ۱۳۳۵ که اولین برنامه های توسعه شهری اجرا گردید، جمعیت شهری ایران حداکثر هفت الی هشت میلیون نفر بود. از طرفی جمعیت شناسان تاکید می کنند که در بیست سال آینده یعنی تا سال ۱۴۱۵، جمعیت ایران حداکثر به صد میلیون نفر خواهد رسید. این بدین معناست که جمعیت تا سال مذکور سی درصد افزایش خواهد یافت همچنین بخش عمده ای از تولید مثل و توالی نسل بر عهده همین جمعیت شهرنشین فعلی خواهد بود. بخش عمده ای از ازدیاد نسل بواسطه همین جمعیت حاضر در شهرها خواهد بود. از این روش می توان نتیجه گرفت که جمعیت در شهرهای ما به مرحله ثبات رسیده است و میزان جمعیت که از بیرون وارد شهر خواهند شد، بسیار ناچیز خواهد بود.

با علم به این موضوع اجتماعی، مقرر شده است نسل چهارم طرح های شهرسازی تهیه و تدوین گردد. در این طرح ها بدون شک بایستی ایجاد کیفیت در زندگی شهری مد نظر قرار گیرد. هم اکنون در وزارت راه و شهرسازی، نسل چهارم طرح ها، تحت عنوان طرح های بازآفرینی شهری تعریف شده اند. در این طرح ها، توسعه کمی اهمیت کمتری دارد و برطرف کردن مشکلات و عیوب شهر و ارتقاء شاخص های کیفی زندگی شهروندان و نقش مردم در مدیریت شهر ها در آنها مورد توجه ویژه قرار گرفته است.

مسئله دوم حضور مردم در جریان تهیه و بررسی و تصویب طرح هاست. این کار حدود پنج سال یک بار در کشور در سه شهر قزوین، انزلی و شاهرود به صورت آزمایشی و تحت عنوان طرح های راهبردی انجام گرفت. مهم ترین شاخصه طرح نسل چهارم همین حضور مردم است. اگر چه ما تمرین کافی برای حضور مردم نداریم چرا که همه مردم وقت، آشنایی و تخصص کافی برای حضور مستمر و نظارت بر اجرای طرح در طول یک بازه زمانی نسبتاً بلندمدت را ندارند. بایستی از بین مردم عده ای به نمایندگی انتخاب گردند و این مسئولیت را بر عهده بگیرند. من فکر می کنم هم اکنون دوازده شهر برای اجرای طرح های بازآفرینی انتخاب شده اند که چهار کلان شهر از جمله تبریز، مشهد، شیراز، اصفهان و چند مرکز استان دیگر در میان آنهاست. تبریز اولین شهری است که در راستای مشارکت حقیقی شهروندان این انجمن تحت عنوان انجمن حامیان توسعه مردم محور به صورت خودجوش در آن تشکیل یافته است. به عنوان مثال در طرح های نوین شهری بسیار اهمیت دارد که شهرداری ها برای تامین منابع مالی خود به جای اینکه فقط به ساخت و سازها متکی باشند، به نوعی با کل



مردم در مدیریت شهر ها در آنها مورد توجه ویژه قرار گرفته است. در این روش، سه محور اصلی ترسیم شده است. اولاً اینکه قرار نیست طرح هایی که قبل تر ترسیم شده و انجام گرفته از جمله محاسبات جمعیت و سطح، یک بار دیگر تکرار گردد با توجه به اینکه مطالعات وسیعی صورت گرفته، بایستی با سرعت موارد مورد نیاز عملی گردد، لذا باید سرعت عمل در طرح ها از اولویت های برنامه های نسل چهارم توسعه شهری است.

مسئله دوم حضور مردم در جریان تهیه و بررسی و تصویب طرح هاست. این کار حدود پنج سال یک بار در کشور در سه شهر قزوین، انزلی و شاهرود به صورت آزمایشی و تحت عنوان طرح های راهبردی انجام گرفت. مهم ترین شاخصه طرح نسل چهارم همین حضور مردم است. اگر چه ما تمرین کافی برای حضور مردم نداریم چرا که همه مردم وقت، آشنایی و تخصص کافی برای حضور مستمر و نظارت بر اجرای طرح در طول یک بازه زمانی نسبتاً بلندمدت را ندارند. بایستی از بین مردم عده ای به نمایندگی انتخاب گردند و این مسئولیت را بر عهده بگیرند. من فکر می کنم هم اکنون دوازده شهر برای اجرای طرح های بازآفرینی انتخاب شده اند که چهار کلان شهر از جمله تبریز، مشهد، شیراز، اصفهان و چند مرکز استان دیگر در میان آنهاست. تبریز اولین شهری است که در راستای مشارکت حقیقی شهروندان این انجمن تحت عنوان انجمن حامیان توسعه مردم محور به صورت خودجوش در آن تشکیل یافته است. به عنوان مثال در طرح های نوین شهری بسیار اهمیت دارد که شهرداری ها برای تامین منابع مالی خود به جای اینکه فقط به ساخت و سازها متکی باشند، به نوعی با کل

هم اکنون در وزارت راه و شهرسازی، نسل چهارم طرح ها، تحت عنوان طرح های بازآفرینی شهری تعریف شده اند. در این طرح ها، توسعه کمی اهمیت کمتری دارد و برطرف کردن مشکلات و عیوب شهر و ارتقاء شاخص های کیفی زندگی شهروندان و نقش مردم در مدیریت شهر ها در آنها مورد توجه ویژه قرار گرفته است.

مردم در مدیریت شهر ها در آنها مورد توجه ویژه قرار گرفته است. در این روش، سه محور اصلی ترسیم شده است. اولاً اینکه قرار نیست طرح هایی که قبل تر ترسیم شده و انجام گرفته از جمله محاسبات جمعیت و سطح، یک بار دیگر تکرار گردد با توجه به اینکه مطالعات وسیعی صورت گرفته، بایستی با سرعت موارد مورد نیاز عملی گردد، لذا باید سرعت عمل در طرح ها از اولویت های برنامه های نسل چهارم توسعه شهری است.

مسئله دوم حضور مردم در جریان تهیه و بررسی و تصویب طرح هاست. این کار حدود پنج سال یک بار در کشور در سه شهر قزوین، انزلی و شاهرود به صورت آزمایشی و تحت عنوان طرح های راهبردی انجام گرفت. مهم ترین شاخصه طرح نسل چهارم همین حضور مردم است. اگر چه ما تمرین کافی برای حضور مردم نداریم چرا که همه مردم وقت، آشنایی و تخصص کافی برای حضور مستمر و نظارت بر اجرای طرح در طول یک بازه زمانی نسبتاً بلندمدت را ندارند. بایستی از بین مردم عده ای به نمایندگی انتخاب گردند و این مسئولیت را بر عهده بگیرند. من فکر می کنم هم اکنون دوازده شهر برای اجرای طرح های بازآفرینی انتخاب شده اند که چهار کلان شهر از جمله تبریز، مشهد، شیراز، اصفهان و چند مرکز استان دیگر در میان آنهاست. تبریز اولین شهری است که در راستای مشارکت حقیقی شهروندان این انجمن تحت عنوان انجمن حامیان توسعه مردم محور به صورت خودجوش در آن تشکیل یافته است. به عنوان مثال در طرح های نوین شهری بسیار اهمیت دارد که شهرداری ها برای تامین منابع مالی خود به جای اینکه فقط به ساخت و سازها متکی باشند، به نوعی با کل

شوراهای اسلامی و شهر



شوراهای شهر و روستا به عنوان نهاد های مشارکت مردمی، از اولویت های حقوقی مردم هر جامعه است که اساساً بدون آن امکان حل مشکلات به صورت کامل و اساسی وجود ندارد. شورا بخشی از مدیریت اجتماعی شهر و روستا را در دست می گیرد و به دلیل ذات مردمی اش و همچنین دارا بودن ارتباطات نزدیک با مردم و مشکلات آنان، بسیار راحت تر و سریع تر قادر به ریشه یابی معضلات و مشکلات اساسی مردم خواهد بود.

رسیدگی به حجم عظیم و گسترده مسائل و مشکلات مختلف در شهر ها و روستاها در ابعاد کمی و کیفی خصوصاً در کلان شهر ها مستلزم تمرکز زدائی در مدیریت و بهره گیری از نظرات و دیدگاه های آحاد مردم و مشارکت واقعی، پایدار، دائمی و نهادینه انجمن ها، سازمان ها و نهاد های مدنی مردمی است. نظر به اهمیت شوراهای شهر و روستا به عنوان مردمی ترین نهاد مدنی و نقش آن در حل مشکلات عدیده شهر ها و روستاها در این بحث به بررسی جایگاه و عملکرد این نهاد مدنی مردمی خواهیم پرداخت.

شوراها از ظهور تا پیروزی انقلاب به دلیل تغییرات سیاسی اجتماعی عظیمی که در نتیجه پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در ایران رخ داد، دستخوش تغییرات عظیمی گشته اند. پیشینه قانون شوراها، یا به تعبیر آغازین خود انجمن های بلدییه، به تشکیل نخستین نهاد قانون گذاری (مجلس شورای ملی) می رسد. به عبارت دیگر یکی از نخستین قوانین مصوب مجلس شورای ملی، قانون بلدییه است که در سال هزار و سیصد و بیست و پنج قمری برابر با هزار و دویست و هشتاد و شش خورشیدی به تصویب رسید و به این ترتیب یکی از آرمان های بزرگ انقلاب مشروطه جامعه عمل پوشید.

بهره مندی شهروندان از حق انتخاب کردن و حق انتخاب شدن از جمله در زمینه مدیریت و اداره شهر ها در زمره حقوق سیاسی قرار می گیرد از همین رو نخستین مقطع تاریخی بررسی قانون شوراها، باید زمانی باشد که برای اولین بار حقوق سیاسی مردم ایران به رسمیت شناخته شد. این زمان، سال های آغازین دهه هشتاد سده دوازدهم هجری خورشیدی است که انقلاب مشروطیت به ثمر نشست و مجلس شورای ملی به قانون گذاری پرداخت. در طول بیش از نود و پنج سال از تصویب اولین قانون انجمن های بلدییه در کشور ما، تشکیل شوراهای شهر و روستا با فرازها و فرودهای فراوانی مواجه بوده است.

با فروپاشی نظام شاهنشاهی در ایران و وقوع تغییرات چشمگیر سیاسی و اجتماعی و فرهنگی در ایران در سال هزار و سیصد و پنجاه و هفت شمسی شوراهای شهر و روستا نیز همپای دیگر بخش های مدیریتی کشور از موج تحولات در امان نماند و دچار تحول بنیانی گردید و در ابتدا برای مدتی هر چند کوتاه دوران رکود دیگری در عرصه فعالیت شوراها پدید آمد. احیای حکومت مردم بر مردم و قرار گرفتن سرنوشت مردم بدست خودشان از اساسی ترین و اصلی ترین دلایل وقوع انقلاب و ایجاد حکومت اسلامی سال هفتاد و پنج در ایران بود. و قانون ایجاد شوراهای شهر و روستای برخاسته از متن مردم، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول شش، هفت، صد، صد و یک، صد و سه، صد و پنج و صد و شش به منظور تحقق همین آرمان بلند گنجاینده شده است. جایگاه شوراها در نظام مردم سالاری دینی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران با پشتوانه عظیم مردمی در جهت گام برداشتن در راه ایجاد نظامی مردم سالار با رویکرد دینی و با هدف برقراری حکومتی مردمی برخاسته از دل مردم و برای مردم شکل گرفت. در راستای اجرای این آرمان بلند در کمتر از سه ماه پس از پیروزی انقلاب، رهبر کبیر انقلاب طی فرمانی به شورای انقلاب توصیه نمودند که آئین نامه اجرائی شوراهای اسلامی را تدوین و زمینه را برای تحقق اصل حضور و مشارکت مردم در عرصه تصمیم گیری بدور از هیاهوی سیاسی مرسوم فراهم نمایند. پس از صدور این فرمان تاریخی به فاصله هشت ماه پس از شکل گیری نظام جمهوری اسلامی و پس از فراهم شدن مقامات امر، اولین دوره انتخابات فراگیر شوراهای شهر و روستا در بسیاری از مناطق کشور با حضور چشمگیر مردم برگزار گردید و اولین نمایندگان مردم با رویکرد اسلامی زمام امور اداره شهرها و روستاها را بر عهده گرفتند. از این پس بود که سنگ بنای مدیریت یکپارچه شهری و روستائی گذارده شد. هرچند که بدلیل نقص قوانین موجود و عدم تجربه لازم نزد دولتمردان این شوراها نیز نتوانستند جایگاهی در خور و قانونی بدست آورند و نه تنها از رونق افتادند بلکه برگزاری دوره های پس از آن نیز در پس امور جاری کشور در حاشیه قرار گرفت و اجرای سیاست واگذاری امور اجرائی لایه های پایین کشور در سطح شهرها و روستاها باز معلق ماند. این خاموشی بیست سال طول کشید تا اینکه مجلس با اصلاح قانون شوراها، قانونی مشتمل بر نود و چهار ماده و پنجاه و یک تبصره در پنج فصل تصویب نمود و برای اجرا آن را به دولت وقت ابلاغ نمود. گرچه با ابلاغ این قانون زمینه برای احیای مجدد شوراهای فراهم گردید اما اجرائی شدن آن دو سال زمان برد دولت هفتم و شوراهای دولت هفتم با چند رویکرد اساسی و به دنبال اجرای سیاست های برنامه های توسعه کشور خصوصاً برنامه های سوم و چهارم که دولت را موظف نموده است تا طی یک برنامه زمانبندی شده فرصت واگذاری امور مردم را بدست مردم فراهم نماید و بخش عظیمی از تصدی گری های دولت در امور اجرائی و وظایف خویش را به مردم و انجمن های مردمی و تشکل های خصوصی و بخش های غیر دولتی تفویض نماید، احیای مجدد شوراهای را در همان اولین سال شروع به کار خود، در دستور کار خود قرار داد.

بخشی از اهداف و انگیزه های دولت در این خصوص عبارتند از:

۱. اجرای اصولی از اصل های فروگذارده شده قانون اساسی که اساس مردمی بودن نظام را تأیید می کرد.
۲. حرکت به سوی کاهش تصدی گری دولت در عرصه مدیریت کشور با واگذاری بخشی از وظایف دولت به شوراهای منتخب مردم.
۳. اجرائی نمودن بخشی دیگر از سیاست های کلان کشور و حرکت در مسیر توسعه و تعالی کشور همگام با برنامه های پنج ساله توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور مصوب مجلس شورای اسلامی.
۴. قدرت بخشیدن به شهرداری ها و نهاد های برخاسته از متن مردم با اعطای بخشی از وظایف دولت به آن ها.
۵. نهادینه کردن مردم سالاری دینی و ترویج فرهنگ شورائی در تمام سطوح جامعه.



نگاهی به نتایج پژوهش

«ارزیابی عملکرد سومین دوره شورای اسلامی کلانشهر تبریز» در گفتگو با یکی از محققین پژوهش

مقرر بود مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی شهر تبریز، از سوی موسسین، به عنوان «بازوی علمی و تحقیقاتی شورا و شهرداری تبریز» معرفی و در سال ۱۳۸۹ تاسیس شده بود، علاوه بر تشکیل جلسات کارشناسی در خصوص موارد ارجاع شده از طرف شورای اسلامی شهر و کمیسیون‌های آن، بر مبنای نظر سنجی از اعضای شورای اسلامی شهر، مدیران و کارشناسان شهرداری و تصویب شورای پژوهشی مرکز، اولویت‌هایی را جهت پژوهش به اطلاع عموم رساند.

پژوهش «ارزیابی عملکرد سومین دوره شورای اسلامی کلانشهر تبریز»، یکی از این طرح‌ها بود که در سال ۱۳۹۰ با نظر شورای اسلامی شهر تبریز و توسط سازمان مدیریت صنعتی نمایندگی آذربایجان شرقی به انجام رسید، نتایج این تحقیق نکات جالبی در اختیار اعضای شورا و دست‌اندرکاران قرار می‌دهد. با آقای دکتر بافنده یکی از مجریان طرح پژوهشی مذکور است به در خصوص طرح و نتایج حاصل از آن به گفتگو نشستیم:

با توجه به نتایج طرح تحقیقاتی که برای مرکز مطالعات شورا تدوین شده، آیا فکر می‌کنید شورای شهر در جایگاه قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری برای امور شهر نقش پررنگی ایفا می‌کند؟ و آیا تصمیمات اتخاذشده توسط شورا دارای اثربخشی قابل توجهی هستند؟

در برخی حوزه‌ها نقش شورا در سیاست‌گذاری برای امور شهری پررنگ و در برخی حوزه‌های دیگر بسیار کم و ناچیز است. به عنوان مثال نتایج تحقیق نشان می‌دهد کمیسیون تحقیق و نظارت شورای شهر، پر مشغله‌ترین کمیسیون اما در مقابل کمیسیون فرهنگی، کم‌کارترین کمیسیون شورا بوده است این کمیسیون همچنین دیرتر از سایر کمیسیون‌ها زاده

شده است. در خصوص کمیسیون گردشگری نیز اگرچه پیش‌بینی می‌شد که هرگز پا به عرصه وجود نگذارد، اما چهار سال بعدی صحت این پیش‌بینی‌ها را با وضوح بیشتری نشان داد.

شاید بتوان عملکرد شورای شهر را از سه منظر مورد مطالعه قرار داد. اول نحوه انتخاب اعضای شورا، دوم فرایند تصمیم‌گیری در کمیسیون‌ها و صحن شورا و سوم فرایند اجرای تصمیمات اتخاذ شده توسط شهرداری. در تحقیقی که برای شورای شهر انجام شد، هر سه منظر فوق مورد مطالعه قرار گرفت. نحوه انتخاب اعضای شوراها در واقع به مثابه ورودی سیستم تصمیم‌گیری شورا در نظر گرفته شد. آنچه از بررسی دقیق ورودی سیستم یا همان فرایند انتخاب برمی‌آید این است که هم قانون و هم شرایط برگزاری انتخابات به گونه‌ای است که عدم عقلانیت در برخی از تصمیمات شورا به راحتی نمود می‌یابد. چنانچه خویشتاوندمداری و تبارگرایی را از مصادیق عدم عقلانیت بیانگریم، هر دوی این موارد خود را در انتخابات شوراها به وضوح نشان می‌دهند.

شاید فعال کردن شورا بارها با شورا‌های محلی و اصلاح قوانین مربوط به انتخابات شورا بتواند عقلانیت در تصمیم‌گیری‌ها را تضمین کند. شهر می‌تواند به محلات و بلوک‌ها تقسیم‌گردد و کاندیداها نیز نه کاندایدای شهر بلکه کاندیدای محل و یا بلوک مورد نظر باشند. طوری که تنها در یک محله حق کاندیدا شدن را داشته باشند و آن هم تحت شرایطی از جمله سکونت در محله مورد برای یک بازه زمانی معین. همچنین رای دهندگان نیز تنها در محله زندگی خود حق رای دادن داشته باشند. همچنین اقدامات دیگری نیز وجود دارند که به کار مدیریت رفتارهای قومی و عشیره‌ای و در نهایت حرکت در مسیر عقلانیت می‌آید. از آن

جمله می‌توان به وجود مکانیزم‌هایی برای ارزیابی تصمیمات شورا و یا انتشار تصمیمات شورا از طریق رسانه‌ها و همچنین نقد و ارزیابی آنها اشاره کرد. موارد مذکور می‌تواند فرایند تصمیم‌گیری‌ها را عقلانی‌تر نماید. این موضوع در آئین‌نامه داخلی شورا و قوانین مربوطه نیز پیش‌بینی شده اما از جمله موارد معطل مانده در بحث شوراها می‌باشد.

مورد سوم و آخری که در طرح ما مورد توجه قرار گرفته، اجرای تصمیمات توسط شهرداری است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که تقریباً مکانیزمی برای ردیابی و کنترل اجرا یا عدم اجرای این تصمیمات وجود ندارد. بنابراین به نظر می‌رسد برای اثربخشی تصمیمات شورا در سه حوزه ورودی، فرایند و خروجی نیاز به بازبینی و اصلاحات جدی است.

۲- آیا اعضای شورای شهر به مشارکت شهروندان در امور شهری اعتقاد دارند؟

این سوال جزو اهداف تحقیق نبود. بنابراین مستندات در خصوص آن گردآوری نشده است.

اما به نظر می‌رسد شورای شهر فاقد مکانیزم‌های مناسب برای به مشارکت کشیدن شهروندان است. مرکز تحقیقات شورای شهر شاید می‌توانست این امکان را در اختیار شورا قرار دهد اما عمر کوتاه آن این امکان را از شورا گرفت. اما آنچه مسلم است وجود نظام پیشنهادات و گردآوری و تحلیل پیشنهادات از طرف شهروندان، ارتباط با سازمان‌های مردم‌نهاد و سپردن بخشی از کار به آنها می‌تواند موجب تقویت مشارکت شهروندان گردد.

۳- مهم‌ترین یافته‌های تحقیق صورت گرفته مشتمل بر کدام موارد می‌گردد؟

بررسی وضعیت صورتجلسه‌های شورای اسلامی کلانشهر تبریز و موضوعات مطرح شده در فاصله سال‌های ۸۶ تا ۸۹ نشان می‌دهد، از مجموع ۳۵۶۴ موضوع مطرح شده در طی چهار سال، موضوع کمک و مساعدت به اشخاص و سازمان‌ها با ۸۵۳ بار تکرار (۲۳/۹۳ درصد موضوعات) در اولویت کاری شورا قرار داشته است. به عبارت دیگر بیشترین درخواست از شورای اسلامی شهر، مربوط به کمک و مساعدت به اشخاص و سازمان‌ها بوده است.

کمیسیون‌های تحقیق و نظارت، فرهنگی، برنامه و بودجه، عمرانی

و خدمات شهری به ترتیب در چهار سال فعالیت به ازای هر ماه ۲/۷، ۱/۰۲، ۲/۳۱، ۱/۴۱ و ۱/۴۵ جلسه برگزار کرده‌اند که بر همین اساس کمیسیون تحقیق و نظارت پرکارترین و کمیسیون فرهنگی کم‌کارترین آنها می‌باشد.

اگرچه تصمیمات زیادی در چهار ساله اتخاذ شده اما وجود یک نظام جامع مستند سازی و بایگانی برای شورای اسلامی کلانشهر تبریز ضروری به نظر می‌رسد. این نظام می‌تواند مشتمل بر دستورالعمل‌ها و روش‌های اجرایی تدوین صورت جلسات، خلاصه تصمیمات و بایگانی آن‌ها باشد. همچنین مکانیزمی برای کنترل و نظارت بر اجرا و حسن اجرای مصوبات توسط شهرداری و یافتن مغایرت‌ها الزامی می‌نماید. این موضوع وقتی ضرورت پیدا می‌کند که مشاهده می‌گردد اطلاعات پر اهمیت در مورد اجرایی شدن مصوبات شورا به صورتی نامنظم و پراکنده وجود دارد و در بسیاری موارد امکان ردیابی دقیق موارد بااهمیت وجود ندارد.

تشکیل کمیسیون گردشگری اگرچه تصمیم قابل تقدیری بود اما متأسفانه این کمیسیون تا زمان اتمام پژوهش هیچ‌گاه تشکیل نشد.

همچنین برخی از بندهای مربوط به قوانین و مقررات و آئین‌نامه داخلی شورای اسلامی کلانشهر تبریز که در زمان انجام پژوهش همچنان معطل مانده بودند، عبارت بودند از: عدم انتشار سالانه صورت‌بودجه و هزینه‌های شورا برای عموم مردم، عدم انتشار صورت‌درآمد و هزینه شهرداری بصورت شش‌ماهه برای عموم مردم پس از تأیید شورا، عدم تشکیل جلسات شورا در تالار جلسات و اتاق‌های اختصاص یافته برای هر کمیسیون، عدم انتشار کلیه مذاکرات شورا از طریق سایت اینترنتی، عدم ارائه گزارش صورتجلسه ماهانه درآمد و هزینه تسلیمی شهرداری موضوع ماده ۷۹ قانون شهرداری به همراه نظریه آن توسط خزانه‌دار شورا حداکثر یک هفته پس از دریافت به جلسات شورا، عدم نصب دستور جلسات هفتگی در لوحه مخصوص، عدم رعایت سقف زمانی ۱۵ روزه توسط کمیسیون‌ها جهت بررسی طرح و لوایح، عدم ارائه گزارش ماهانه کمیسیون‌ها به رسانه‌های جمعی و دیگر اعضای شورا و عدم رعایت سقف زمانی ارائه گزارش کمیسیون‌ها در طرح و لوایح به تفکیک نوع آنها

گفت‌وگوی اختصاصی کارایی با دکتر درس خوان عضو شورای اسلامی شهر تبریز

شورای شهر، پارلمان و شهرداری، مجری پروژه‌های شهری است

دکتر رسول درس خوان دارای دکترای شهرسازی و عضو شورای اسلامی شهر تبریز است و سالها در حوزه برنامه ریزی شهری و شهرسازی فعالیت های جدی داشته اند به دلیل تخصص و تجربه ایشان در این حوزه به گفتگو با ایشان در رابطه با شورای شهر و نقش آن در شهر تبریز نشستیم.



کارایی: بنا بر اصل هفتم قانون اساسی، شوراهای اسلامی یکی از ارگان های تصمیم گیری امور اداره کشور هستند که از نظر قانون اساسی و حق حاکمیت، در تراز سایر ارگان های حکومتی قرار می گیرند. به نظر شما آیا این اصل در ساختار فعلی شوراهای شهر به صورت عملی انجام و دیده می شود؟

درس خوان: اولین نکته ای که باید به آن توجه کنیم نحوه قانون گذاری در قانون اساسی جمهوری اسلامی است. وقتی زمانی را که در مجلس خبرگان قانون اساسی می نوشتند و تصویب می کردند را ملاحظه می کنیم می بینیم که مرحوم آیت الله طالقانی که این روزها هم سالگرد درگذشتشان است مطرح کردند که شوراها باید ایجاد شود یعنی کسی که برای اولین بار در مجلس خبرگان این مساله را مطرح کرد، مرحوم آیت الله طالقانی بودند. همانطور که می دانید قانون اساسی جمهوری اسلامی یک قانون ترکیبی است که از سیستم های انتخابی و سیستم های نیمه انتخابی تشکیل شده است، شوراهایی که آیت الله طالقانی پیشنهاد فرمودند و در قانون اساسی تصویب شد ناظر بر حاکمیت نهاد های انتخابی بود. بعد از اینکه این قانون در قانون اساسی تصویب شد اجرای آن به دلایل مختلف در سال های متمادی تعطیل گشت تا اینکه در دوره ریاست جمهوری آقای سید محمد خاتمی این قانون به اجرا درآمد اما در قانون اساسی مشکلات و ایراداتی داریم، یکی از مشکلات عمده ما در شوراهای و مجلس شوراهای اسلامی این است که کلیه مسائل سازمانی بدون وجود حزب همیشه ناقص است. چون در ایران احزاب قوی

کارایی: شما فکر می کنید که تا چه میزان موضوع مردم سالاری و مشارکت مردمی در شوراهای و ساختار و کارکرد فعلی آن ها دیده می شود؟

درس خوان: این موضوع به دیدگاه هایی که در تفسیر قانون اساسی موجود است، بستگی دارد. اخیراً ریاست جمهوری جناب آقای دکتر روحانی مطلبی را فرمودند که در انتخابات باید همانند مجلس شورای اول که نظارت استصوابی در آن وجود نداشت عمل بشود ولی بعضی دیدگاه ها هم با این رویکرد مخالف است و فکر می کنند بخشی از انتخاب باید ابتدا توسط نهاد دیگری صورت بگیرد و بقیه بخشی از انتخاب را مردم انجام دهند ولی تصویر برداشتی که آقای رئیس جمهور از انتخابات داشتند این بود که اکثریت و بخش عمده



انتخابات باید توسط مردم انجام بگیرد. در زمینه اجرای قانون هم از آن جایی که برداشت ها متفاوت است نتیجه هم متفاوت خواهد بود.

کارایی: یکی از مشکلات عمده شوراهای، عدم اقبال شوراهای نزد نخبگان است و اینکه متخصصین مدیریت شهری در شوراهای جای پیدا نمی کنند. شما به عنوان یک عضو متخصص که در شورای شهر حضور دارید نظرتان در این مورد چیست؟

درس خوان: ببینید یکی از نقیصه های این مساله در قانون است، قانون هیچ محدودیتی برای عضویت در شوراهای شهر در نظر نگرفته به طور مثال در قانون اساسی اذعان شده است که شورای نگهبان باید دوازده نفر عضو داشته باشد این شورای دوازده نفره باید از شش نفر حقوق دان و شش نفر فقیه تشکیل شده باشد ولی در مورد شورای شهر چنین رویکردی وجود ندارد و هیچ محدودیت تخصصی در انتخاب اعضای شورا ذکر نشده است. نوع تصمیماتی که شوراهای می گیرند باید متناسب با تخصص و تجربه این افراد باشد. از ابعاد دیگری هم می توان به این مساله نگاه کرد که مردم و متخصصان یک کشور حق دارند که هم انتخاب بکنند و هم انتخاب بشوند. قانون گذار ما شکل دوم قضیه را گرفته است که به همه مردم حق انتخاب شدن و انتخاب کردن داده است، منتها شما می بینید که در استانبول مردم، یک دکترای معماری رو به عنوان رئیس شورای شهر و شهردار استانبول انتخاب می کنند البته در ترکیه و در این انتخاب، حزب نقش عمده ای دارد اگر آقای توپ باش سال های سال است به عنوان دکترای معماری در شهر و شهرداری استانبول قرار گرفته نقش حزب عدالت و توسعه ترکیه به طور مشخص دیده می شود که توانسته این کار را انجام دهد و یا شهردار از میر که توسط حزب جمهوری خواه خلق ترکیه معرفی شده است. اینجا نقش احزاب کاملاً مشخص است. ولی ما در شوراهای مشکل تخصص داریم البته در بعضی از شوراهای در ایران متخصصینی هستند ولی متأسفانه این

متخصصین نمی توانند نقش کافی در اداره شهر ایفا کنند. بنده خودم در شورای سوم و شورای چهارم تأکید کردم که شهر باید برنامه داشته باشد برنامه پنج ساله تهیه شد ولی فقط شعار برنامه داده شده و عملاً هیچ نقشی در روند حیات شورا نداشته است.

کارایی: آقای دکتر در راستای نقطه نظرات شما می خواستم بدانم که تبلور فعالیت های شورای شهر کجا دیده خواهد شد؟ طرح ها، افتتاحیه ها و مکان های جدید اکثراً به نام شهردار و شهرداری تمام می شوند. سوال من این است که مردمی که خودشان به صورت مستقیم اعضای شورای شهر را انتخاب می کنند و به طبع آن انتظارات زیادی هم از شورای شهر دارند تبلور فعالیت های شورای شهر رو در کجا قرار است ببینند؟

درس خوان: به علت ناقص بودن قانون شوراهای شهر تقریباً شوراهای در بعضی مواقع به عناصر بدون اختیارات تبدیل می شوند منتها نوع اقدام شوراهای و شهرداری ها در فرهنگ جامعه ما و در رسانه های ملی اعم از صدا سیما و یا مطبوعات معمولاً خوب تبیین نمی شود و برداشت درستی از شورای شهر بین مردم وجود ندارد بعضی مواقع که در مساجد شهر حضور پیدا می کنم و با مردم صحبت می کنم متوجه می شوم که اغلب مردم حتی تعداد اعضای شورای شهر را نمی دانند و به طبع آن از وظایف اعضای شوراهای شهر هم آگاه نیستند. ببینید نحوه تبلیغاتی که در شهر میشود عمدتاً شخص محور و فرد محور است و به صورت کلی متأسفانه در جمهوری اسلامی ما با مشکل و مرض بسیار بزرگ فرد پرستی مواجه شده ایم در این میان بعضی از اعضای شوراهای شهر به ترفند های تبلیغاتی نادرست دست می زنند به طور مثال وقتی شورای شهر تصویب کرده که فلان خیابان مسیر گشایی شود و یا فلان پروژه احداث شود. یک نفر دو نفر از اعضای شورای شهر پیدا می شوند و در بین مردم کار را مبتنی بر یک یا دو عضو قلمداد می کنند. در حالی که اصلاً مساله اینگونه

نیست نقش شورای شهر نقش پارلمان یعنی نقش مجلس است و نقش شهرداری نقش اجرا است متأسفانه جایگاه پارلمانی شورا تضعیف شده است و مردم نمی دانند که اصلاً شهردار بدون تصویب و بودجه ریزی و تصویب بودجه شهر توسط شورای شهر نمی تواند کاری انجام دهد. این یکی از نقیصه های اصلی ماست. نقیصه دیگر برمی گردد به بحث اول ما چون شوراها اختیارات کافی ندارند تنها نقششان در پروژه های شهرداری دیده می شود در حالی که در اکثر کشور های دنیا نقش شورای شهر در همه پروژه های شهری اعم از آب و فاضلاب، بهداشت و درمان، آموزش پرورش و شهرداری دیده می شود ولی در کشور ما نقش شورای شهر فقط در پروژه های شهرداری نمایان می گردد.

کارایی: فکر نمی کنید این مساله به خود کاندیداها و وعده و وعید هایی مربوط باشد که در زمان انتخابات به مردم می دهند و تصویری از خود نشان می دهند که مردم آن ها را مسئول بسیاری از امور تلقی می کنند ؟

درس خوان: بله کاندیداها هم در این روند نقش دارند ولی شما ایران رو با کشور ترکیه که از نظر سطح توسعه هم خیلی شکاف عمیقی بینشان وجود ندارد مقایسه کنید. در ترکیه احزاب برنامه ارائه می دهند مثلاً حزب عدالت و توسعه در همین دوره انتخابات اعلام کرده است عرض چهار سال آینده بزرگترین فرودگاه جهان در استانبول را قرار است بسازیم حتی ماکت و طرح و پلاننش را هم ارائه داده اند و اگر دوره بعد حزب عدالت و توسعه نتواند این طرح را اجرا کند رای این حزب قطعاً کم خواهد شد در حالی که اینجا بدین شکل نیست، برنامه وجود ندارد، تفکر وجود ندارد، پلان وجود ندارد. در کشور های دیگر هم، شعار می دهند منتها شعار هایی منتهی به برنامه و قابل اندازه گیری، و مسائل و اهدافی مطرح می کنند که مردم بعد از دو الی شش سال می توانند قضاوت بکنند که به این اهداف رسیده اند یا نرسیدند. ولی بعضی از دوستان در شوراهای ایران ممکن است شعار های خیلی مبهمی بدهند که قابل اندازه گیری و پیگیری نباشند.

کارایی: از آنجایی که یکی از وظایف شوراهای در حیطه امور نظارتی می باشد عملکرد شورای شهر تبریز را در این خصوص چگونه می بینید ؟

درس خوان: شما شوراهای شهر کل ایران را در نظر بگیرید ببینید برای نظارت ابزار لازم است مثلاً می گویند مجلس شورای اسلامی برای اینکه به هزینه گرد بودجه نظارت داشته باشد یک تشکیلات عریض و دیوان محاسباتی دارد که این تشکیلات بودجه خاص خودش را داراست و از طریق آن دیوان می تواند بر عملکرد بودجه دولت نظارت کند. اما در شوراهای شهر، ما یک بودجه سالانه داریم برای شهرداری و در بودجه شهرداری یک درصد بسیار ناچیزی برای اداره شورا در نظر گرفته شده است پولی که برای اداره شورا در نظر گرفته شده فقط می تواند کفاف هزینه های جزئی شورا و هزینه حق الجلسات اعضا را بکند یعنی در ساختار بودجه ریزی کشور پولی برای نظارت اعضای شورای شهر بر شهرداری ها دیده نشده چه برسد به نظارت بر سایر ارگان های خدمات رسان شهری. این درست نیست چون بودجه باید دیده شود و برای کار کردن باید ابزارش باشد که نیست. فرض کنید

فردی از اعضای کمیسیون عمران شورا دائماً یک نظارت بر پروژه های عمرانی داشته باشد لازمه این کار این است که ده نفر مهندس نخیه در اختیار شورا باشند و بروند و نظارت ها را انجام بدهند حتی پروژه ها را آزمایش بدهند و سایر کارها را انجام دهند. ببینید این بودجه برای نظارت در قانون شوراها و بودجه ریزی کشوری دیده نشده که بتواند نظارت کند. در اینجا نظارت می آید و جنبه شخصی پیدا می کند. یعنی از بعد نظارتی شوراهای شهر در ایران مشکل اساسی دارند شورای شهر تبریز هم یکی از آنهاست.

کارایی: عمده ترین درخواست و نیاز مردم از شورایی که شما در آن هستیید چیست یعنی مردم از نهاد شورای شهر چه چیزی را بیشتر می خواهند؟

درس خوان: متأسفانه با توجه به مشکلات اساسی که اقتصاد ایران در سال های متمادی داشته است، نود درصد مراجعات از طرف مردم به شورای شهر، مبتنی بر اشتغال است. این نشان میدهد که در ایران بحران جدی و عمیق اشتغال وجود دارد. با توجه به این که

شورای شهر نسبت به دیگر ارگان ها در دسترس ترین نهاد است مردم به راحتی به شوراها مراجعه می کنند. مشکل اشتغال و بیکاری مهم ترین مساله ای است که گلوی اعضای شورا را می فشارد و باعث می شود به سازمان شهرداری فشار بیاید و از طرفی سازمان شهرداری تنها به درصد ناچیزی از این تقاضاها می تواند پاسخ دهد. این روند کارایی سازمان را با مشکل مواجه می کند. امروز بزرگترین و مهم ترین مشکل مردم مساله اشتغال است مشکل دیگری که ناشی از کمبود درآمد ها است، مراجعات اقتصادی مردم است بیشترین مصوبات شورای شهر به بخشش، حبه و اهدا اختصاص یافته به

طوری که در بررسی لایحه ها و طرح های تصویب شده شورای شهر متوجه شدم حدود هشتاد درصد از لویح ما مربوط به اهدا می باشد در نتیجه بیشترین مراجعات شورا ناشی از مشکلات اقتصاد ملی است نه مراجعاتی که در حیطه وظایف و اختیارات شورای شهر باشد.

کارایی: و سوال آخر، با توجه به اینکه رشته تحصیلی و تخصص شما بر مبنای مدیریت شهری است چه راه حل و یا راهکاری برای آینده شوراهای پیشنهاد می کنید؟

درس خوان: اولین و مهم ترین کاری که باید انجام شود، بازنگری قوانین شوراهاست. در این بازنگری مجلس باید از افرادی دعوت کند که هم تجربه شورایی داشته باشند و هم تخصص در این زمینه. این افراد باید در سطح ملی انتخاب شوند و در کمیسیون های مرتبط مجلس جای بگیرند و در راستای اصلاح قانون کار کنند. از طرف دیگر وزارت کشور باید بازنگری دقیقی روی بودجه ریزی شوراها انجام دهد تا دست شوراها به این صورت بسته نباشد که نتوانند از کارشناسان و یا دیگر امکانات برای نظارت استفاده کنند. مورد دیگر دادن قدرت به شوراهاست، شوراها در صورتی قدرتمند خواهند شد که نظام ملی منطقه ای اصلاح بشود و اختیارات بیشتری به شهرهای کشور داده شود به طوری که تصمیم گیری متمرکز در تهران وجود نداشته باشد و حتی بخشی از قانون گذاری مجلس، به خود مدرسه های محلی یعنی شوراهای داده شود. در حالت کلی این را می توانم ذکر کنم که اصلاح قوانین، شکل گیری احزاب می توانند در راستای تقویت شوراهای و کمک در جهت ایفای واقعی نقش شان عمل کند.

شورای شهر و شهروندان یک نظر سنجی مجازی



در راستای پرونده «شهر» این شماره کارایی، پرسشنامه ای مشتمل بر ۸ سوال در یکی از شبکه های اجتماعی قرار گرفت. بدین ترتیب ۱۰۴ نفر از کاربران شبکه اجتماعی مذکور در این نظر سنجی شرکت نمودند. در ادامه نتایج حاصل از این نظرسنجی همچنین نمونه سوالات مربوطه خواهد آمد اما لازم است در این خصوص توضیحاتی ارائه گردد. نتایج حاصل از این نظرسنجی قابل بسط به جامعه آماری (کلیه شهروندان شهر تبریز) نیست و صرفاً برای پاسخ دهندگان معنی دار است. در آینده می توان نظرسنجی های مشابهی را با دامنه گسترده تر و به گونه ای که به لحاظ آماری قابل تعمیم به کل جامعه باشد، انجام داد. علی ایحال، نتایج نظرسنجی حاضر نشان می دهد که:

۱. ۵۵ درصد پاسخگویان مرد و ۴۵ درصد زن بوده اند، ۴۰ درصد از پاسخگویان دارای مدرک تحصیلی فوق لیسانس و بالاتر، ۳۵ درصد دارای مدرک لیسانس، ۱۷ درصد دیپلمه و ۱۰ درصد از پاسخگویان نیز زیر دیپلم بوده اند.

۲. یافته ها در خصوص آشنایی با وظایف شورای شهر اسلامی که مشتمل بر گزینه های اصلاً، تا حدودی و کاملاً بود، نشان می دهد که ۵۵ درصد از پاسخگویان حدودی با وظایف این شورا آشنا بوده اند، ۲۳ درصد هیچ گ. نه آشنایی با وظایف شوراها نداشته اند و گزینه «اصلاً» را مورد انتخاب قرار داده اند و ۲۲ درصد از پاسخگویان نیز گزینه «کاملاً» را انتخاب کرده اند که به معنای آشنایی تمام و کمال آنها با وظایف شوراهای شهر می باشد.

۳. یافته ها در خصوص سوال مرتبط با میزان آشنایی پاسخگویان با تعداد اعضای شورای شهر نشان می دهد که ۴۴ درصد از پاسخگویان تا حدودی یا اعضا آشنایی داشته اند، ۳۳ درصد گزینه «اصلاً» را انتخاب کرده اند که به معنای ناآشنایی کامل آنان با اعضای شورای شهر می باشد و ۲۳ درصد از پاسخگویان نیز مطابق نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل پاسخ های پرسشنامه، با تمامی اعضای شورای شهر تبریز آشنایی دارند.

۴. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل پاسخ های دریافتی از سوال دیگر

این پرسشنامه که عبارتست از میزان آشنایی پاسخگویان با سطح اختیارات شورای شهر نشان می دهد که ۴۴ درصد از پاسخگویان «تا حدودی» با اختیارات این نهاد آشنا هستند، ۳۴ درصد، هیچ آشنایی با اختیارات این شورا ندارند و ۲۲ درصد از پاسخگویان نیز «کاملاً» با وظایف این شورا آشنایی دارند.

۵. یافته ها نشان می دهد که از ۱۰۴ نفر شرکت کننده در نظر سنجی، ۵۳ درصد در انتخابات پیشین شورای شهر شرکت نموده اند و در مقابل ۴۷ درصد در انتخابات مذکور هیچ مشارکتی نداشته اند. ۶. پاسخ های داده شده به سوال ششم نظرسنجی حاضر تحت عنوان «آیا شورای شهر فعلی را موفق ارزیابی می نمایید؟» نشان می دهد که ۳۴ درصد از پاسخگویان این شورا تا حدود موفق، ۵۵ درصد کاملاً ناموفق و ۱۱ درصد کاملاً موفق ارزیابی می کنند.

۷. اما پاسخ ها در خصوص سوال هفتم نظرسنجی تحت عنوان «به نظر شما شورای شهر تبریز بایستی در چه حوزه ای از مدیریت شهری دخالت موثر تری داشته باشد؟» نشان می دهد که ۲۹/۱ درصد از پاسخگویان معتقدند که شوراهای اسلامی شهر بایستی در خصوص مسائل «فرهنگی - اجتماعی» دخالت موثرتری داشته باشد در حالیکه به زعم ۱۹/۴ درصد از پاسخگویان این شورا بایستی بیشتر در زمینه «خدمات بهداشت سلامت و محیط زیست شهری» فعالیت نماید. به عقیده ۱۶/۵ درصد از شهروندانی که در این نظرسنجی شرکت نموده اند، موثرترین حوزه ورود شورای شهر، حوزه «فنی، عمرانی و طرح ریزی شهری» است اما ۱۴/۶ درصد از پاسخگویان عنوان نموده اند که «ساماندهی حاشیه شهر و مناطق کم برخوردار» بایستی در اولویت کار شوراهای اسلامی شهر قرار گیرد همچنین ۱۳/۶ درصد معتقد بوده اند که شوراهای شهر بایستی در حوزه «حمل و نقل و ترافیک شهری» فعالیت بیشتری داشته باشند. جالب ترین بخش یافته ها مربوط به انتظار پاسخگویان از شورای اسلامی در خصوص قطار شهری است. برخلاف پیش بینی ها و با توجه به جذابیت موضوع به راه افتادن سیستم حمل و نقل قطار شهری، انتظار می رفت که پاسخگویان، انتظار دخالت موثرتر شورای شهر را در این خصوص داشته باشند اما آنچه نتایج نظرسنجی نشان می دهد تنها ۴/۹ درصد از مشارکت کنندگان در این نظرسنجی، انتظار ورود موثر شورای شهر را به حوزه «قطار شهری» دارند.

مردمی سازی اقتصاد در گرو رابطه دولت و بخش خصوصی



مستمرفضای سیاسی با تغییرات پیاپی قوانین، مقررات و بخشنامه ها همراه بوده است تا در غیبت صدای نهادها و سازمان های کارآمد غیر دولتی و مردم نهاد، به ساختارهای ناکارآمد و منحرف کننده منطق بازار، عدم توجه به بروز رسانی قوانین و مقررات جاریه و شفافیت ناکافی بیانجامند و انحصار و فقدان محیط کارآمد رقابتی حال حاضر را در بسیاری از حوزه های اقتصادی و کسب و کار توضیح دهند.

با این تجربیات امروزه درایران نیز کمتر کارشناسی را می توان یافت که تسلط حاکمیت در فعالیت های اقتصادی و وابستگی بیش از حد به درآمدهای حاصل از صادرات نفت و گاز را به عنوان یکی از موانع اصلی وجدی توسعه میهن اسلامی مان ایران برنشمارد. و بازهم کمتر کسی را می توان یافت که حداقل بر روی کاغذ و به لحاظ نظری، خصوصی سازی موثر و واقعی اقتصاد کشور را علاج اصلی گذر از این چالش تجویز ننماید. ازاین منظر دلیل کارآمدی بالاتر بخش خصوصی در قیاس با بخش دولتی کاملاً روشن است. فضای رقابتی موجود در بازارها، فشاری دائمی بر شرکت های خصوصی پدید می آورد که همین امر موجب نوآوری ها و خلاقیت های قابل توجه می گردد. آن ها ناچارند با تلاش فزاینده، خود را در فضای رقابتی بازار با هر گونه تغییرات مثبت و منفی سازگار سازند و با استفاده هر چه بهینه تر از منابع در دسترس، به سود پیش بینی شده دست یابند. عدم موفقیت در این فرایند آن ها را ناگزیر به خروج از بازار خواهد کرد. بنابراین انتظار می رود که خصوصی سازی با افزایش کارایی و بهره وری، ایجاد فضای رقابتی و ترویج فرهنگ کار و کارآفرینی، با تنوع بخشی به اقتصاد، توسعه درآمد های صادراتی کشور را نیز به میزان قابل توجهی محقق سازد. نخستین جرعه های این تفکر به دوره نخست ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی باز می گردد. با پایان رسیدن جنگ تحمیلی، ضرورت های مربوط به بازسازی، دولت را وادار به توسعه یک ساختار اقتصادی متنوع تر و کارآمد تر می نمود. برنامه پنج ساله اول توسعه در آن سال ها شکل گرفت (۱۳۶۸-

بازبگرا بسیاری ذیل گروهی به نام بخش خصوصی جای می گیرند، از کشاورزانی که در زمین کوچک خود به زراعت می پردازند تا تجار خرده فروش و شرکت های بزرگ صنعتی و خدماتی. تجربیات و دانش موجود بشری - به ویژه عدم توفیق عملی سیاست های دولت محور در بلوک شرق - شکی باقی نگذاشته که شرکت های موفق بخش خصوصی به عنوان موتور محرک رشد و توسعه اقتصاد، منبع اصلی ایجاد اشتغال، درآمد و ثروت پایدار و متعاقباً عامل تعیین کننده در فقر زدایی و بهبود سطح رفاه جامعه به شمار می روند. بنگاه های اقتصادی موفق بخش خصوصی، معمولاً با انجام سرمایه گذاری، ارتقاء بهره وری، خلاقیت و نوآوری، استخدام نیروی کار، تولید کالاها و خدمات و در نهایت توزیع سود و پرداخت مالیات در فرایند توسعه پایدار اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی کشورها به ایفاء نقش می پردازند. بدیهی است کیفیت و کمیت ایفاء چنین نقشی در کشورهای مختلف به میزان موفقیت بخش خصوصی در آن ها بستگی خواهد داشت. ناگفته پیداست که این نقش در بسیاری از کشورهای در حال توسعه مصداق عملی چندانی ندارد، زیرا که دولت ها همچنان بازیگر اصلی اقتصاد به شمار می روند و فضای مساعدی برای تولید و رشد شرکت های بخش خصوصی مهیا نگردیده است. در این دسته از کشورها دولت به نهاد اصلی ایجاد اشتغال بدل گردیده اند. اما به دلیل محدودیت منابعی که به صورت طبیعی با آن مواجه اند، فقط می توانند تعداد محدودی شغل ایجاد نمایند و بدین سبب بسیاری از جمله تازه واردان به بازار کار از یافتن شغل مناسب و مورد انتظار خود ناکام می مانند. افزایش بیکاری در این کشورها به عنوان منشاء اصلی فقر و عدم استقلال مالی، نقطه آغاز بسیاری از مشکلات و ناپایداری های اجتماعی و سیاسی محسوب می گردد.

در دهه های گذشته ایران نیز به سیاق بسیاری دیگر از کشورهای در حال توسعه، بخش خصوصی نقش چندانی در اقتصاد و پیشرفت کشور نداشته است. حاکمیت تقریباً مطلق دولت و دگرگونی های

ورود بخش خصوصی به عرصه دولت از رویا تا واقعیت

رشد و توسعه اقتصادی کشورها در گرو اجرای پروژه های مختلف زیرساختی، زیربنایی، خدماتی، شهری، تامین اجتماعی و بهداشتی بوده و افزایش کارایی و کیفیت ارائه خدمات از جمله هدف های اصلی آن ها به شمار می رود. محدودیت منابع بودجه ای دولت ها برای تامین مالی پروژه های بزرگ و همچنین تقاضای موجود در زمینه سرمایه گذاری در این پروژه ها، کشورها را بر آن داشته تا تمامی تلاش خود را در بهره گیری از مشارکت فعال بخش خصوصی و ایجاد فضای رقابتی مناسب برای فعالیت آن ها به کار بندند که این تلاش ها هم در قالب مشارکت های بخش خصوصی و هم در قالب مشارکت های بخش عمومی متبلور شده است. اما با توجه به محدودیت منابع عمومی، لزوم ورود بخش خصوصی به عرصه توسعه منطقه ای و بخش های مختلف کشور بیش از پیش نمایان شده است. این الزام همچنین در رویکرد اقتصادی ایران و ابلاغ سیاست های اصل ۴۴ قانون اساسی نیز خود را نشان می دهد.

به بهانه ورود یکی از باسابقه ترین فعالین عرصه خصوصی به بدنه تصمیم گیری های دولتی و در سمت معاونت امور اقتصادی استانداری آذربایجان شرقی، پرونده ای تهیه گردیده که در پی می آید:

پرونده: محمد حسن خیرآور

۱۳۷۳) و تعدادی از سیاست های خصوصی سازی و آزادسازی به ویژه واگذاری بخش هایی از صنایع و خدمات دربرنامه دولت قرارگرفت. اما شاید بتوان سال ۱۳۷۹ و آغاز اجرای برنامه سوم ۵ ساله توسعه کشور را نقطه عطفی را در تغییر نگاه نظری دولت ها به نحوه اداره اقتصاد و راهکارهای توسعه کشور دانست. تغییر نگاهی که نویدبخش اصلاحات اساسی در ساختار دولتی اقتصاد و افزایش نقش جدی بخش خصوصی بود. این برنامه تاکیدات خاصی بر فعالیت اقتصادی بخش خصوصی می نمود و مقررات زدایی، کاهش حجم و اندازه دولت و آزاد سازی اقتصادی را نیز در زمره اهداف اصلی خود قرار داده بود که با ابلاغ سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی از سوی مقام معظم رهبری در سال هزار و سیصد و هشتاد و چهار و تاکید ایشان بر شکل گیری فرآیند خصوصی سازی مبتنی بر ضرورت شتاب گرفتن رشد و توسعه اقتصادی کشور مبتنی بر اجرای عدالت اجتماعی و فقرزدایی در چارچوب چشم انداز بیست ساله کشور، با تغییر نقش دولت از مالکیت و مدیریت مستقیم بنگاه به سیاست گذاری و هدایت و نظارت؛ نقش بخش خصوصی و اهمیت توانمندسازی آن شکلی جدی به خود گرفت.

با این وجود نتایج مطالعات به وضوح نشان می دهد که این تغییر دیدگاه که با اجرای نسبی سیاست های مدون نیز همراه بوده است تاکنون موفقیت عملی چندانی به ارمغان نیاورده و امروز نه سهم بخش خصوصی و بخش تعاونی در اقتصاد کشور بالا رفته و نه حجم و اندازه دولت کوچک تر از قبل شده است. براساس برخی آمارها و با احتساب موسسات عمومی و شبه دولتی فعال و تاثیر گذار در کشور، حدود هشتاد درصد اقتصاد کشور همچنان در اختیار بخش حاکمیتی و فقط هفده درصد حاصل فعالیت بخش خصوصی و سه درصد نیز نتیجه عملکرد بخش تعاونی است. البته اجماع نظری و کلامی موجود مستقل از مباحث اجرایی و وضعیت حال حاضر، قدم در خور توجهی به شمار می رود که بدون شک می تواند از طریق واکاوی دلایل شکست سیاست های سابق و ارائه راهکارهای منطقی، زمینه توفیق آتی را فراهم نماید. چرا باید کشورهای جنوب شرق آسیا با پیروی از الگوی خصوصی سازی و اجرای سیاست های حمایت از بخش خصوصی به رشدی شگرف دست یابند ولی سیاست های مشابه (هرچند محافظه کارانه تر) در ایران نتیجه قابل توجهی در پی نداشته باشد. آیا زمان و منابع کافی به این سیاست ها اختصاص داده نشده است؟ شدت اعمال آن ها نا کافی بوده است؟ و یا اینکه فرایند اجرا به درستی مدیریت نگردیده است؟

به نظر می رسد یکی از مسائل مهمی که در طول سال های گذشته به اندازه کافی مورد توجه دولتمردان نگرفته است، کیفیت ارتباط و میزان تعاملات بخش خصوصی و دولتی و به صورت خاص تر میزان اعتماد حاکم بر روابط آن هاست. توجه به نقش مثبت و کارآمدی ذاتی بخش خصوصی و نیز کارایی پایین دولت در حوزه های مختلف به مفهوم نقش غیرقابل انکار و مثبتی نیست که دولت می تواند در اداره و توسعه کشورها ایفاء نماید. دولت ها با حکمرانی خوب علاوه بر تامین کالاهای و خدمات عمومی همچون امنیت، تامین اجتماعی، حمایت از اقسار آسیب پذیر، با وضع و اجرای قوانین منطقی و طراحی سیستم های کارآمد به شفاف سازی و بهبود فضای کسب و کار می پردازند و درکنار تسهیل فعالیت های بخش خصوصی از ایجاد هرگونه انحصار و یا تضییع حقوق جامعه با انگیزه های غیراخلاقی دستیابی به سود بالاتر مقابله می کنند. لیکن این حکمرانی خوب در تعامل پیوسته با سطوح مختلف مردم که بخش خصوصی نیز برآمده از آن است مفهوم پیدا می کند. بدون شک هیچ کس بهتر از بخش خصوصی واقعی و فعال کشور نمی تواند مشکلات و موانع توسعه و نقش آفرینی خود را که با تمام وجود در عمل تجربه نموده است به دولت انتقال داده و آن را در طراحی و اجرای سیاست های مناسب خصوصی سازی و توسعه

کشور یاری رساند، اینگونه تعاملات می تواند با افزایش اعتماد میان دوی بخش به ایجاد روابطی دوستانه بیانجامد. با این حال به نظر می رسد این مهم چندان مورد توجه قرار نگرفته است. سیاست های مصوب سال های اخیر صرفنظر از نارسایی هایشان در اجرا، یا با اتکاء بر منابع نظری تدوین گردیده اند و با نتیجه جلسات و همفکری مدیران دولتی است که الزاماً تجربه عملی و درک دقیقی از نحوه اداره بخش خصوصی کشور و مشکلات و موانع اصلی توسعه آن نداشته اند. مستقل از تعارفات رایج، اعتماد ناکافی بین دولتمردان و فعالان بخش خصوصی واقعی نیز بر پیچیدگی های امر افزوده و مانع از گسترش تعاملات کارایی این دوی بخش گردیده است (نحوه نگاه و رفتار متمیزین مالیاتی و مدیران بخش خصوصی در مواجهه با مسائل مالیاتی و یا ترس از واگذاری باشگاه های پرطرفدار فوتبال به بخش خصوصی در ماه های اخیر تنها مواردی از بروزهای دیوارهای بسیار کوتاه و شکننده اعتماد است).

شواهد نظری و تجربی بسیاری وجود دارد که کشورهای درحال توسعه ای که فضایی دوستانه و توأم با اعتماد بالاتر بر روابط بین دولت و بخش خصوصی اش حاکم بوده، عملکرد بهتری در اجرای این سیاست ها داشته اند. خلاصه اینکه اعمال سیاست های اصلاحی و درست توسط دولت کافی نیست بلکه باید مشارکت برجسته ای بین دولت و گروه های متاثر از این سیاست ها برقرار گردد. درغیاب ارتباط موثر، کارآمد و صمیمی بین این دوی بخش نمی توان انتظار زیادی از موفقیت سیاست های مردمی سازی اقتصاد داشت. البته این ارتباطات و حمایت های دولتی نباید به مفهوم پارتی بازی و رانت سازی برای تعداد مشخصی از شرکت ها و فعالان اقتصادی معنی شود و دولت باید سیستم های شایسته سالاری را طراحی نماید تا رابطه دوستانه را دور از هرگونه زمینه سازی برای فساد مدیریت نماید. این امر در مراحل اولیه خصوصی سازی که بخش خصوصی به صورت نسبی توسعه نیافته است و یا کسب و کارها و کارآفرینان تجربه، اطلاعات و دانش کافی و یا فرصت های سرمایه گذاری کافی در اختیار ندارند، اهمیت بیشتری می یابد. دولتی که به صورت عمومی یاری رسان، حامی و دوست بخش خصوصی به شمار رود، به بخش خصوصی تنها عنوان تامین کننده منافع اقتصادی دولت نمی نگرد، هزینه های عمومی خود را متناسب با زیرساخت های مورد نیاز آن ها تعریف می نماید، با طراحی و مدیریت سیستم شفاف و کارآمد جمع آوری مالیات، از تحمیل فشار بالایی مالی به شرکت ها می پرهیزد، با تسهیل فرایندهای اداری، شفاف سازی و تامین اطلاعات و آمار صحیح و دقیق ریسک های مرتبط و هزینه های بوروکراسی را برای بخش خصوصی کاهش می دهد و در نهایت با ایجاد سیستم قضایی کارآمد، بی طرف، سریع و عاری از فساد امنیت اقتصادی لازم را تامین می نماید.

دولت تدبیر و امید از زمان روی کار آمدن تاکید ویژه ای بر برگزایی منظم جلسات شورای گفت و گوی دولت و بخش خصوصی داشته و مدیرانی را نیز از بخش خصوصی به همکاران خود افزوده است. شاید نتوان محمد نهاوندیان را که سابقه سه ساله ریاست اتاق بازرگانی ایران را در کارنامه خود قرار دارد در جگره مدیران بخش خصوصی دولت فعلی قرار داد ولی نگاهی به سوابق برخی مدیران از جمله علیرضا رزم حسینی، استاندار کرمان و یا احمد محمد زاده سرپرست معاونت هماهنگی امور اقتصادی و بین الملل استانداری آذربایجان شرقی موبد این موضوع است. هرچند این اقدامات با وضعیت مطلوب تعامل دوستانه و حمایتی دولت و بخش خصوصی فاصله زیادی دارد، لیکن از نگاه بسیاری در صورت تداوم و توسعه ماهوی می تواند کشور را با سرعتی مناسب در این مسیر قرار دهد. در همین راستا ماهنامه اقتصادی کارایی سعی دارد تا در گفتگو با فعالان مجرب اقتصادی به طرح و بررسی فرضیه ها، نظریات و اقدامات مرتبط با موضوع بپردازد.

گفت و گوی اختصاصی کارایی با سرپرست معاونت هماهنگی امور اقتصادی و بین الملل استانداری آذربایجان شرقی

بخش خصوصی و بخش دولتی باید به همدیگر اعتماد متقابل داشته باشند

مهندس احمد محمدزاده از فعالان بخش خصوصی است که به عنوان سرپرست حوزه امور اقتصادی و بین الملل استانداری منصوب گردیده اند ایشان این اتفاق را اتفاق خرسندی می دانند و آن را تبلور اعتماد بخش خصوصی و بخش دولتی به یکدیگر قلمداد می کنند به بهانه این انتصاب گفت و گویی را در رابطه با ساختار ها و تفاوت های این دو بخش انجام داده ایم.



است که بتواند اعتماد دولت و دولتمردان را جلب نماید.

کارایی: آیا نمی توان این امر را بدین ترتیب تفسیر نمود که دولت در حال حاضر به سطحی از بلوغ رسیده است که خود را ملزم و نیازمند به حضور بخش خصوصی ببیند؟

محمدزاده: نه به نظر من نمی توان برای هیچ دولتی باید تعیین کرد و اجباری برای آن قایل شد چون دولت فاقد رجال نیست که نیازمند به استفاده از مدیران بخش خصوصی باشد.

کارایی: منظور من نه کمبود رجال بلکه رویه ها و فرایندهای ناکارآمدی است که نمود آن پایین بودن بهره وری در این بخش است، موضوعات و مسائلی که دولت را به استفاده از تجربیات بخش خصوصی اقناع نماید.

محمدزاده: نه من با شما موافق نیستم. اینطور فکر نمی کنم که جمع بندی کلی دولت چنین چیزی باشد چون در مملکت ما حجم مبادله میان بخش دولتی و خصوصی اصلاً قابل توجه نیست. ببینید چند مدیر از بخش خصوصی وارد به بخش دولتی شده است. البته قطعاً این موضوع یک موضوع دوطرفه است یعنی فردی که از بخش خصوصی وارد بخش دولتی می شود، حتماً باید به دولت اعتماد داشته باشد و متقابلاً دولت نیز به نماینده بخش خصوصی اعتماد نماید.

کارایی: فکر نمی کنید بخش دولتی در ایران آنقدر بزرگ و جذاب است که حتی برای افراد کارکشته هم ورود به این حوزه

کارایی: حضرتعالی سال های زیادی در جلسات اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تبریز حضور داشته اید همچنین سال ها نیز در بخش خصوصی فعالیت نموده اید، با این تفاسیر، ورود افرادی مثل شما در عرصه تصمیم گیری و تصمیم سازی های دولتی را چگونه ارزیابی می فرمایید؟

محمدزاده: من حدود سه دهه در بخش خصوصی فعالیت داشتم و حدود سه سال هم سابقه فعالیت در سازمان های مرتبط با شهرداری از جمله سمت مشاور شهردار را داشته ام همچنین سابقه فعالیت در هیات مدیره شهرک های صنعتی را نیز داشته ام. من به بخش دولتی ورود تدریجی داشتم ام و هم اکنون نیز در سمت مشاور استاندار مشغول فعالیت هستم. البته به نظر من فاصله میان بخش دولتی و بخش خصوص بسیار اندک و باریک است.

به نظر من برای ورود به بخش دولتی، شما بایستی با قاعده کار کردن در دو محیط آشنا باشید. زمانی که در یک محیط دولتی قرار گرفته اید و یک مدیر دولتی هستید، در جایگاه حافظ منافع هفتاد میلیون جمعیت هستید و در هر تصمیم و هر گامی که بر می دارید، نبایستی فراموش کنید که امانتدار آن هفتاد میلیون نفر هستید. ولی حیطه عمل و آثار اعمال اعم از خیر و شر در حوزه خصوصی محدودتر است و عمدتاً به خود آن بنگاه منحصر می گردد به نظر من بایستی دقت نظر و حساسیت بیشتری در جایگاه یک مدیر دولتی وجود داشته باشد.

به نظر من ورود یک مدیر بخش خصوصی به عرصه تصمیم گیری های دولتی، اتفاق ویژه، قابل تامل و مثبتی است. این امر در واقع نشان دهنده این است که بخش خصوصی تا بدان پایه از بلوغ رسیده

جذابیت جدی دارد؟ و آیا نمی تواند آسیب های جدی به نوع تعاملات میان بخش دولتی و خصوصی وارد نماید؟

محمدزاده: نگاه شما و نگاه من به این حوزه تفاوت دارد. شما به عنوان یک فعال در بخش خصوصی، تجربه ای سی ساله در دست دارید و به دنبال محلی هستید که از این تجارب استفاده حداکثری نمایید. حالا این فرصت فراهم شده و شما در نقطه ای قرار گرفته اید که به اندازه ده ها برابر موقعیت قبلی می توانید اثرگذار باشید و از تجارب خود استفاده کنید.

امروز ارتباط صنعت گرها بواسطه وجود فردی از بخش خصوصی در جایگاه معاونت استاندار با ما تسهیل شده است. همچنین زمانی که نماینده اتحادیه ها به اینجا مراجعه می نمایند، گفتمان میان ما بسیار سهل و ساده است و انرژی زیادی برای مفاهیم مصروف نمی شود. من به نوعی با آن ها هم لباسم و سی سال با آن ها در یک مکان بوده ام.

کاریابی: پس به نظر شما آیا حضور حضرتعالی و افرادی که سابقه حضور در بخش خصوصی داشته اند تسهیل گر ارتباط میان این بخش و دولتمردان است؟ فرمودید که این موقعیت را بواسطه ایجاد امکان استفاده حداکثری از اندوخته های سی ساله متغتم می شمارید اما آیا صرف حضور در این موقعیت، می تواند بر موانع و گلوگاه های جدی موجود در ساختار دولت از جمله بوروکراسی نهادینه شده غلبه نماید؟

محمدزاده: خب ببینید ما ملزم به رعایت یک سری اصول می باشیم بالاخره وقتی در یک محیط دولتی قبول مسئولیت می نمایم بایستی محدودیت های مرتبط را نیز مورد توجه قرار دهیم. زمانی که رانندگی می نمایم، یک سری محدودیت ها برای ما قرار می دهند اما این محدودیت ها مانع رانندگی شما نیست فقط سلامت شما را تضمین می کند. بنابراین شاید نگاه ما به مقوله محدودیت های دولتی متفاوت است. ما چیزی فراتر از قانون نمی خواهیم و قصد دورزدن قوانین را نیز نداریم. همین قانون نیز برخی خطوط قرمز دارد که نباید به آن ورود کرد.

کاریابی: پس فکر نمی کنید که بخش دولتی و مولفه ها و مشخصه های مربوط به آن مانع جدی فعالیت شما نمی شود؟
محمدزاده: من تا امروز که احساس نکرده ام که کاری که لازم، قانونی و مصلحت آمیز است و بایستی انجام یابد، قرار گرفتن در ساختار دولت، مانعی بر سر راه آن بوده باشد. البته چنانچه نیت اعتلای استان باشد، تمام خستگی کار برای انسان از میان می رود.

کاریابی: تغییر دولت ها به معنای تغییر نگاه آن ها به بخش خصوصی چقدر می تواند بر این موضوع و بر نحوه تعاملات میان دولت و بخش خصوصی تاثیر بگذارد؟

محمدزاده: طبیعی است من این را تایید می کنم دولتی که استقرار پیدا می کند و نوع نگاه آن، طبیعتاً بر نوع تعاملات تاثیر کلی می گذارد. اما آنچه که غیر قابل انکار است، نیاز بخش خصوصی به دولت و نیاز بخش دولتی به بخش خصوصی است. ما وقتی از دولت و بخش خصوصی صحبت می کنیم بایستی چنان صحبت کنیم که این دو به طور کامل از یکدیگر منفک و جدا هستند.

کاریابی: اما قابل انکار نیست که حداقل از منظر برخی فعالان بخش خصوصی و دولتی این دو منافع متعارضی با یکدیگر دارند.
محمدزاده: اجازه بدهید بگویم چرا منافع این دو به یکدیگر وابسته اند. مگر مبنای درآمد دولت نباید مالیات باشد؟ منابع مالی دولت را چه کسی تامین خواهد کرد؟ اگر به بودجه توجه کنیم هر روز

وابستگی دولت به مالیات بیشتر می شود. در تمام سال های بعد از ۱۳۶۷ افزایش نیاز دولت به منابع مالیاتی را شاهد بوده ایم. عواید حاصل از فروش نفت بایستی در زمینه زیرساخت ها سرمایه گذاری شود چون نفت سرمایه ملی است. حالت ایده آل این است که درآمد دولت از طریق بخش خصوصی تامین شود. بخش دولتی هم بایستی امنیت فراهم کند و فرش قرمزی در زیر پای بخش خصوصی پهن کند تا سرمایه گذاری در کشور افزایش یابد.

تفکری وجود دارد که می خواهد شکاف عمیقی را در بین این دو بخش ایجاد کند اما به نظر من باید این دورا به هم نزدیک تر کنیم و این تفکر را که بخش خصوصی و بخش دولتی لازم و ملزوم یکدیگرند را تقویت نمایم. این روند باید ادامه پیدا کند و هر جایی که بخش خصوصی و دولتی به همدیگر نیاز داشتند باید در کنار هم قرار بگیرند چون هدف هر دو آن ها اعتلای کشور است.

کاریابی: اساساً شما تضاد منافع بین بخش خصوصی و بخش دولتی در نظر نمی گیرید. به عنوان مثال در اندازه گیری شاخص های توسعه یافتگی کشورها، میزان فراغت جامعه مدنی از دولت یکی از پارامترهای بااهمیت است. در مورد مساله مالیات که حضرتعالی مثال می زنید به فرض من در راستای حفظ منافع خود همواره تلاش می کنم تا کمترین میزان مالیات را پرداخت کنم اما دولت می خواهد بیشترین مقدار ممکن را از من دریافت کند. این یعنی تعارض منافع.

محمدزاده: دولت کارکرد های متفاوتی دارد، از جمله تامین امنیت عمومی و تامین امنیت مرزها. در هیچ کجای دنیا هیچ کس و هیچ ملتی نمی تواند از دولت جدا باشد، همه زیر چتر دولت هستند، مساله گستردگی این چتر است. در جایی این گستردگی در تامین اجتماعی خود را نشان می دهد. هر چقدر دولت در تامین اجتماعی چتر گسترده تری داشته باشد مردم بیشتر در رفاه هستند و نقش دولت در اینجا کاملاً مورد پذیرش ملت است یا وقتی دولت امنیت را برقرار می کند باز هم ملت خواستار افزایش میزان امنیت است چون می خواهد در یک کشور امن زندگی کند. پس ما باید توجه کنیم که کجا گستردگی دولت مورد پذیرش ملت است و کجا نه. اما در اینکه دولت باید کوچک شود شکی نیست. دولت در تمام ابعاد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نامطلوب نیست بلکه نوع گستردگی و حیطه آن مورد بحث است.

کاریابی: تفاوت عمده مدیریت بین بخش خصوصی و دولتی و شاخص های آن با توجه به اینکه در هر دو حوزه حضور داشته اید، کدام هاست؟

محمدزاده: حتماً تفاوت هایی وجود دارد زمانی که شما برای بخش دولتی تصمیم می گیرید حتماً باید مراقب تصمیمات و آثار آن باشید. قانون دو لبه دارد؛ لبه تیز برای افراد خاطلی و لبه نرم برای افراد خادم. تشخیص این ممیزی به عهده مدیر بخش دولتی است هر چقدر تجربه مدیر دولتی در بخش خصوصی بالاتر باشد و شناخت وی از بخش خصوصی استانی و کشوری در حد بالاتری باشد، این ممیزی هم به همان نسبت راحت تر است و جامعه بیشتر منتفع خواهد شد.

کاریابی: پس شما فکر می کنید عمده ترین تفاوت مدیریت بخش خصوصی و بخش دولتی این است که تبعات و آثار تصمیم گیری ها در بخش دولتی ممکن است بسیار عمیق تر و گسترده تر باشد؟

محمدزاده: طبیعی است که نسبت به اندازه بنگاه، تغییراتی در نحوه مدیریت همچنین آثار و تبعات تصمیم گیری ها ایجاد می گردد.

گفت و گوی اختصاصی کاریابی با مسعود بناییان عضو هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی تبریز

وظیفه اتاق بازرگانی عارضه یابی صنایع موجود در سطح استان است

آقای مسعود بناییان عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تبریز در دوره هشتم و رئیس اتحادیه تولیدکنندگان و صادرکنندگان چرم در استان آذربایجان شرقی هستند به دلیل فعالیت های گسترده ایشان در بخش خصوصی و به بهانه این پرونده با ایشان گفت و گویی را انجام دادیم.



کاریابی: به نظر شما آیا اتاق بازرگانی در موقعیت فعلی خود به عنوان پلی میان بخش خصوصی و بخش دولتی عمل می کند؟ آیا اتاق بازرگانی قادر است مطالبات بخش خصوصی را به صورت موثر تجمیع کند؟

بناییان: اتاق بازرگانی صنایع و معادن سال هاست که با یک سیستم سنتی رئیس محور اداره می شود و به جای در دستور بودن یک برنامه استراتژیک به طور عمده برنامه های روزمره انجام می گیرد. اگر اتاق را به عنوان پارلمان بخش خصوصی در نظر بگیریم علی القاعده قسمتی از وظایف آن عارضه یابی صنایع موجود در سطح استان حتی در سطح منطقه است.

اما مساله این است که متأسفانه از طرف اعضاء اتاق نیز مطالبات آن چنانی وجود ندارد مطالباتی از قبیل بازبینی مشکلات صنعت استان، بررسی دقیق درآمد سرانه استان و با تدقیق در میزان مهاجرت سرمایه و یا سطح سرمایه گذاری در سطح استان. مطالباتی از قبیل بررسی اینکه چرا از ۹۲۰۰ واحد تولیدی در سطح استان به ۲۳۰۰ واحد رسیده ایم و این ۷۰۰۰ واحد چرا تعطیل شده اند.

در طرح جدید پایش سازمان صنعت و معدن و تجارت می بینیم که فقط دو هزار و سیصد واحد در حال فعالیت در سطح استان وجود دارند که آن ها هم زیر سی درصد ظرفیت کار می کنند. بایستی

دلایل و عوامل این موضوع توسط اتاق مورد بررسی و توجه قرار گیرد؟ در تبیین دلایل مربوطه شاید بتوان گفت که به عنوان مثال دو هزار از این بنگاه ها تنها به صورت صوری ثبت شده بوده اند و هدف از ثبت آن ها صرفاً دریافت وام بوده است اما به هر حال اتاق بازرگانی جدا از دولت وظیفه دارد که این موارد را پیگیری و بررسی نماید. اساساً صحت این آمار به چه میزان است به عنوان مثال من به شخصه می دانم که برای تدوین و تهیه آمار مذکور به چرم شهر که دویست و هفتاد واحد کوچک و بزرگ در آن وجود دارند، مراجعه نشده است. به هر حال منظور من این است که بررسی این آمار چه به لحاظ صحت و چه به لحاظ دلایل و عوارض می تواند در دستور کار اتاق بازرگانی قرار گیرد و حتماً نیز بایستی اینگونه باشد.

اتاق بازرگانی همچنین بایستی مسائل مرتبط با مهاجرت سرمایه و دلایل آن، اینکه مساله مهاجرت سرمایه به چه میزان متأثر از مدیریت منطقه ای و به چه میزان مرتبط با مسائل مالیاتی یا مسائل کارگری است را به دقت مورد بررسی قرار دهد و گزارش های مربوطه را تدوین و در اختیار ذینفعان قرار دهد.

اتاق بازرگانی به طور جدی می تواند در قالب پارلمان بخش خصوصی ظاهر شود به عنوان مثال سال پیش، ما از طرف اتاق نمایندگان دولت را مجاب کردیم تا یک سند بالادست و راهبردی برای

صنعت چرم تهیه نماییم و در آن چرم را به عنوان یک پتانسیل ملی مطرح کردیم.

کارایی: موضوع اصلی بحث ما، ورود نمایندگان بخش خصوصی به ساختار دولتی و ارزیابی حضرتعالی در این خصوص است، آیا چنین امری را مثبت ارزیابی می فرمایید؟

بنابیان: ورود بخش خصوصی به دولت در چارچوب راهبرد توسعه ای، قطعاً حرکت قابل قبولی است اما بایستی اساساً و پیش از پاسخ به این سوال، حدود و ثغور و مرزهای بخش دولتی و خصوصی در ایران را به صورت شفاف ترسیم نماییم. به هر حال هر امری واجد اصولی است و تبیین آن مقدماتی را طلب می کند. از سال ۱۹۲۰ تا سال ۱۹۷۰ میلادی، دولت‌ها در کشورهای که هم‌اکنون توسعه یافته تلقی می شوند، در نقش پیشران عمل نموده اند و بار اصلی صنعتی کردن کشور بر دوش آنها بوده است. لذا می توان گفت بحث خصوصی سازی در دنیا بحثی نسبتاً جوان و مربوط به سال‌های آغازین دهه ۱۹۷۰ می باشد. یکی از دلایل طرح مباحث مرتبط با خصوصی سازی، بزرگ تر شدن حجم دولت‌ها و کاهش کارایی منابع انسانی، سرمایه ای و مالی بوده است.

سابقه خصوصی سازی در برخی کشورها مانند آلمان، ترکیه، هند به همان دوره باز می گردد اما می بینیم که کشور آلمان در تحقق خصوصی سازی به لحاظ استراتژیک و مدیریتی به چه میزان خوب عمل کرده است و به همان میزان نیز لحاظ صنعتی، اقتصادی و توسعه ای نیز موفق بوده است.

در ایران هم این بحث‌ها بعد از پایان جنگ تحمیلی و در زمان دولت آقای هاشمی در قالب سیاست‌های تعدیل ساختاری و اصلاح اقتصادی طرح شد البته اجرای بخشی از این طرح‌ها در زمان دولت آقای خاتمی آغاز گردید. علی‌احوال، به نظر من در ایران از لحاظ تعریف و مدیریتی استفاده از الفاظ

خصوصی و دولتی خیلی دقیق نیست زیرا که دولت در ساختار موجود کشور به مانند دولت در کشورهای توسعه یافته، مدیریت و حاکمیتی تام و کامل ندارد. به یک معنا بهتر است نیروهای فعال اقتصاد کلان در ایران را به دو گروه نیروها و نهادهای خصوصی و نیروها و نهادهای غیر خصوصی تقسیم بندی کنیم. یا به بیان صریح تر، این تقسیم بندی بهتر است تحت عناوین خصوصی و حاکمیتی صورت گیرد. زیرا که هم‌اکنون تعدادی از نهادها وجود دارند که اصالتاً و ذاتاً نمی توان گفت که در جرگه نیروهای بخش خصوصی هستند ولی به تعریف رایج دولتی هم نیستند. دولت توانایی اعمال نظارت از جمله اعمال سیاست‌های مالیاتی مندرج در نظام قانون مالیات‌ها را در خصوص آن‌ها ندارد. بدین ترتیب، با در نظر گرفتن این که براساس بسیاری گزارش‌ها، چهل درصد از تولید ناخالص داخلی، مربوط به نهادها و ارگان‌هایی است که تحت نظر دولت فعالیت نمی کنند و حتی در برخی موارد از قوانین اقتصادی موجود در کشور نیز تبعیت نمی کنند، مالیات پرداخت نمی کنند و حتی فعالیت‌های آن‌ها از طریق مبادی رسمی صورت نمی گیرد و در گمرکات کشور ثبت نمی شود، به نظر من بایستی در تقسیم بندی بخش‌های اقتصادی کشور علاوه بر دولت و بخش خصوصی، حداقل یک بخش حاکمیتی غیر دولتی و غیر خصوصی را هم در نظر گرفت.

کارایی: آیا وجود و فعالیت این بخش حاکمیتی صرفاً نشانه‌ای از فساد اقتصادی است؟

بنابیان: در اصل چهل و چهار قانون اساسی از سه بخش دولتی، خصوصی و تعاونی به عنوان بخش‌های فعال اقتصادی نام برده شده است اما در عمل نهادهایی وجود دارند که نه می توان آن‌ها را ذیل بخش خصوصی نه ذیل بخش دولتی و نه ذیل بخش تعاونی گنجاند. این نهادها به لحاظ ابعاد و حجم فعالیت بزرگ هستند و در اقتصاد ایران بسیار تأثیرگذار. هم‌اکنون چند صد موسسه مالی اعتباری در حال فعالیت هستند که تحت پوشش بانک مرکزی نیستند در عین حال بیست و چهار درصد از نقدینگی کشور هم در دست آن‌هاست. بنابراین به نظر من بایستی در تحلیل ساختار اقتصادی در ایران حتماً بخشی را که من آن را حاکمیتی می نامم نیز لحاظ نمود چرا که این بخش مانع از اعمال قدرت و اختیارات دولت می گردد.

برای تبیین نقش این بخش حاکمیتی کافی است به وقایع اخیر مجلس توجه کنیم. وزیر اقتصاد به عنوان نماینده دولت، تصمیم به از میان برداشتن معافیت مالیاتی و ملزم نمودن بخشی که من آن را «حاکمیتی» اطلاق می کنم، به ارائه اظهارنامه مالیاتی می گیرد اما می بینیم که به بهانه‌های مختلف سه کارت زرد از نمایندگان مردم در مجلس می گیرد. این وزیر اقتصاد فردی است که تورم را کنترل کرده و از حدود چهل درصد به زیر بیست و پنج درصد رسانده است اما سه کارت زرد پیاپی گرفته است اما نکته جالب اینجاست که نمایندگان مجلس برای اجرای قانونی که که توسط خود آن‌ها به تصویب رسیده است، به وزیر کارت زرد می دهند.

بنابراین در ایران مرزها و حدود بخش خصوصی و بخش دولتی در قالب استراتژی‌ها و راهبردها تعریف نشده است و سیاست‌ها به صورت دائمی در حال نوسان و تغییر هستند. به عنوان مثال تکلیف موسسات مالی و سیاست‌های مالی و سرمایه‌ای مشخص نیست

و بانک‌ها به عنوان بنگاه‌های مالی هر کدام نقش شرکت‌های سرمایه‌گذاری را ایفا می کنند. این آن چیزی است که احتمالاً منجر به ایجاد فساد مالی و اقتصادی گسترده می گردد.

با این تفاسیر به نظر من مبحث خصوصی سازی در ایران نه تنها شکست خورده است بلکه فعلاً شرایط برای خصوصی سازی در ایران مهیا نیست. خصوصی سازی به این معنی نیست که ما شرکت‌های دولتی را به بخش خصوصی بفروشیم. خصوصی سازی خود یک رویکرد استراتژیک و یک راهبرد است و در نهایت در پی کارآفرینی است. خصوصی سازی در حقیقت راهی است برای رسیدن به هدف کارآفرینی و پرو و بال دادن به استعداد های نهفته بخش خصوصی. با این راه جامعه می تواند به سطح قابل قبولی از رفاه دست یابد. جالب است که در ایران خصوصی سازی در قالب واگذاری شرکت‌های به ویژه زیان‌ده درآمده است. البته این که دولت شرکت‌های زیان‌ده را واگذار نماید، عقلانی است اصلاً این داستان خصوصی سازی کشور ما نمود بسیار جالبی در واگذاری دو باشگاه استقلال و پرسپولیس دارد. مواردی وجود دارند که دولت برای نهادها و موسساتی که ارزش چندانی ندارند قیمت بسیار نامتناسبی تعیین می کند. این بدین معنی است که حاکمیت تمایلی برای واگذاری آن نهادها و موسسات ندارد. نمونه‌های فراوانی می توان برای این مورد یافت از برخی کارخانجات صنعتی و بنگاه‌های اقتصادی دولتی گرفته تا تعدادی از

یکی از وظایف دولت، تسهیل شرایط بین المللی برای اقتصاد است. وظیفه دولت بنگاه داری نیست من به عنوان یک فرد یا من به عنوان بخش خصوصی نمی توانم با آمریکا وارد مذاکره شوم این وظیفه دولت است که البته دولت تدبیر و امید به خوبی در این زمینه عمل کرده است.

بانک‌ها و همینطور کلیه تشکیلاتی که حاکمیت تمایلی به واگذاری آن‌ها ندارد.

کارایی: آیا در دنیا نمونه‌هایی سراغ دارید که اتاق‌های بازرگانی و همچنین ورود بخش خصوصی به دولت نتایج ارزنده و موثری در پی داشته باشد؟

بنابیان: بله البته به عنوان مثال نمونه‌های موفق ورود بخش خصوصی به تصمیم‌گیری‌های جدی را در آلمان سراغ دارم. یکی از پیشنهادات من این بود که اتاق‌های موفق دنیا را انتخاب کنیم و با نزدیک تر شدن بیشتر از تجربیات آن‌ها بهره بگیریم. مطالعه و استفاده از تجربیات اتاق‌های کشورهای اسلامی همانند اتاق بازرگانی کوالالامپور و اتاق‌های ترکیه نیز که تقریباً در ساختاری نه چندان متفاوت با ساختار اقتصادی کشور ما در حال فعالیت هستند، بسیار مفید خواهد بود و اعتماد عمومی اعضاء به اتاق را ارتقاء خواهد داد.

کارایی: فکر می کنید در چنین شرایطی و با وجود بخش خصوصی غیرتوانمند که مطالبات جدی ندارد و به صورت سیستماتیک در موضع ضعف قرار گرفته، ورود فردی که بیش از سی سال در بخش خصوصی مشغول بوده و در آن بخش هم توانمند و موفق و تأثیرگذار ظاهر شده است، تا چه میزان تأثیرات مثبت و راهگشایی بر روی کیفیت تعامل میان دولت و فعالین بخش خصوصی خواهد داشت؟

بنابیان: من به شخصه فارغ از فردی که به عنوان حلقه این اتصال تعیین می گردد، چنین انتخابی از طرف استاندار و از طرف دولت را اتفاق بسیار ميمون و مبارکی ارزیابی می کنم. این مساله چنانچه در قالب موضوع راهبردی خصوصی سازی به معنای انتقال مدیریت به بخش خصوصی باشد، بسیار عالی است اما اینکه آیا در سطح کلان و ملی نیز چنین دیدگاهی وجود دارد بحث دیگری است. اینکه صرفاً اتفاقی مختص استان آذربایجان شرقی باشد، و ابعاد ملی و کلانی به خود نگیرد، چندان مطلوب نیست. این امر نبایستی به یک مساله سیاسی و جناحی تقلیل یابد. چنانچه دولت در میان مدت متوجه کارآبودن ورود افراد بخش خصوصی به بدنه خود شود، این امر تداوم خواهد یافت.

جناب آقای محمد زاده یکی از بهترین انتخاب‌ها برای ورود به ساختار دولتی است. ایشان هم از لحاظ سیاسی و هم از لحاظ اقتصادی صاحب تجربه‌اند. خود آقای استاندار مدتی از سیاست و حاکمیت فاصله گرفته بودند و در بخش خصوصی فعالیت نموده‌اند. در واقع می توان گفت اکثر مدیران دولت تدبیر و امید دستی در فعالیت در بخش خصوصی داشته‌اند. به عنوان مثال خود آقای نعمت زاده، مدتی در بخش خصوصی فعالیت نموده‌اند و برای ما تعریف می کرد که در دوره قبلی وزارت ایشان، به منظور تسهیل فعالیت بخش خصوصی اکثراً با بانک صنعت و معدن نامه نگاری می کردم و برای فعالین اقتصادی تقاضای اعطای وام می کردم. در آن زمان تصور من بر این بود که مشکل آن فرد بدین ترتیب رفع و رجوع می گردد اما زمانی که خود وارد بخش خصوصی شدم متوجه شدم که مشکل فعالین بخش خصوصی با دریافت وام حل نمی شود و این تازه آغاز مشکل است.

من به این دولت امیدوارم. یکی از وظایف دولت، تسهیل شرایط بین المللی برای اقتصاد است. وظیفه دولت بنگاه داری نیست من به عنوان یک فرد یا من به عنوان بخش خصوصی نمی توانم با آمریکا وارد مذاکره شوم این وظیفه دولت است که البته دولت تدبیر و امید به خوبی در این زمینه عمل کرده و گره کور قسمتی از مسائل اقتصادی هم به همین ترتیب گشوده شده است. قهر با دنیای خارج و تحریم‌ها به هیچ روی به نفع مملکت نبود.

به عنوان جمع بندی بایستی عرض کنم من انتخاب آقای محمدزاده را اتفاق بسیار خوبی ارزیابی می کنم. امیدوارم این کار توسعه پیدا کند. اما نبایستی انتظار معجزه داشته باشیم چون این اولین تجربه است. آقای محمد زاده بالطبع نمی تواند به عنوان یک کنش گر از موضع اپوزیسیون ظاهر شود. طبیعی است که عملکرد آقای محمدزاده بایستی در راستای پاسداری از این موقعیت و حرکت هوشمندانه جهت نیل به این هدف باشد تا تجربه موفقیتی در این زمینه رقم بخورد.

من به دلایل مختلف با علم به توانمندی‌ها، تجارب و قابلیت‌های جناب آقای محمد زاده، ایشان را توانمندترین فرد برای قرارگرفتن در این پست می دانم.



توسعه ترانزیت استان آذربایجان شرقی، تبدیل مسیر تک بانده به جاده ای با چندباند



اما بعد از سال ها جنگ، ویرانی و تبدیل شدن مار تروریسم به ازدهای چند سر، ترکیه مایوس از نقشه های شکست خورده در حال انتقام گیری دیگری از ایران است و برخلاف ادعای های مطرح شده در مورد عدم تاثیر پذیری روابط اقتصادی از رقابت های منطقه ای و موضوعات ثالث چند ماه است موضوع ترانزیت میان دو کشور به یک موضوع جنجال برانگیز تبدیل شده و ترکیه در تلاش بوده به هر نحو ممکن خواسته های زیاده خواهانه اش را به طرف ایرانی تحمیل کند. مرز دو کشور در آذربایجان غربی یکی از فعال ترین مرزهای ترانزیتی است که بعد از کش و قوس های چند ساله و بعد از نامنی های اخیر شاهد رکود در عرصه های مختلف بخصوص در زمینه ترانزیتی است. این وضعیت ایران را بر آن داشته است که مسیرهای جایگزین دیگری را برای ارتباط با اروپا اعلام کند.

استان آذربایجان شرقی از قدیم الایام پیشاهنگ ارتباطات ایران با اروپا بوده است و به پشتوانه مردم کنجکاو و تحول خواه، تجار و بازرگانان فعال، در توسعه روابط اقتصادی ایران با ممالک اروپایی موقعیت منحصر به فردی داشته است. هم اکنون نیز استان آذربایجان شرقی با توجه به موقعیت راهبردی خود در محل اتصال کریدورهای ترانزیتی شمال - جنوب و غرب - شرق، قادر است درصد قابل توجهی از سهم ناخالص در آمدهای حمل و نقلی کشور را بخود اختصاص دهد و این مزیت را دارد که محل شکل گیری شهرها و پارک های لجستیکی در اطراف شهر تبریز و مناطق آزاد و ویژه استان باشد. این استان در این صورت خواهد توانست سالانه میلیون ها تن کالا را با ایجاد ارزش افزوده و یا دپو کالا از خود عبور دهد.

اما در استراتژی توسعه ترانزیت در استان، یکی از بزرگترین طرح ها، طرح احداث بزرگراه تبریز-بازرگان می باشد که با وضعیت بوجود آمده، برنامه ریزی برای بازکردن مسیرهای دیگر با عنایت به همسایگی آذربایجان شرقی با دو کشور ارمنستان و جمهوری آذربایجان باید مورد توجه جدی مسئولان قرار گیرد. در این راستا تکمیل جاده ترانزیتی تبریز - نوردوز یکی از طرح های جایگزین است. توجه به این نکته ضروری می نماید که ایران و ترکیه در مقام دو قدرت منطقه ای لاجرم از رقابت هستند و ما در استان آذربایجان شرقی نمی توانیم تمام ظرفیت های خود را در حوزه ترانزیت به آناتولی منتهی کنیم.

اگر به جغرافیای شکل گیری و توسعه مناقشه های به ظاهر مذهبی خاورمیانه با مدیریت کشورهای همسایه به دقت نگاه کنیم دو مساله اساسی می تواند توضیح دهنده علت واقعی رقابت های منطقه ای باشد. یکی آب و دیگری مسیر های ترانزیت بخصوص مسیرهای انتقال گاز و نفت.

طرف های اصلی مناقشه محور مقاومت به مرکزیت ایران و در مقابل کشور های ترکیه، قطر و عربستان به رهبری کشورهای غربی هستند. بلوک ضد جبهه مقاومت ظاهراً به بهانه مبارزه با استبداد و دفاع از قیام مردمی، قلب خاورمیانه عربی را به آتش کشیده است. علت های مختلفی برای این رقابت ویرانگر منطقه ای توسط کارشناسان و تحلیل گران ذکر می شود اما در کمتر تحلیلی به دو موضوع بالا اشاره شده است و به نوعی این دو مسئله رازهای عیان اما مگو می باشند.

دولت ترکیه به رهبری اردوغان که بعد از دهه های متممادی، جهت گیری سیاست خارجی ترکیه را از گرایش به اروپا به منطقه گرایی نوستالژیک (نئوعثمانیزم) تغییر داده، به سختی در تلاش است محور دنیای اهل سنت با تفکر اخوانی قرار گیرد و در رقابت با ایران، بر خاورمیانه عربی از هر جهت تسلط یابد و در سایه این تسلط نیز مسیر دست یابی ایران به اروپا را به یک جاده تک بانده تبدیل کند که از آناتولی تحت حکمرانی سلاطین نوعثمانی عبور می کند. در این صورت ایران مجبور است برای انتقال نفت و گاز خود به اروپا و یا توسعه ارتباطات تجاری با قاره سبز فقط به ترکیه متکی باشد. اما واقعیت های ژئوپولیتیک و ژئوکالچر ایران را قادر و مجبور می سازد برای رسیدن به اروپا و سواحل مدیترانه به چندین کشور و بخصوص، دو کشور عراق و سوریه تمرکز ویژه نماید.

در اجرای این نقشه خودخواهانه ترکیه، قطر نیز به پشتوانه دلارهای نفتی اضافی، بلند پروازی های منطقه ای و ترس از تسلط ایران و روسیه به بازار های گازی اروپا به ترکیه پیوست و آتش تروریسم توسط این دو کشور به جان مردمان سوریه افتاد. همچنین رویای تسلط بر سرچشمه های دجله و فرات و بدست گیری رگ حیاتی شامات و عراق یکی دیگر از انگیزه های ترکیه در ورد به رقابت یا جنگ منطقه ای بود.

سفری به نوردوز پایانه ای در انتظار شروع

کوه های برافراشته در شمال و جنوب و دره ای در امتداد غرب به شرق بارودخانه پرخروش و افسانه ای ارس. حقیقتاً منظره ای بسیار زیباست و این زیبایی را فقط باید دید چون کلمات اغلب از بیان زیبایی های ناب قاصرند. اما وقتی کاسه چشمان مان از این جریان ممتد زیبایی لبریز شد، اولین موضوعی که ناخودآگاه، آدمی را به خود جلب می کند، سکوت معنادار نوردوز است. در این مکان فارغ از زیبایی های جغرافیایی کمتر نشانی از جنب و جوش و تحرک یک پایانه حمل کالا را می توان سراغ گرفت. به نظر می رسد نوردوز در انتظار دیده شدن و تبدیل به آن چیزی است که بایستی باشد. به نظر می رسد نوردوز هم همانند انارهای ساحل ارس که با طمانینه سینه چاک می کنند، با آرامشی آزاردهنده در انتظار میوه دادن و به نمر رسیدن است.

منطقه آزاد ارس در راستای اهدافی که عمدتاً براساس رویکرد مبتنی بر روابطی گشاده دستانه در عرصه بین الملل تنظیم و تدوین شده است، تلاش دارد بازیگران و مناسبات قدیمی را از روی صحنه بردارد و ترجمان واقعی ارتباطات آزاد اقتصادی و تجاری گردد. آزادی ای از جنس اقتصاد، تجارت، افزایش مراودات و توسعه پایدار. مرکز نوردوز منطقه آزاد ارس نیز می تواند دروازه ورود به دو جهان اقتصادی مجزا یعنی اوراسیا و اروپا باشد.

با جدی شدن مسیر جایگزین ارمنستان از سوی نهادهای حاکمیتی برای رسیدن قافله های ایرانی به مرزهای اروپا بر آن شدیم تا پرونده ای در خصوص میزان آمادگی منطقه نوردوز به عنوان نقطه شروع این مسیر تهیه و تدوین نماییم.

پرونده: صادق پور صادق

مدیر برنامه ریزی و بودجه منطقه آزاد ارس:

شرکت‌های ترانزیتی در مسیر نوردوز-ارمنستان-گرجستان باتسهیلات مناطق آزاد ناوگان جاده‌ای خود را نوسازی کنند

منطقه آزاد ارس در مرکز نوردوز نقطه شروع مسیر ترانزیتی ایران-ارمنستان-گرجستان است. در اسناد راهبردی این منطقه توجه به بخش ترانزیت بین‌المللی بسیار حائز اهمیت است. در این راستا با آقای دکتر داداش زاده مدیر برنامه ریزی و بودجه این سازمان مصاحبه ای انجام دادیم. مدیر خوش رو و متخصص ارس درباره چیزی که مربوط به حوزه کاری و تخصصی اش می باشد فنی و دقیق حرف می زند. اشراف او به مسائل کلان منطقه آزاد ارس قابل تحسین است.

کارایی: آقای داداش زاده اخیراً سند تدبیر و توسعه ارس در چارچوب سند استانی منتشر شده است این سند بر اساس یک متد علمی - کاربردی نوینی تدوین شده است خواهشمند است در این خصوص توضیحاتی بفرمایید.

داداش زاده: سند تدبیر و توسعه استان آذربایجان شرقی و منطقه آزاد تجاری-صنعتی ارس مبتنی بر روش «برنامه ریزی هسته ای» برای اولین بار در کشور تدوین شده است. البته این سیستم جدید برنامه ریزی توسعه، از سوی سازمان برنامه و بودجه با تمجید از مدیریت خلاقانه استان به تمام استان ها جهت برنامه ریزی توسعه اقتصادی پیشنهاد گردیده است.

روش برنامه ریزی «هسته های کلیدی» بر خلاف روش برنامه ریزی جامع که نیازمند آمار و ارقام دقیق و موثق است «مسئله» محور می باشد و بر اساس نظریه رشد نامتقارن طرح گردیده است. در این روش برنامه ریزی اقتصادی ابتدا هسته های کلیدی سیستم اقتصادی مشخص می شود و برنامه ریزی با هدف تقویت این هسته های کلیدی به پیش می رود. این هسته ها باید ظرفیت جذب منابع داخلی و خارجی را داشته باشند و در یک نظام به هم پیوسته با تقویت همدیگر روند توسعه اقتصادی را در یک منطقه و یا کشور شکل دهند. این روش برنامه ریزی همچنین قابل تعریف در قالب راهبرد اقتصاد مقاومتی بوده که در تدوین سند تدبیر و توسعه استان آذربایجان شرقی و منطقه آزاد ارس مورد توجه قرار گرفته است. مزیت دیگر این روش برآورد واقع بینانه از نقاط ضعف و قوت منطقه در پیاده سازی برنامه توسعه اقتصادی است.

کارایی: هسته های کلیدی در سند تدبیر و توسعه منطقه آزاد ارس چیستند؟

داداش زاده: سند تدبیر و توسعه ارس مبتنی بر هسته های کلیدی اقتصادی متعددی شکل گرفته که عبارت است از:

- صنعت: مبتنی بر شکل دهی زنجیره ارزش با محوریت صنایع هایتک، صنایع انرژی بر، صنایع صادراتگرا با استفاده از معافیت های قانونی منطقه آزاد ارس در بخش مواد اولیه، ماشین آلات، گمرک و قانون ارزش افزوده که مجموعاً باید این بخش ۵۹ درصد تولید ناخالص داخلی منطقه را شکل دهد.

- کشاورزی: کشاورزی باغی در دشت های فول مکانیزه گردیان و گلرچ و کشاورزی گلخانه ای در بزرگترین سایت گلخانه ای خاورمیانه. در برنامه تدبیر و توسعه با عنایت به بازار های هدف در دسترس و آینده کشاورزی جهان به تولید گلخانه ای هیدروپونیک و سالم با استفاده از آخرین تکنولوژی های موجود در این حوزه تأکید زیادی وجود دارد.

- گردشگری: بر اساس شکل گیری گردشگری سلامت، ژئو توریسم و گردشگری فرهنگی و تاریخی

- بهبود فضای کسب و کار: بر اساس اجرای کامل قوانین مناطق آزاد و بهره مندی از بستر فناوری اطلاعات جهت تسهیل در فرآیندهای کسب و کار و ارائه خدمات دولت الکترونیک

- توسعه مشارکت جوامع محلی: هدف اساسی در این بخش تقویت سرمایه اجتماعی و شاخص توسعه انسانی است.

- علم و فناوری: ارس، کانونی برای رشد و توسعه شرکت‌های داخلی و خارجی در حوزه های جدید با محوریت شرکت‌های دانش بنیان

- تجارت: تبدیل منطقه آزاد ارس به یکی از مناطق آزاد شناخته شده در سطح بین‌المللی جهت ایفای نقش موثر در حوزه تجارت

کارایی: آقای داداش زاده توسعه ترانزیت بخصوص ترانزیت خارجی دارای چه جایگاهی در سیستم اقتصادی منطقه آزاد ارس است؟

داداش زاده: ارس به جهت پیشینه تاریخی در عرصه تجارت و ترانزیت و قرار گیری آن در مسیر کریدور های بین‌المللی شمال-جنوب و غرب-بشرق، برخورداری نسبی از زیرساخت های عمده ترانزیتی از قبیل راه آهن و جاده می تواند به یک قطب بزرگ ترانزیت منطقه ای تبدیل شود. منطقه آزاد ارس به زودی بعنوان بندر خشک عضو کمیته حمل و نقل بین‌المللی کمیسیون اقتصادی و اجتماعی آسیا و پاسیفیک خواهد شد. آن چه مد نظر اسکاپ است بهره برداری از بنادر خشک برای تسهیل تجارت بین منطقه ای و ترانزیت است.

البته توسعه بخش ترانزیت در ارس هدف غایی نیست و همانطور که در توضیح روش برنامه ریزی بیان شد هدف از توسعه هر بخش تسری منافع آن به بخش دیگر برای تسهیل توسعه در آن بخش می باشد و در این راستا با توسعه بخش ترانزیت می توانیم شاهد توسعه سیستم های لجستیک، توسعه خدمات بانکی، بیمه و حضور شرکت های چند میلیتی در ارس باشیم که در جوامع فعلی از مهم ترین پیش نیاز های پیشرفت محسوب می گردند و با تأمین این شرایط منطقه آزاد ارس می تواند در راستای یکی از اهداف مهم خود که توسعه صادرات مجدد می باشد گام های موثری بردارد.

کارایی: اخیراً با توجه به محدودیت های اعمال شده در مسیر ترانزیتی ترکیه مسیر های جایگزین دیگری از سوی نهاد های وزارت راه معرفی شده است و از جمله این مسیر ها؛ مسیر نوردوز-ارمنستان و گرجستان است. منطقه آزاد ارس در مرز نوردوز بخشی از این مسیر است به نظر شما ارس چگونه می تواند از این موقعیت برای توسعه بخش ترانزیت خود بخصوص ترانزیت بین‌المللی بهره برداری نماید؟

داداش زاده: یکی از مزیت های اساسی منطقه آزاد ارس همسایگی با کشور ارمنستان است که عضو سازمان تجارت جهانی، اتحادیه اوراسیا و جامعه کشور های اروپایی است. این کشور می تواند مسیر جایگزین قابل اعتماد تری برای ما برای رسیدن به سواحل دریای سیاه و اروپا باشد اما در این میان مسائل و مشکلاتی است که لازم است دستگاه های حاکمیتی برای حل و فصل آنها به منطقه آزاد ارس کمک کنند. در صورت رفع این مشکلات ما می توانیم این مسیر را به صورت پایدار فعال نگه داریم.

از جمله این مشکلات می توان به نبود مجوز تردد خودروهای ارمنی در داخل منطقه آزاد ارس، اجرای نشدن کامل قوانین منطقه آزاد و ضعف زیرساخت های تخلیه، انبارداری، ضرورت اصلاح مسیر جاده ای در خاک ارمنستان، احداث راه آهن جلفا-نوردوز که بخشی از پروژه بزرگ راه آهن جلفا-اصلاندوز می باشد اشاره نمود. باید توجه داشته باشیم که منطقه آزاد ارس می تواند میزبان شرکت های چند میلیتی حمل و نقلی باشد و این شرکت ها در ارس قادر خواهند بود برای نوسازی ناوگان جاده ای خود با بهره گیری از قوانین مناطق آزاد و معافیت های مالیاتی اقدام نمایند. امتیازی که باعث افزایش قدرت رقابتی آنها نسبت به رقبای داخلی و خارجی شان گردد.



توسعه مسیر های ترانزیتی جایگزین به اروپا، راهکاری برای کاهش قدرت مانور ترکیه

علی نوجوان، فارغ التحصیل رشته مدیریت استراتژیک و صاحب نظر در زمینه مسائل ترانزیت کالا و خدمات است. آنچه در پی می آید، تحلیل وی از تحولات امنیتی مرزهای شرقی ترکیه و تأثیر آن بر روی توسعه بالقوه مسیرهای جایگزین ترانزیت اروپا در ایران است.

امروزه صنعت ترانزیت یکی از پرسودترین بخش های اقتصادی دنیا به شمار می رود و کشورهایی که در مسیر کریدورهای ترانزیتی قرار می گیرند می توانند بیشترین بهره را از این تجارت ببرند. در حال حاضر حجم گردش پول، انتقال کالا و انرژی بین آسیا و اروپا در حدود ۱۵۰۰ میلیارد دلار در سال است. که ۱۲۰ میلیارد دلار از آن به حمل و نقل مربوط میشود. با در نظر گرفتن حجم بالای ترانزیت کالا بین آسیا و اروپا و موقعیت منحصر به فرد کشور، بهره گیری از این فرصت طلایی که می تواند سهم بسزایی در کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی داشته باشد، اهمیت بیشتری به خود می گیرد. اگر چه بنا به نظر برخی کارشناسان با توجه به ظرفیت فعلی ناوگان ترانزیتی کشور که درآمد سالیانه آن معادل نیم میلیارد دلار می باشد همچنین حرکت کند مدیریتی در روند برطرف سازی مشکلات پیش رو، بهره برداری قابل توجه از این ظرفیت استراتژیک در کوتاه مدت کاری غیرعملی و غیرممکن خواهد بود.

مزایای ترانزیتی ایران، برخورداری از امنیت و جغرافیاست که توامان می توانند زمینه ساز توسعه این صنعت در هر کشوری باشند. بر همین اساس ایران همواره بعنوان یک مسیر ترانزیتی کوتاه و مناسب مورد توجه صاحبان کالا بوده است بگونه ای که آثار چرخ های این صنعت هنوز هم بر جاده ابریشم باقی است. اما در این میان ایران نیز نیازمند مسیرهای امن و مطمئن برای برقراری ارتباط خود با کشورهای اروپایی است. مهمترین مسیری که تا بحال مورد استفاده فعالان اقتصادی بوده است، مسیر ترکیه است که در ماه های اخیر این مسیر با مشکلات عدیده ای روبرو شده است. از اینرو جایگزینی مسیرهای مناسب و تأمین منافع ملی به یکی از دغدغه های اصلی مسئولین کشور تبدیل شده است.

در این راستا شورای عالی هماهنگی ترابری برای پایان دادن به این معضل وارد عمل شد. براین اساس، یکصد و هشتاد و دومین نشست شورای عالی هماهنگی ترابری کشور به ریاست وزیر راه و شهرسازی برگزار و با توجه به حوادث اخیر برای ناوگان مسافری در خاک ترکیه

مقرر شد سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای با صدور اطلاعیه مسیرهای جایگزین از طریق ارمنستان و جمهوری آذربایجان را معرفی کند. در این ارتباط، محمدجواد عطرچیان مدیرکل تعرفه و ترانزیت سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای گفت: سازمان راهداری از طریق وزارت امور خارجه در حال پیگیری صدور روادید برای کامیونداران ایرانی است تا مسیرهای جایگزین هم جذابیت بیشتری برای صاحبان کالا پیدا کند. عطرچیان با اشاره به اینکه سه مسیر جایگزین برای عبور کامیون‌های ترانزیتی ایران وجود دارد، ادامه داد: مسیر جمهوری آذربایجان، روسیه، بلاروس، بلغارستان، مسیر جمهوری آذربایجان، گرجستان، دریای سیاه، بلغارستان و مسیر ارمنستان - دریای سیاه و بلغارستان هم از دیگر مسیرهایی است که برای کامیون‌های ایرانی وجود دارد.

همچنین مسیر ارمنستان-گرجستان-دریای سیاه و بلغارستان به صورت چندوجهی در جریان ملاقات اخیر هیات‌های حمل و نقلی ایران و بلغارستان مورد توافق قرار گرفته است. این کریدور با عبور از کشورهای حوزه قفقاز به گرجستان متصل و از طریق عبور از دریای سیاه به کشور بلغارستان و در ادامه به کشورهای اروپای مرکزی و شمالی امتداد می‌یابد. این مسیر می‌تواند با توسعه کشتی‌های رو-رو در دریای سیاه و تسهیلات ویزایی جایگزین مسیر ترکیه شود. مقرر شده است پس از نهایه شدن سند در سال ۲۰۱۶ میلادی، این موافقتنامه به امضای وزای حمل و نقل کشورهای عضو رسیده و کریدور جدید فعال شود.

همانطور که در ماه های قبل شاهد بودیم وابسته بودن حمل و نقل به جاده های ترکیه برای رسیدن به اروپا به نوعی این بخش مهم اقتصادی کشور را هدف گروگان گیری های سیاسی از طرف دولت ترکیه قرار می دهد. پس لازم است مسیرهای جایگزین هر چند که در حال حاضر به لحاظ مزیت اقتصادی از مسیر ترکیه ضعیف تر هستند، با آینده نگری بیشتری مدنظر قرار گیرند تا در آینده نزدیک ما مسیر های متعددی برای رسیدن به مرزهای اروپا داشته باشیم.

گفتگو با محمد بایوردی، مدیر جدید پایانه مرزی نوردوز

نوردوز، در انتظار تحول

برای صحبت بعد از گشت و گذاری کوتاه در محوطه پایانه مرزی نوردوز یک راست سراغ رئیس پایانه، آقای بایوردی رفتیم. اتاقی در طبقه اول ساختمان، آقای بایوردی به گرمی میهمان ناخوانده را تحویل می‌گیرد و مصاحبه شروع می‌شود. ایشان اخیراً طرحی را در ارتباط با توسعه ترانزیت خارجی با عنوان «نوردوز گذرگاهی مطمئن» تدوین کرده‌اند. ابتدا در ارتباط با این طرح از ایشان سوال می‌کنم.

کارایی: آقای بایوردی با تشکر از میهمان نوازی حضرتعالی خواهشمندم در ارتباط با طرحی که اخیراً تحت عنوان «نوردوز گذرگاهی مطمئن» ارائه کرده اید، توضیحاتی بفرمایید.

بایوردی: بنده هم ضمن تشکر از موقعیت سنجی ماهنامه وزین کارایی و پیگیری بحث توسعه بخش ترانزیت استان می‌توانم بگویم که این طرح از زمانی در ذهن بنده شکل گرفت که ما شاهد کارشکنی‌های متعدد مسئولان ترکیه ای در مسیر ترانزیت بازرگان- ترکیه بودیم. این طرح مبتنی بر چند محور است که عبارتند از موقعیت جغرافیایی منحصر به فرد نوردوز به عنوان تنها مرز زمینی ایران با کشور ارمنستان که عضو مجموعه‌های اقتصادی منطقه ای متعدد مانند سازمان تجارت جهانی، اتحادیه گمرکی اوراسیا، دریای سیاه، گوم و جامعه اقتصادی اروپا است. وجود منطقه آزاد ارس و الحاق نوردوز به عنوان بخش منقل به این منطقه، و همچنین وجود تجارب تاریخی در منطقه در تجارت و حمل و نقل.

بر اساس محورهای پیش گفته ما طرح «نوردوز گذرگاهی مطمئن» را با کمک کارشناسان مجرب و متخصص تدوین کردیم و به مسئولین مربوطه منعکس نمودیم. در این طرح ما ضمن تشریح وضع موجود در زمینه حمل و نقل و برشمردن نقاط قوت و ضعف پیشنهادهای را برای رونق هر چه بیشتر بخش ترانزیت خارجی ارائه نموده ایم.

کارایی: آقای بایوردی از وضعیت موجود بخش ترانزیت در نوردوز برای ما بفرمایید.

بایوردی: متأسفانه در دوره تحریم ما شاهد افت آمار ترانزیت خارجی از این مسیر بودیم در حالی که قبل از تحریم، با توجه به نزدیکی منطقه نوردوز به ایروان نسبت به مرز گرجستان، کالاهای اساسی کشور ارمنستان از نوردوز ترانزیت می‌شد. اما در حال حاضر این کالاها از مرز گرجستان وارد ارمنستان می‌شود در حالی که قبلاً ما قریب به ۸۰ درصد از کالاهای اساسی ارمنستان را از این مسیر تأمین می‌نمودیم.

البته در موقعیت فعلی بخصوص در شش ماه نخست سال ۹۴ نسبت به سال ۹۳، ما شاهد افزایش پنجاه درصدی حمل و نقل مسافر با هفت هزار و پانصد دستگاه اتوبوس و سواری و حدود پانزده هزار کامیون کالا که دو هزار دستگاه از آن‌ها شامل ترانزیت خارجی است،

هستیم. همچنین در این مدت با افزایش تنوع کالاهای بارگیری شده و مقاصد ترانزیتی مواجه بودیم که به صورت کلی رشد قابل توجه بخش ترانزیت از مرز نوردوز را نشان می‌دهد.

کارایی: آیا کشور ارمنستان از توسعه مرادوات ترانزیتی با ایران استقبال می‌کند؟

بایوردی: بله چون این کشور با توجه به درآمدی که می‌تواند از بخش ترانزیت و مسافران ایرانی کسب کند، علاقه فراوانی به مرادوات گسترده با ما دارد. ارمنستان در مقایسه با ایران به جز در حوزه تأمین جاده‌های مناسب که به سبب هزینه‌های سنگین قادر به نوسازی آن نیست، در سایر حوزه‌ها از قبیل تجهیز پایانه‌های مرزی به سیستم‌های جدید و انجام تشریفات مرزی و تقلیل هزینه‌های ترانزیتی پیشرفته‌تر است. مثلاً ویزای طرف ارمنی برای بیست و یک روز با ده یورو صادر می‌شود در حالی که ویزای ایران برای ارمنی‌ها برای پنج روز چهارده یورو می‌باشد یا مجموعه هزینه‌های ترانزیت مسیر هشت هزار و پانصد کیلومتری نوردوز تا مرز روسیه و گرجستان در ولادی قفقاز، از قبیل حق توزین، بیمه کالا، حق اسکورت و حق ترانزیت در حدود ششصد دلار است که هزینه بسیار متعارفی می‌باشد. البته باید عرض کنم برای کامیون‌های به مقصد روسیه از ارمنستان در گرجستان نه هزینه‌ای دریافت می‌شود و نه از آنها بازرسی صورت می‌گیرد.

کارایی: یعنی می‌فرمایید ارمنی‌ها کاملاً آماده توسعه مرادوات در این بخش هستند؟

بایوردی: بله ارمنی‌ها نگاه شان به ایران نگاه آینده‌گرایانه و مطمئنی است و در تلاش هستند به سرعت سطح ارتباطات اقتصادی خود را با ایران افزایش دهند. یعنی در حال حاضر این ما هستیم که باید با یک برنامه ریزی صحیح از فرصت‌های موجود بهترین بهره‌برداری را داشته باشیم.

کارایی: به نظر شما مهم‌ترین مشکلات موجود برای توسعه ارتباطات اقتصادی با کشور ارمنستان بخصوص در حوزه ترانزیت چیست؟



بایوردی: ببینید در هر کار اقتصادی دو مقوله حائز بیشترین درجه اهمیت هست. یکی امنیت و دیگری هزینه. در بعد امنیت، کشور ما یکی از امن‌ترین کشورهاست اما در زمینه هزینه که شامل هزینه زمانی نیز می‌شود ما با ضعف زیرساخت مواجه هستیم. البته در کنار ضعف زیرساخت بایستی ضعف در قوانین و نبود وحدت رویه در مجموعه‌های دخیل در امر ترانزیت را نیز به آن اضافه کرد. اگر بخواهم بیشتر توضیح بدهم می‌توانم بگویم ما برای توسعه بخش ترانزیت از مرز نوردوز اول از همه نیازمند جاده‌های مناسب هستیم و با توجه به ناتوانی طرف ارمنی در تأمین جاده‌های منتهی به مرز ایران باید به فکر ایجاد زیرساخت‌های مواصلاتی در آن طرف مرز نیز باشیم. الان ما یک جاده مرزی پرپیچ و خم در این طرف مرز داریم و یک جاده طولانی و سخت در آن طرف مرز که لازم است به سرعت نسبت به بهبود این وضعیت به هر طریق ممکن اقدام کنیم. هر چند که در گردنه‌های خطرناک قاچاران شرکت‌های ایرانی در حال احداث تونل هستند اما این مسیر چهارصد کیلومتری از نوردوز تا ایروان باید به صورت کامل اصلاح شود.

علاوه بر بحث زیرساخت جاده‌ای ما برای توسعه ترانزیت یا ترانشیپ در پایانه نوردوز فاقد حداقل امکانات لجستیکی از قبیل انبارهای کالا، سکوها بارانداز، جرثقیل‌های تخلیه کامیونی، ایکس‌ری‌های جدید کامیونی، تأسیسات مجهز و کافی تأمین سوخت وسایل نقلیه سواری و باری و یا امکانات رفاهی-اقامتی مانند تیر پارک هستیم که البته برای تأمین تیر پارک آماده حداکثر مساعدت به سرمایه‌گذار بخش خصوصی می‌باشیم.

کارایی: شما علاوه بر ضعف زیرساخت به ضعف در قوانین و مدیریت هم اشاره کردید می‌شود بیشتر توضیح دهید؟

بایوردی: مثلاً در بخش انجام تشریفات رایج گمرکی متأسفانه گمرک جمهوری اسلامی نه تنها با اعمال بروکراسی شدید و پیچیده اداری تسهیل‌کننده امر ترانزیت نیست بلکه در برخی موارد مانند عدم تجدید به موقع بیمه نامه با شرکت‌های بیمه باعث معطلی بی مورد کامیون‌های در مرز می‌شود و این امر لاجرم هزینه‌های زمانی را به صاحبان شرکت‌های حمل و نقل و صاحبان کالا تحمیل می‌کند

کند و یا در بحث موازی کاری، گمرک نوردوز و گمرک جلفا شاهد بازرسی مجدد کامیون و یا اتوبوس بازرسی شده در نوردوز هستیم. این موضوع در کنار قانون محدودیت زمانی تردد در شب در جاده مرزی عملاً باعث می‌شود شهر جلفا از مسیر ترانزیتی حذف شود و رانندگان در میانه راه نوردوز - جلفا مسیر دشوار دیگری که به هادی شهر ختم می‌شود را انتخاب می‌کنند که حوادث گوناگون و تصادفات متعددی را در این جاده ناهموار شاهد بودیم. در حالی که این همه تبلیغات برای جلب گردشگر به شهر جلفا می‌شود اما به راحتی با ضعف مدیریت از سوی گمرک مسیر مسافران عوض می‌گردد.

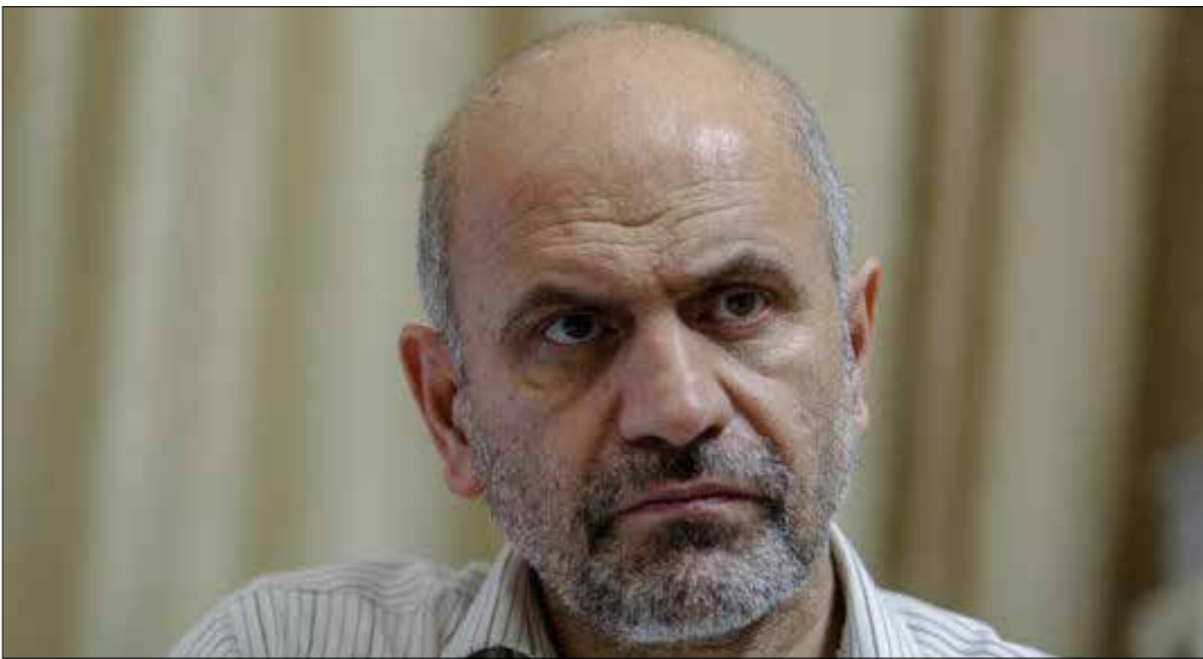
کارایی: یعنی شما می‌فرمایید هر کامیون یا اتوبوسی که از مرز رد می‌شود دوبار بازرسی می‌شود؟

بایوردی: بله یک بار در نوردوز و بار دیگر در جلفا و این موضوعی است که بارها مورد اعتراض قرار گرفته و از سوی گمرک عنوان می‌شود که چون دو بار وارد محدوده‌های نظارتی گمرک می‌شود قانوناً هر دوبار ما می‌توانیم اعمال بازرسی کنیم.

کارایی: منطقه نوردوز بخش منقل منطقه آزاد تجاری - صنعتی ارس است به نظر شما مزایای قانونی منطقه آزاد ارس چگونه می‌تواند در بخش رفع معضلات و مشکلات مورد استفاده قرار گیرد؟

بایوردی: قوانین منطقه آزاد ارس به طور کامل در نوردوز اعمال نشده است، اما مجموعه مدیریتی منطقه آزاد در تلاش است در وهله اول زیرساخت‌ها را تأمین کند که در این زمینه در حال تحدید حدود منطقه آزاد و جانمایی هستند. به علاوه منطقه آزاد با تخصیص زمین انبارهای عمومی می‌خواهد امکانات انبارداری را هم تأمین نماید و از همه مهم‌تر ارس در تأمین امکانات جاده‌ای داخلی به خوبی وارد شده است و به نظر ما با عنایت به ضرورت امر می‌تواند در تأمین جاده در ارمنستان هم سرمایه‌گذاری کند. در هر صورت اگر منطقه آزاد ارس به صورت کامل منطقه نوردوز را فعال نماید، به نظر می‌رسد بسیاری از مشکلات اداری و اجرایی قابل حل باشد.

متن سخنرانی منتشر نشده دکتر فرشاد مومنی، عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی



ارتقا سطح اندیشه و ایجاد بلوغ فکری در عرصه محیط زیست مسئولیت جدی جامعه دانشگاهی است

وقتی به تحول دیدگاه‌ها راجع به توسعه پایدار نگاه می‌کنیم متوجه میشویم که بحث به صورت کلی، ابتدا از حساسیت نسبت به ملاحظات زیست محیطی شروع شده و بعدها به تدریج و به صورت فزاینده‌ای این بینش پدید آمده که محیط زیست یکی از مولفه‌های نظام حیات جمعی است و بنابراین در دید توسعه پایدار این مساله مطرح شد که پایداری زیست محیطی هم‌تراز با پایداری در حوزه‌های اجتماعی اقتصادی و سیاسی است. بعد ها وقتی که خواستند ایده توسعه پایدار را به قلمرو خاص کشور های در حال توسعه تعمیم بدهند آنجا مفهوم آلودگی فقر صورت بندی شد یعنی در آنجا گفته شد که فقر هر چقدر که گسترش و تعمیق پیدا کند به موازات همه ناهنجاری‌هایی که در حوزه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی پدید می‌آورد منشاء به هم ریختگی های محیط زیستی هم می‌گردد. یک موقعی است که مساله را توصیف می‌کنید و روند های استفاده از منابع آب، خاک و روند تحولاتی که در مساله آلودگی اتفاق افتاده را بررسی می‌کنیم و می‌گوییم که روند ها نگران کننده است. در یک موقعیت دیگر می‌خواهیم از حوزه تحلیل مساله را ببینیم، بفهمیم و تلاش کنیم روی متغیر های بنیادی کار کنیم و اگر تمرکز سیاست گذاری را روی آن‌ها بگذاریم می‌توانیم به هدف برسیم. وقتی از این زاویه به شاخص های تحولات ایران نگاه می‌کنیم می‌بینیم که همه مولفه های سیاستی که نیروی محرکه فقر و فلاکت را برای مردم ایران ایجاد کرده است نیروی محرکه تخریب محیط زیست هم بوده است. درسال جاری چند هفته پیش بانک جهانی یک گزارشی ارائه داده است که در آنجا اشاره می‌کند استاندارد خط فقر معادل روزی یک دلار و بیست و پنج سنت است در فاصله سال هزار و سیصد و هشتاد و چهار تا امروز گستره جمعیت فقیر ایران با این استاندارد بیش از

چهار برابر افزایش پیدا کرده است بعد وقتی که می‌خواهیم با همین استاندارد شاخص های بین المللی را بررسی کنیم می‌بینیم و متوجه می‌شویم که مثلاً حتی تا سال هزار و سیصد و هشتاد و شش از منظر کیفیت و محیط زیست رتبه ایران در میان کشور ها بسیار پایین است با همه ملاحظاتی که مطرح میشود ما در سال دو هزار و هشت رتبه رتبه شصت و هفت را داشته ایم اما در سال دو هزار و دوازده رتبه ما صد و چهارده می‌شود یعنی یک سقوط بی سابقه در کیفیت محیط زیست در این ابعاد اتفاق افتاده و شما دقیقاً می‌بینید که در همین دوره شاخص هایی مثل فلاکت در اقتصاد ایران نزدیک به دو برابر افزایش داشته است. واقعیت این است که اقلیم در ایران اقلیم ویژه ای است و محدودیت های خاص خودش را دارد اخیراً یک گزارشی می‌خواندم که در آن ذکر شده بود چهل سال گذشته چیزی نزدیک به سی درصد کل زلزله هایی که در کل دنیا اتفاق افتاده در ایران بوده یا مثلاً در گزارش های رسمی کشور در ایران در گزارش فقر و نابرابری که از طرف وزارت رفاه منتشر شده به صراحت در هم تنیدگی مناسبات فقرزا با مناسبات بحران زا و تشدید کننده بحران در حوزه محیط زیست را می‌بینیم. مساله ای که امروز متأسفانه کمتر از انتظار مورد توجه واقع می‌شود. واقعیت این است که اقلیم در ایران اوضاع مناسبی ندارد. ایران جز ده کشور بلا خیز دنیا است و از چهل و دو نوع بلایایی طبیعی شناخته شده در جهان سی و دو نوعش در ایران فعال هست یعنی این معنایش این هست که مساله بقاء در ایران یک مساله خیلی حیاتی است و به یک سری مراقبت های بسیار ویژه ای نیاز دارد. حتی اگر ما تحلیل های باند مدت رو مورد توجه قرار دهیم با توجه به اون سقوط وحشتناکی که در کیفیت محیط زیست ایران بر اساس استاندارد های جهانی ملاحظه کردیم باید ببینیم که

بعد از سال هزار و سیصد و هشتاد و چهار ما چه کاری برای این امر کرده ایم؟ کلید بحث اینجاست که ما یک نظام تصمیم گیری و تخصیص منابع کوتاه نگر داریم، این یک وجه ماجراست و وجه اجرایی عملیاتی دیگر ماجرا اینجاست که از منظر سیاست گذاری از سال هزار و سیصد و هشتاد و چهار به بعد به طرز بی سابقه ای نظام تصمیم گیری به سمت رویه های علم گریزانه، قانون گریزانه و برنامه گریزانه رفته و ما با یک سری فاجعه های خیلی بزرگ در کل عرصه های حیات جمعی مان رو به رو شدیم. چند ماه پیش در همین جلسات که قطب علمی برگزار می‌کند بحث فروپاشی طبقه متوسط در ایران مطرح شد که همه با آثار آن سیاست ها روی معیشت مردم و چشم انداز های بسیار نگران کننده آینده کشور به اعتبار اینکه طبقه متوسط جدی ترین مطالبه کنندگان امور توسعه ای هستند مواجه شدیم از منظر اقتصادی سیاسی برداشت من این است ما در ربع قرن گذشته گرفتار یک اتحاد سه گانه منحوس شدیم در ایران این اتحاد سه گانه یک ضلعش نظام تصمیم گیرنده کوتاه نگر است شما می‌دانید که اقتصاد سیاسی رانتی در ذات خودش به عنوان یک اقتصاد سیاسی کوتاه نگر شناخته می‌شود ولی ابعاد کوتاه نگری در دوره هزار و سیصد و هشتاد و چهار به بعد یک طول و عرض بی سابقه ای پیدا کرده است شما عملکرد اقتصادی اجتماعی و زیست محیطی رو به طور هم زمان می‌توانید مشاهده کنید. یک ضلع دوم این سه گانه، نیروهای غیر مولد هستند رانت جویان، ربا خواران و آن هایی که از طرق فاسد می‌توانند منابع خودشان را حداکثر کنند به قیمت به فلاکت نگاهستن همه مردم وابسته کردن کشور و تحمیل پس افتادگی های بیشتر، ضلع سوم این اتحاد سه گانه را افرادی تشکیل می‌دهند که به صورت کلیشه ای و ترجمه ای به مسائل سیاست گذاری و اقتصادی نگاه می‌کنند پیوند این گروه سوم با این گروه اول در این است که این ها از جنبه نظری اساس نگرش خودشان را روی تعادل های لحظه ای و کوتاه مدت قرار داده اند و به شرحی که اشاره کردم با یک فرض غلط و مبتنی بر خطا فکر میکنند که تعادل های بلند مدت چیزی جز جمع تعادل های لحظه ای نیست. خب این اتحاد سه گانه در ایران از منظر اقتصاد سیاسی به همان اندازه ای که بر علیه عموم مردم و تولید کنندگان کار می‌کند هم به صورت سازمان یافته و هم بسیار پر سرو صدا بر علیه محیط زیست هم همان کار را می‌کند و بنابراین برداشت ما این است که چاره جویی هایی که باید اعمال کنیم از این مسیر باید عبور کند و ما باید خودمان مسئولیت قبول کنیم مثلاً ما به عنوان دانشجویان و دانشگاهیان رشته اقتصاد بیاییم و برای خودمان این ماموریت رو تهیه کنیم که یک بر خورد فعال با سیاست های تخریب گرانه در عرصه اقتصادی رو در دستور کار قرار دهیم توجه بفرمایید که از منظر اقتصاد سیاسی نقطه عطف سال هزار و سیصد و هشتاد و چهار به این طرف که این همه فاجعه برای کشور در عرصه های اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی به وجود آورده مولفه اصلی جهت گیری های خودش رو تکیه بر شوک درمانی گذاشته است و برای من بسیار جالب است که خوشبختانه جامعه ارزشمند ای صورت دادند که نشان می‌دهد آن چیزی که در اصطلاح جامعه شناختی ناهنجاری اجتماعی شناخته می‌شود بیش از هر چیز تحت تاثیر رویه های شوک درمانی می‌باشد وقتی که از این زاویه نگاه می‌کنیم می‌بینیم که مشابهت حیرت انگیزی در طرز برخورد این اتحاد سه گانه با مسائل مربوط به عموم مردم با مسائل مربوط به تولید کنندگان و مسائل مربوط به محیط زیست مشاهده میشود من رویکردی که آن‌ها به این مساله دارند را رویکرد رانتی صدقه ای می‌نامم، یعنی همانطور از طریق شوک درمانی بستر های خلق مشاغل مولد را در اقتصاد از بین می‌برند و بعد می‌گویند بک تور ایمنی طراحی بکنیم که شکل و شمایلش در ایران این شده که یارانه نقدی

بپردازیم و به این توجه نمی‌کنند که اگر این اتحاد سه گانه تحت تاثیر یک مطالبه جمعی و یک اراده همگانی قرار بگیرد بازتابش کمتر می‌شود و به جای اینکه فضای کلان اقتصاد را بی ثبات بکنیم، تولید کننده ها را از بین ببریم و انگیزه های سرمایه گذاران و مولد را نابود کنیم و بعد مثلاً صدقه بدهیم بیاییم عکس این رو عمل کنیم یعنی ثبات بخشی در فضای کلان و اعتماد دوباره تولید کنندگان را در دستور کار قرار دهیم و اثر عملکردش آنجا خواهد بود که حتی با استاندارد های پرداختی امروزی برای حداقل دستمزد کسی که فرصت شغلی پیدا می‌کند به طور متوسط بیش از پانزده برابر آن یارانه نقدی درآمد خواهد داشت ضمن اینکه احساس عزت نفس و احساس تعلق به محیط پیدا می‌کند و این باعث میشود که فرد سرنوشت خودش را خودش بسازد و جامعه بهتری شکل بگیرد و بنیه تولیدی ارتقا پیدا کند بنابراین من برای اینکه نهایت اختصار رو رعایت کنم باید بگویم آن هایی که کارهای بزرگ کرده اند در حوزه توسعه در کلی ترین حالت می‌گویند اگر قرار است نجات پیدا کنیم باید کاری بکنیم که حضور اجتماعی اقتدار های مبتنی بر علم از اقتدار های مبتنی بر پول و زور پیشی بگیرد یعنی کاری کنیم که در امور تخصصی علم فصل الخطاب باشد این همان مسئولیت همگانی و یک مساله حیاتی عمومی است که باید برای خودمان طرح کنیم و تلاش کنیم و در یک فضای رانتی که اجازه شکل گیری و سامان یابی جامعه مدنی قدرتمند در آن داده نمیشود، دانشکده های تخصصی این خلاء را پر بکنند و از این زاویه برای ما به عنوان دانشگاهیان یک مسئولیت جدی وجود دارد. همانطور که بخش کشاورزی و روستایی ما با رویکرد های صدقه ای و ترحمی حل و فصل نمیشود ما باید به زبان علمی مشخص کنیم و به حکم اینکه این قشر صدایی ندارند و یا تشکلی ندارند نباید آن‌ها را نادیده بگیریم این آثار و عوارضش در پانزده بحران حاد بر سر مسائل توسعه ملی قرار می‌گیرد مثل بحران آمایش، بحران حاشیه نشینی شهر ها، بحران محیط زیست. که محیط زیست مساله بقاء است در ادبیات توسعه گفته می‌شود که چون فقر و محیط زیست و زنان سرپرست خانوار صدایی در مراکز تصمیم گیری ندارند معمولاً به حاشیه قرار می‌گیرند و نادیده گرفته می‌شوند و کشور در معرض بحران های گوناگون قرار می‌گیرد ما باید این صدا رو بلند کنیم وقتی به محیط زیست توجه نمی‌کنیم در مقام جبران ما به عنوان دانشگاهیان وظیفه خود را انجام نمی‌دهیم حق نداریم دیگران را مواخذه کنیم من فکر می‌کنم این رویکردی است که با موازین اخلاقی و دینی هم نزدیکی بیشتری دارد و باید امیدوار باشیم که همه هم قسم شویم که جدی تر و مسئولانه تر با مسائل کشورمان برخورد کنیم و بعد از سهم خودمان از دیگران هم مطالبه کنیم و بخواهیم که دیگران هم مسائل رو عالمانه تر حل و فصل کنند و اینگونه نباشد که اگر کوچکترین نگاه جدی به منافع گروه های رانت خوار، ضد توسعه، رباخوار و فاسد اتفاق می‌افتد به یک باره هزاران برنامه و مقاله منعکس شود ولی وقتی این همه تعرض به محیط زیست و منافع فقرا و آینده توسعه ملی میشود اصلاً صدایی شنیده نشود امیدوارم که محصول این جلسه این باشد که به شرحی که اشاره کردم مسائل کشور را مسائل خودمان بدانیم و این بلوغ فکری را هم داشته باشیم که اگر مسائل سطح توسعه کشور به سامان شد آنوقت زندگی ما بهتر خواهد شد ولی اگر بخواهیم رویه های کوتاه مدت رو مد نظر قرار دهیم کمک خواهیم کرد که اوضاع نابسامان تر بشود.

برداشت من این است که ارتقا سطح اندیشه و ایجاد بلوغ فکری در این عرصه ها مسئولیت جدی جامعه دانشگاهی و همه کسانی است که با حوزه اندیشه سروکار دارند.



دولت‌هایی که سرزمین آنها به آرامی زیر آب می‌رود تغییرات زیست محیطی و موج جدید پناهجویان

نویسنده: باتریک سایکس
مترجم: الناز علیزاده اشرفی

نوع جدیدی از بحران مهاجرت در راه است. اما برای این بحران، دیگر نه نمی‌توان در پی مقصری نظامی بود و نه خطر جنگ مسبب فرار آوارگان است. این آوارگان از دست طبیعت و به ویژه از دست اقیانوس در حال فرار هستند. تفاوت این آوارگان با آوارگان جنگی این است که برای این عده دیگر بازگشت به خانه متصور نیست. مرتفع ترین نقطه اقیانوس آرام تووالو، کشوری جزیره‌ای در اقیانوس آرام، تنها پانزده فوت بالاتر از سطح دریا قرار دارد. در طول جزر و مد، کل این سرزمین به طور موقت در آب غوطه‌ور می‌گردد. مرتفع ترین نقطه در مالدیو، کشوری که محصور در آب سنگ‌های مرجانی اقیانوس آرام است، نیز کمتر از هشت فوت از سطح دریا ارتفاع دارد. دانشمندان پیش‌بینی می‌کنند که توالو طی پنجاه سال آینده ناپدید خواهد شد و مالدیو نیز طی سی سال آینده به سرنوشتی مشابه دچار می‌گردد. زمانی که این جزایر غیر قابل سکونت شوند جزیره‌های واقع در همسایگی نیز به تدریج به چنین سرنوشتی دچار خواهند شد و این موضوع زندگی حدود ده میلیون نفر که در کل جزایر اقیانوس آرام زندگی می‌کنند را تحت تاثیر قرار می‌دهد. تنها در مالدیو، که یکی از این جزایر است، سیصد و چهل و پنج هزار نفر زندگی می‌کنند. البته حرکت آرام موج‌ها چیزی نیست که به اندازه سیل پناهجویانی که وارد اروپا می‌شوند، توجه رسانه‌ها را به خود جلب نماید، اما استعاره ای است از موج‌هایی که به آرامی ما را در بر می‌گیرند. واقعیت این است که از میان رفتن کل قلمرو یک کشور و زیر آب رفتن آن دقیقاً به اندازه موج پناهجویان فعلی فاجعه‌بار خواهد بود.

در قلمرو اقیانوس آرام، چندی است که تخلیه جزایر که با لفظ بسیار ملایم نقل و انتقال جمیعت از آن یاد می‌شود، آغاز شده است. نیوزیلند با اعطای مجوز ورود و کار سالانه برای هفتاد و پنج نفر از شهروندان تووالو موافقت کرده است اما استرالیا با انجام امر مشابه مخالفت می‌کند و دست‌رد به سینه پناهندگان زیست محیطی زده است. در حدود پنجاه و هفت درصد از سامسون‌ها و چهل و شش درصد از تونگان‌ها خارج از زادگاه خود و عمدتاً در نیوزیلند زندگی می‌کنند. هم‌زمان، ایالات متحده آمریکا، به شهروندان جزایر مارشال اجازه داده است تا در سواحل این کشور بدون ویزا زندگی و کار کنند و همین‌طور فیجی نیز قول داده تا در صورت نیاز، پناهندگان زیست محیطی را از جزایر کییبانی قبول نماید.

اگر چه در صورت وقوع مهاجرت جمعی، می‌توان جمعیت را در جایی دیگر اسکان داد اما این کار به تنهایی از عهده دولت‌ها خارج است. افراد در صورتی که کشورشان زیر آب برود، بی‌وطن می‌شوند. حتی کسانی که تابعیت کشوری دیگر را دریافت می‌کنند، نیز در نهایت بی‌خانمانی خود را احساس خواهند کرد. ماهیگیران تووالوئن یا راهنمایان مالدیوی نور، نمی‌توانند حتی پس از استقرار در یک مکان دیگر به سادگی همان روال سابق را ادامه دهند. برخی از تووالوئن‌ها و نائوروئن‌ها طرح‌های اسکان مجدد نیوزیلند را رد کرده‌اند. آنان علاقه‌ای به مهاجرت به یک کشور دیگر و به تبع آن برچسب پناهنده خوردن را ندارند رها کردن و ترک کشور توسط شهروندان، باعث می‌شود تا حاکمیت‌ها به بخش‌های وابسته

تبدیل شوند. شاید این موضوع به خودی خود برای پایان بخشیدن به غفلت از فجایع زیست محیطی و درک اهمیت آن از جانب دولت‌ها کفایت کند.

مشکل این است که راه‌های جایگزین زیادی وجود ندارد. دولت-ملت‌ها ممکن است فروپاشند، اما از میان نمی‌روند. زمانی که این واحدهای سیاسی از میان برداشته می‌شوند، تمایل به جذب شدن در سایر دولت‌ها و یا بوجود آوردن واحد سیاسی جدید در جایگاه جدیدی وجود خواهد داشت. نمونه‌ای از این مساله را می‌توان در مورد فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی یا تمایل به ضمیمه شدن جمهوری‌های سابقاً مستقل در قالب ایالات متحده نوظهور می‌توان یافت. با این که چشم‌انداز از دست رفتن قلمرو فیزیکی یک دولت به طور کامل و برای همیشه و به تبع آن تغییر مکان کلی اهالی آن کشور بسیار خطرناک است اما مساله‌ای است که به طور روزافزون در حال تحقق می‌باشد.

آیا می‌توان یک دولت که عرصه فیزیکی آن غرق شده و زیر آب رفته است، را هنوز یک دولت اطلاق نمود؟ یکی از شرایط معمول برای تبدیل شدن به دولت، براساس مفاد تدوین شده در توافق مونته‌ویدئو در سال هزار و نهصد و سی و سه، وجود قلمرو یک پیش‌شرط و پیش‌نیاز اساسی است. وجود جمعیت مقیم دائمی، حکومت، وجود ظرفیت برای ایجاد ارتباط با سایر دولت‌ها هم از دیگر شروط تبدیل شدن به دولت عنوان شده است. یکی از نمودهای اهمیت آن موضوع، حکم قضائی یک دادگاه در سال هزار و نهصد و بیست و هشت و در ارتباط با یک مناقشه ارضی میان ایالات متحده آمریکا و هلند بر سر مالکیت جزایر پالماس بود که براساس آن حکم دولت‌ها نمی‌توانند جدا از قلمرو خود باشند.

و اما در مورد شهروندان چطور؟ کشورهای میزبان می‌توانند به خوبی در رابطه با اینکه مهاجرانی که تصمیم به پذیرش آنها گرفته‌اند، چه کسانی هستند، تحقیق کنند اما اگر کشور مادر آنها از بین برود، چه کسی مسئولیت تمام و کمال زندگی و امور این شهروندان را بر عهده خواهد گرفت؟ این مهاجران به طور موقت به شهروندانی بی‌دولت تبدیل خواهند شد و حتی چنانچه واجد پاسپورتی برای نشان دادن ملیت اصلی خود باشند، نیز از حمایت دولت متبوع خود برخوردار نخواهند بود. اما مساله این است که تاکنون بسیاری از کشورها وظایف حمایتی خود در قبال پناهندگان که در کنوانسیون سال هزار و نهصد و پنجاه و یک سازمان ملل آمده است، را به طور رسمی تأیید نکرده‌اند همچنین بحران جاری پناهجویان نیز نشان می‌دهد حتی آنها هم که زیر بار این تعهدات رفته‌اند، از تعهدات خود شانه خالی کرده‌اند.

بسیاری از این جزایر در معرض ریسک که خود را برای بدترین شرایط حاضر می‌کنند، در حال شناسایی و آزمون راه حل‌های اسکان مجدد و تلاش برای رساندن صدای خود برای انجام اقدامات مقتضی در خصوص تغییرات اقلیمی هستند.

با این وجود، مالدیو، با دفاع تمام‌عیار از حقوق خود از ثروت طبیعی این کشور با هدف احیای اراضی کشاورزی، دست به احداث جزیره مصنوعی هولوهمال زده است. شرکت توسعه مسکن در این کشور برای احداث برای فاز اول پروژه این مجمع‌الجزایر باشکوه

البته حرکت آرام موج‌ها چیزی نیست که به اندازه سیل پناهجویانی که وارد اروپا می‌شوند، توجه رسانه‌ها را به خود جلب نماید، اما استعاره‌ای است از موج‌هایی که به آرامی ما را در بر می‌گیرند. واقعیت این است که از میان رفتن کل قلمرو یک کشور و زیر آب رفتن آن دقیقاً به اندازه موج پناهجویان فعلی فاجعه‌بار خواهد بود.



اما کم‌وسعت، چیزی حدود سی و شش میلیون دلار هزینه نموده و برآورد می‌شود که برای اتمام فاز دوم آن رقمی در حدود پنجاه میلیون دلار مورد نیاز باشد. مساله این است که برای بسیاری از جزیره‌های کوچک دیگر که در شرایط تهدید آمیز قرار دارند، مصرف چنین هزینه‌هایی اساساً مقدر نمی‌باشد.

برخی از کارشناسان حقوقی، پیشنهاد می‌دهند برای کشورهایی که با تهدید از دست دادن موجودیت مواجه هستند، فارغ از اراضی از دست رفته، مرزهای دریایی به صورت دقیق ترسیم گردد و دولت مربوطه حتی در صورت غرق شدن همچنان حقوقی نسبت به آب‌های که آن را دربر می‌گیرد داشته باشد. در غیر این‌صورت به نظر می‌رسد بهترین گزینه‌ای که باقی می‌ماند، بازاندیشی در خصوص ماهیت و کارکردهای خود دولت است. شاید بتوان وجود پیش‌شرط سرزمین را برای دولت حذف کرد. در این میان شاید حاکمیت‌های بدون قلمروی همچون واتیکان و انجمن پادشاهی

نظامی هاسپیتالر سنت جان استناد کرد هر دو کارکردهایی مشابه با کارکردهای سرزمین‌های واجد قلمرو دارند و همچنین بدون فراهم نمودن خدمات یا امنیتی که از یک دولت-ملت انتظار می‌رود، از موقعیت بین‌المللی نیز بهره می‌برند. حتی دولتی که اراضی آن به زیر آب رفته است، نیز همچنان امید دارد به نحوی از انحاء به حیات خود تداوم بخشد. شاید یکی از راه‌های این تداوم، برون‌سپاری کارکردهای اساسی خود به سایرین است. البته در چنین شرایطی نقش دولت مذکور به یک نظاره‌گر تقلیل خواهد یافت و طبیعی است که سیاستگذاری چنین دولتی صرفاً به حمایت از شهروندان پراکنده شده خود محدود خواهد شد. همچنین چنین دولتی منابع و قدرت کافی برای بسیج متحدان را حتی برای اهداف نه‌چندان بااهمیت نخواهد داشت.

به نظر می‌رسد مفاد و اصول حقوق بین‌الملل که در آن پیش‌فرض بر تداوم دولت در معنای حاکمیتی و سرزمینی و ثبات در مرزهای دریایی است، بایستی مورد بازاندیشی جدی قرار گیرد. سوبه این بازاندیشی بایستی به سمتی باشد که در آن راهی برای ابقای دولت‌های در حال محو شدن که سرزمین، قلمرو، خدمات، حق بهره‌برداری از منابع آنها همه از دست رفته است، پیدا شود. در صورت یافتن راهی برای ابقای این دسته از کشورها نیز، پناهجویان زیست محیطی صرفاً یک شهروندی توخالی به دست خواهند آورد که هیچ مزیت دیگری برای آنان ندارد. در بدترین حالت، آنها شهروند هیچ جایی در این کره خاکی نخواهند بود. برای دولت‌هایی که ابزارهای لازم برای ایجاد جزیره‌های جدید و یافتن راه حل‌های مهندسی شده را دارند، جهان بایستی راه حلی برای تناقضات حقوقی که مانع ایجاد واحدهای جغرافیایی و سیاسی مصنوعی می‌گردد بیاید و برای کسانی که هیچ گزینه دیگری به غیر از فرار ندارند، نیاز به کمک بیشتری برای بازیابی مکان و انسجام یافتن دوباره مورد نیاز است.

پذیرفتن پناهجویان به تنهایی کفایت نمی‌کند. چنانچه هیچ امکانی برای بازگشت این عده متصور نباشد، آنها نیازمند به رسمیت شناخته شدن شناسه‌های فرهنگی و نقش جهان پیرامونشان در دوران تبعید آنان هستند.



انتخابات و ایدئولوژی سیاسی گروه‌ها

[آصف حاجی زاده]

همه ی ما به عنوان عضوی از جامعه هر بار که در آستانه ی انتخابات قرار می گیریم با تحلیل ها، تأمل ها و تردیدهایی مواجه می شویم. هر شخصی از منظر منافع، مصالح و مقصود خود وصف ها، تحلیل ها و تفسیر های خویش را ارائه نموده و مواضع فردی و گروهی خود را بیان می دارد. تا جایی که عده ای به طور قطع مسیر و تکلیف شان را با انتخابات مشخص کرده و در هر شرایطی ورود به انتخابات و دادن رأی را تکلیف دینی و وظیفه ی شهروندی خود می دانند. این دسته از افراد در امتداد تحلیل های نمایندگان اجتماعی و سیاسی مورد نظر خود حرکت کرده و منتظر لیست کاندیداهای انتخاباتی خویش می شوند. در مقابل؛ عده ی زیادی از افراد جامعه هستند که با تأمل و گاهی با تردید به مسئله ی انتخابات نگریده و سوالاتی را در ذهن خویش و عرصه ی عمومی مطرح می سازند. به عبارتی این افراد یا همان «رأی دهندگان» از اینکه «منتخبین» در گذشته به وعده های انتخاباتی خود - که همانا تأمین بخشی از «حقوق واقعی» و قانونی مردم است- عمل نکرده اند ناراضی بوده و امید ی به طرح انتظارات جدید که شامل تأمین «حقوق حقیقی» شان باشد و به گونه ای زندگی آنها را متحول کند، ندارند. لازم به ذکر است که منظور از «حق واقعی» آن دسته از حقوقی است که در قوانین، شریعت و عرف پذیرفته شده است و «حق حقیقی» شامل حقوق ناشی از دستاوردهای جدید بشری مانند داشتن تکنولوژی هسته ای و همچنین تعاریف حقوقی است که امکان رهایی انسان ها از ظلم، ستم، استثمار و سایر را فراهم می کند.

با گذر از انتخابات؛ میزان «بی اعتمادی» نسبت به منتخبین افزایش یافته و این حس در دراز مدت آثار خود را در سطح «اعتماد به نفس» رأی دهندگان نیز ظاهر می سازد. گرچه تاکتیک ها و تکنیک های تبلیغاتی انتخاباتی از یک طرف و «دوقطبی سازی» جامعه از سوی بر خی گروه ها و جریان های سیاسی از طرفی دیگر؛ سبب کشیده شدن بخشی از این افراد مردد به پای صندوق های رأی می شود ولی در مجموع باید به خاطر داشت که رسوب لایه های بی اعتمادی می تواند در مقاطعی از مراحل سیاسی به بحران های رضایتمندی و مقبولیت منجر گردد. بنابراین ریشه یابی علل بوجود آمدن یأس های انتخاباتی به منظور جلوگیری از بروز آسیب های رفتاری، سیاسی و روانی انتخابات و همچنین اثرات سوء آن بر روی شخصیت رأی دهندگان، ضرورت می یابد.

هدف گرای بجای فرایندنگری

در اغلب موارد، مردمان، واقعیت های در دسترس را به «واقع نگری به زندگی» ترجیح می دهند. قابل ذکر است که در اکثر مواقع رفع نیازهای روزمره ی مردم اساس

در وضعیت دوقطبی متصلب تثبیت نموده و پتانسیل رودرویی سیاسی را در درون نظام سیاسی روز به روز افزایش می دهد.

مردم سالاری، برپایی عدالت و فرهنگ سازی در واقع مکانیزم هایی هستند که در یک فرایند طولانی جهت تأمین حقوق واقعی و حقیقی مردم و دولت ها معنا می یابند؛ در غیر اینصورت این مفاهیم بعنوان ابزارهایی برای دو قطبی سازی جامعه و گزینه هایی فی نفسه به عنوان هدف غایی، مورد استفاده ی سودجویان و قدرت طلبان قرار خواهد گرفت. بایسته است بخاطر داشت که تقلیل هر یک از این مکانیزم ها به سطح مصادیق فردی و گروهی بعنوان هدف آنی و یا بعنوان تنها متولی این مکانیزم ها، در حقیقت جفای به این مفاهیم و حرکتی در خلاف اقدام صادقانه سیاسی خواهد بود.

در سایه دوقطبی گری، اپوزوسیون هم برای خود خواب و خیال هایی می بیند و در سایه ی دو قطبی شدن جامعه، تمامی ظرفیت های خود را برای ایجاد رودرویی قطب های سیاسی جامعه بکار می گیرد و با نشان دادن رهبری قطب مردم، در خارج از مرزها، روند «الترناتیوسازی» برای نظام را در پیش می گیرد. در روند دو قطبی گری و آلترناتیوسازی انتظارات مردم از مسائل، مشکلات و نیازهای موجود و واقعی منحرف گشته و به انتظارات آرمانی، ایدئولوژیک و انقلابی گری معطوف می شود. بدیهی است که پایان انتظارات آرمانی رمانتیک و رودرویی ها، به بن بست های سیاسی منتهی گردیده و جز سر خوردگی و یأس، دستاوردهای دیگری برای مردم و انتخاب کنندگان نخواهد داشت.

گفتمان ها موضوعی درون ایدئولوژی - نه ایدئولوژیک - است

«ایدئولوژی» رویکرد معرفتی مصروف به حوزه ی تجویز و خط و مشی سازی است که بیشتر به ذهنیت سامان بخش واقعیت تأکید دارد. از طریق ایدئولوژی جلوه های جدیدی از حقیقت (گوهر وجود) و یا واقعیت (ذات وجود) در ذهن نمایان می شود. ایدئولوژی تجلی اثرگذاری رهیافت معرفتی بر محیط است یعنی ایدئولوژی می تواند حقیقت ساز و واقعیت ساز باشد. به عبارتی ایدئولوژی، تئوری های معطوف به عمل را در اختیار «استراتژی» های برگزیده شده قرار می دهد و استراتژی ها بر مبنای تئوری های ایدئولوژی اقدام به «عمل» می کنند. «ایدئولوژی ها» سامان بخشی اقدام به مقتضای هدف را بر عهده داشته و «استراتژی ها» سامان بخشی اقدام به مقتضای تأکید بر امکانات و شرایط محیطی را عهده دار هستند.

در واقع ایدئولوژی حاوی تلفیق تئوری با عمل جهت حصول به مقصد است که با «ایدئولوژیک» که خطایی شناختی است تمایز خاصی دارد. ایدئولوژی از تلفیق سه محتوای بینش فلسفی برای تغییر، علم و پایداری عاشق گونه (اعتقاد) برای نیل به نتیجه؛ ناشی می شود. ایدئولوژی داشتن صفتی مثبت است و برداشت های او تجلی دریافت های آگاهانه ای است که به آن اصول گرایی می گویند. البته گروه هایی وجود دارند که خود را اصول گرا می نامند ولی رفتارهای سیاسی «فرقه ای» آنها با اصول گرایی مورد نظر در این تحلیل هیچگونه ارتباطی نداشته و رفتارشان با عنوان انتخابی آنها، در تناقض آشکار است. در واقع نمی توان این نوع احزاب و گروه های سیاسی را اصول گرا نامید. بلکه این گروه ها بیشتر ایدئولوژیک هستند و ایدئولوژیک بودن به عکس العمل نسنجیده ای گفته می شود که تحت تأثیر گرایش های حسی-غریزی یعنی حبّ و بغض از انسان صادر می شود. به بیان روشنتر نسبت به محیط پیش داوری

ناآگاهانه داشته و برداشت او تجلی گرایشات عاطفی (درونی) است. ایدئولوژیک بودن خصلتی منفی است که «جزمیت شناختی» را جای «جزمیت اعتقادی» نشانده و کورگورانه آن را به عمل می کشاند. ایدئولوژیک بودن را «بنیادگرایی» نیز می نامند. پس از گذشت چهارده قرن از ظهور و دولت داری های «اسلامی» و تلاش رهبران و روشنفکران اسلامی معاصر در راستای جمع بندی و معرفی «ایدئولوژی اسلامی» ملهم از منابع غنی فلسفی، علمی و تجربی در عرصه های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، هنوز در بین مسلمانان بسیاری در تلاشند تا از تلفیق ایدئولوژی های ادیان و مکاتب غربی و شرقی با اسلام مکاتب جدیدی به مسلمانان معرفی نمایند. در حالیکه در غرب چه در سطح ادیان و چه در سطح دولت ها غالباً از ایدئولوژی واحد تبعیت گردیده و تلاش احزاب، گروه ها و جریان های سیاسی از طریق ایجاد «گفتمان» ها بیشتر مصروف معرفی «استراتژی های کارآمد» درون ایدئولوژی هاست.

با دقت بیشتر کاملاً مشخص است که گفتمان ها یعنی تلاش های رویکردی برای یافتن بهترین استراتژی، در پی ظرفیت سازی درون ایدئولوژی ها می باشد. در حالیکه در دنیای اسلام طرح و تأکید بر گفتمان بیشتر معطوف به آلترناتیوسازی برای ایدئولوژی اسلامی است و در این میان ظهور بنیادگرایی های سیاسی، مذهبی و فرقه ای از نباید خارج از این مسئله تحلیل نمود. متأسفانه در کشور ما هم - دانسته یا ندانسته- بسیاری از فعالیت های در حوزه رویکرد معرفتی، نه در سمت و سوی معرفی استراتژی های برتر برای حصول اقتدار ملی، منطقه ای و جهانی مسلمانان، بلکه بیشتر در راستای شکل دادن به اندیشه های افراطی دو قطبی گری و آلترناتیو ساز برای ایدئولوژی اسلامی است. به نظر می رسد رقابت های گروه های سیاسی درون کشور اگر در راستای ایدئولوژی واحد نباشد و گفتمان های درون ایدئولوژی فضای رقابتی برای حضور کارآمدترین استراتژی را ایجاد نکند در انصورت ظرفیت ها، امکانات و شرایط مطلوب محیطی در اختیار منافع، مصالح، عزت و آرمان های حقیقی مردم قرار نخواهد گرفت. در حالیکه عملکرد دولت های غربی، روسیه، چین، ترکیه و سایرین نشانگر آن است که نقش جمعیت های یک کشور از مرزهای سیاسی دولتی و حتی منطقه ای فراتر رفته است و کسانی که واقعیت های امروزی و حقیقت های آنی را در نمی یابند از غافله ها عقب خواهند ماند. کسانی که انتخابات را فرصت های شخصی تلقی نموده و یا حداقل در محدوده ی سیاسی گروه خود ارزیابی می کنند باید متوجه باشند که از لحاظ استراتژیک در خطاهای فاحشی بسر می برند. چراکه نگاه بدبینانه ی «برخورد تمدنی» و نگاه خوشبینانه ی «گفتگوی تمدنی» جای خود را به تحلیل «رقابت ها و کشمکش های تمدنی، گروهی و مذهبی» داده است.

بنابراین مسئله ی اساسی در حال حاضر اهمیت هدف گذاری از جانب ایدئولوژی ها در سامان بخشی به واقعیت های منطقه ای و جهانی است. تحلیل و ارزیابی انتخابات بدون توجه به فاکتورهای تأثیر گذار در عرصه ی منطقه ای و بین المللی چندان سودمند نخواهد بود. همچنین باید به خاطر داشت که اصلاح گرایی امری درون ایدئولوژی است و از طریق اقتدار سیاسی در یک جامعه بوجود می آید. «اصلاح» معطوف به تغییر کارکردهاست و تئوری های معطوف به ساختارگرایی با اصل اصلاح در تناقض بوده و بجای بهره گیری از ظرفیت های اقتدار سیاسی برای اصلاح کارکردها، سبب واکنش های دفاعی خواهد شد. به بیانی روشنتر؛ گفتمان استراتژیک برای اصلاح تبدیل به ایدئولوژی آلترناتیو خواهد شد.



هدف اصلی تشکیل خانه مدیران

توسعه و تداوم یادگیری (Life Long Learning)



اعضای خانه مدیران

مدیران عامل، اعضای هیات مدیره، معاونین مدیرعامل، مدیران کل، مدیران ارشد شرکت های دولتی و خصوصی

کارآفرینان، نخبگان، صاحب نظران، اعضای هیئت علمی دانشگاه ها و مراکز علمی

پژوهشگران، دانشجویان دکتری مدیریت

دانشجویان و دانش آموختگان تحصیلات تکمیلی سازمان مدیریت صنعتی

دانشجویان و دانش آموختگان دوره های تخصصی سازمان مدیریت صنعتی

کارشناسان و مشاوران حرفه مدیریت



گزارشی از افتتاح رسمی خانه مدیران سازمان مدیریت صنعتی آذربایجان شرقی

در روز هفتم آبان ماه هزار و سیصد و نود و چهار، خانه مدیران سازمان مدیریت صنعتی نمایندگی آذربایجان شرقی با حضور مدیران رده بالای استان و همچنین برخی از اعضای به طور رسمی افتتاح شد. در این جلسه پس از ارائه برخی سخنرانی ها در رابطه با هدف ها و ماهیت خانه مدیران، همفکری های لازم در راستای پیمودن ادامه این مسیر صورت گرفت. براساس آنچه متولیان خانه مدیران بیان می کنند، هدف از ارائه این خدمت توسط سازمان مدیریت صنعتی آذربایجان شرقی،

توسعه و تداوم یادگیری می باشد و برای نیل به این هدف، مقرر است نشست های مختلفی با حضور صاحب نظران، اساتید و مسئولین اجرایی برگزار گردد، همچنین تشکیل کارگروه های منابع انسانی، تشکیلات و مدیریت بازار، ایجاد فرصت های لازم جهت گردهمایی، تبادل نظر و تجربه در فرصت های فراغت از کار، برگزاری برنامه بازدید از پروژه های ملی و برگزاری برنامه های فرهنگی - هنری برای اعضای و خانواده ها از دیگر برنامه های آن می باشد.



سخنرانی آقای انگورج مدیر ارتباطات و امور مشتریان سازمان مدیریت صنعتی تهران و رئیس سابق خانه مدیران تهران



خبر مقدم عرض می‌کنم خدمت مدیران محترم، اعضای خانه مدیران و میهمانان ارجمند بسیار خرسندم که امروز پنجشنبه هفتم آبان ماه هزار و سیصد و نود و چهار در مراسم باشکوه افتتاح خانه مدیران سازمان مدیریت صنعتی نمایندگی آذربایجان شرقی در خدمت شما هستم جا دارد در ابتدا تشکر ویژه داشته باشم از سرکار خانم خیراور و تیم همراهشان که در این استان برای انجام این کار عظیم قدم برداشتند. به خاطر می‌آورم زمانی که جناب آقای ماهاتیر محمد به ایران تشریف آورده بودند از قبل فعالیت های خانه مدیران سازمان مدیریت صنعتی را رصد کرده و پیگیر بودند و در بازدید هاشان تاکید داشتند که حتماً از خانه مدیران سازمان مدیریت صنعتی بازدید کنند. همانطور که مستحضرد خانه مدیران سازمان مدیریت صنعتی تنها نمونه موفق در کشور می‌باشد. و می‌توانم به جرات بگویم که کشورهای کمتری هستند که خانه مدیران دارند و خدا رو شکر می‌کنم که کشور عزیزمان ایران هم به این مقوله بزرگ قدم برداشت و به همت نمایندگی آذربایجان شرقی هم، این اتفاق برای این استان هم در حال رخ دادن است. در خدمت شما صحابه علم و عمل هستم تا در خصوص معرفی یکی از پرطرفدارترین بخش های سازمان مدیریت صنعتی که در سطح مدیران ارشد و میانی بنگاه ها و سازمان های دولتی و خصوصی ارائه خدمات می‌نماید اطلاعات جامع تری را به استحضارتان برسانم. سازمان مدیریت صنعتی با بیش از نیم قرن تجربه در عرصه مدیریت به عنوان یک سازمان دانش محور و پویا دارای سبندی از محصولات متفاوت در ارائه خدمات مدیریتی در کشور است که یکی از پرطرفدارترین بخش های آن خانه مدیران می‌باشد. در این قسمت به نظر رسید که ضرورت تشکیل خانه مدیران را با یک نگاه تاریخی اجتماعی تصویر کنم. اگر به تاریخمان در ایران برگردیم هزاران سال است که به کار شبانی، کشاورزی، پیشه‌وری و صنعت مشغول بوده ایم و پیشینه مردم عزیز ما ایران به این سمت بود که پس از فراغت از محیط های کاری خود مثل مزارع و حفر قنات قبل از ورود به محیط گرم خانوادگی می‌توانستند به محلی به نام قهوه خانه مراجعه کنند. در قهوه خانه متناسب با ادبیات آن زمان نقالی و شاهنامه خوانی هم وجود داشته است. خود شاهنامه خوانی و ادبیات داستانی و حماسی نقش مهمی در جدا کردن مردم از حالت کار و در عین حال انتقال فرهنگ

و ادب داشت بنابراین قهوه خانه نقش واسطی را داشتند تا افراد یک مرتبه از محیط کار به محیط عاطفی خانه وارد نشوند. ورود یکباره از محیط کار به محیط خانه باعث می‌شود که آخرین حالات چهره، روان، ذهن و خلاصه تمام تنش هایی که در طول روز در وجود فرد انباشته شده است به محیط خانه منتقل بشود. زمانی که سازمان می‌خواست خانه مدیران سازمان مدیریت صنعتی را ایجاد بکند تحقیق کرد و دید که امروزه چنین کارکردی در نقش قهوه خانه واقعاً در جامعه ما غایب است یعنی کارها و جلسات مدیران گاهی تا پاسی از شب و یا در مسیر خانه با چند تلفن کاری و گاهی هم در منزل ادامه پیدا می‌کرد مساله اصلی سازمان این بود که با بررسی هایی که انجام داد متوجه شد که یکی از اصلی ترین خانواده های گروه های پرتشج اتفاقاً خانواده های مدیران هستند و به خاطر همین نکات و نتایجی که برایتان عرض کردم سازمان مدیریت صنعتی به دنبال ایجاد فضایی گشت تا این نقش واسطه را بین محیط کار و محیط منزل ایجاد نماید تا آن حالت خستگی روانی و ذهن های آشفته پس از طی یک روز کار سخت به منزل و محیط لطیف و عاطفی خانواده منتقل نشود. سازمان مدیریت صنعتی همواره در جست و جوی فعالیت ها، برنامه ها و روش های نوین و موثری است که می‌تواند به توسعه ظرفیت مدیریت در کشور کمک کند در طی یک دهه گذشته برنامه ریزان خانه مدیران با این ایده که زیر سیستم های یک سیستم به نام مدیریت فارغ از نوع، گرایش و تخصص کاری خود موضوعات بسیاری را برای تبادل و به اشتراک گذاشتن دارند و خانه مدیران می‌تواند نقش تسهیل گر را ایفا بکند. خانه مدیران سازمان مدیریت صنعتی که اکنون بیش از هجده سال تاسیس شده است اولین تجربه از این دست بود که در ایران صورت گرفت و نمونه موفق شد و به سازمان های دیگری مثل سازمان صنایع دفاع، وزارت نفت، وزارت صنعت معدن تجارت و خیلی جاهای دیگر اشاعه پیدا کرد ولی نکته اساسی این است که متأسفانه تجربه های دیگر به جز تجربه سازمان مدیریت صنعتی موفق نبوده اند. چون در سازمان های دیگر همه مدیران صرفاً متعلق به سازمان خود بودند و چیزی که در نهایت شد حد اعلا مدیران همان سازمان مربوطه گردید و پس از مدتی که متأسفانه به اهداف نرسیدند کل مقوله را رها کردند. اما سازمان مدیریت صنعتی در تجربه اش موفق بود

چون توانست توسعه شبکه مدیریت را در سطح کشور ایجاد بکند. امروز خانه مدیران سازمان مدیریت صنعتی در تهران بالغ بر شش هزار عضو دارد و از این شش هزار عضو نزدیک به دو هزار و پانصد نفر عضو فعال هستند و در واقع می‌توانم بگویم که چون مدیران از حوزه صنایع مختلف در خانه مدیران حضور داشتند و در تمامی رده ها توانستند در کنار هم قرار بگیرند این اتفاق افتاد. اگر مرور بفرمایید با اشاره ای که به بحث قهوه خانه داشتیم اتفاقی که در قهوه خانه می‌افتاد این بود که کشاورزی که از شالیزار برمیگشت در محل قهوه خانه می‌توانست مباحث مختلفی را طرح بکند اعم از اینکه مشکلاتش را مطرح کند کما اینکه کشاورز دیگری در قهوه خانه هم همین مشکلات را در سال گذشته تجربه کرده بود و می‌توانست راهنمایی های خوبی داشته باشد ارائه تجربیات گذشته و تبادل نظر صورت بگیرد. حتی در آن محل می‌توانستند گروه های تیمی تشکیل بدهند و همکار های خود را از همان محیط انتخاب کنند. همین اتفاق در خانه مدیران افتاد و خانه مدیران در طی سال های گذشته در تهران واقعاً به یک شکارگاه بسیار بزرگی که مدیران ارشد کشوری، مدیران میانه خودشان را از آنجا انتخاب می‌کردند تبدیل شد و به همین دلیل طرفداران زیادی را برای خودش دارد و انشالله این اتفاق مبارک برای این استان هم در واقع به وقوع خواهد پیوست. برنامه هجده سال اخیر خانه مدیران در سازمان مدیریت صنعتی نشان دهنده طیف وسیعی از برنامه های متفاوت است از جمله سخنرانی مدیران ارشد ایرانی حاضر در بزرگترین شرکت های بین المللی، ارائه یافته ها و تجارب بومی مدیران داخل کشور و انتقال به اعضا البته در قالبی هماهنگ و سیستماتیک، ارتقا سطح علمی و عملی اعضا، تسهیل در امر ارتباطات صنایع با یکدیگر از دست آورد های اصلی این خانه بوده است. به طور کلی هدف اصلی تشکیل خانه مدیران بر اساس شعار اصلی خانه مدیران توسعه و تداوم یادگیری است. خانه مدیران خدمات مختلفی را دارد از جمله خدمات اصلی آن برگزاری نشست های تخصصی است بعد خدمات جانبی و یک سری سید مزایا که به همت خود اعضا و یمن حضورشان شکل گرفته است. خدمت اصلی خانه مدیران برگزاری نشست های تخصصی است نشست های تخصصی به معنی برقراری ارتباط و تعامل میان سخنران و مدیران حاضر در جلسه می‌باشد که موضوعی توسط سخنران مطرح می‌شود و توسط اعضا حاضر و مدیران به اشتراک گذاشته می‌شود و در مباحث مشارکت می‌کنند و همه این ها عموماً باعث هم افزایی هایی می‌شود که خیلی جذاب است. نشست های تخصصی در واقع خدمت اصلی خانه مدیران است و این نشست ها نه همایش هستند و نه سمینار لذا شرکت در این نشست های تخصصی به منزله دریافت گواهینامه نیست. رایبه تجربیات و به اشتراک گذاشتن اطلاعات مدیران است. این نشست ها به معنی واقعی جلسات تعاملی میان مدیران هستند اهداف برگزاری نشست های تخصصی همانطور که گفتم ایجاد فضایی برای برقراری ارتباط میان مدیران البته به منظور انتقال تجارب و یافتن راهکارها برای مشکلات جاری است.

استفاده از راهکارهای غیر کلاسیک یکی دیگر از ابزار های ماست. برای مقوله آموزش ما در خانه مدیران با توجه به شعارمان قرار نیست که به روش های آکادمیک متوسل بشویم این آموزش ها به روش های غیرکلاسیک و نوین خواهد بود آشنایی با تجارب و دست آورد های جدید در عرصه های ملی و بین المللی، ایجاد فرصت های لازم جهت ایجاد گردهمایی و تبادل نظر و تجربه و ایجاد محیطی واسط میان محل کار و خانواده از این دست است. یکی دیگر از کارهایی که ما در خانه مدیران انجام می‌دهیم تشکیل کارگروه های تخصصی است به طوری که ما این کارگروه های تخصصی را بومی کردیم و تعریفمان این بود که خانه از اتاق های مختلف تشکیل شده لذا ما هم به آن سمتی رفتیم که کارگروه هایمان را با اتاق ها نام گذاری کردیم از جمله اتاق هایی که در خانه مدیران تشکیل شده اتاق فکر بوده است و درخواست می‌کنم از مدیرعامل محترم سازمان مدیریت صنعتی استان آذربایجان شرقی که این امر را در دستور کار قرار بدهند و انشالله اولین اتاقی که در خانه مدیران تشکیل می‌شود همین اتاق فکر باشد از جمله اتاق های دیگری که در خانه مدیران وجود دارد اتاق بانوان، اتاق گردشگری و اتاق فناوری اطلاعات است

عموماً زمان برگزاری خانه مدیران برای اینکه خیلی اوقات مدیران را نگیرد خارج از ساعات اداری در نظر گرفته شده است که با نظرسنجی از اعضا در یکی از روزهای هفته اتفاق می‌افتد. از خدمات دیگر خانه مدیران می‌توان به خدمات جانبی اشاره کرد که فارغ از برنامه های اصلی و نشست های تخصصی است. تجلیل از بزرگان و مشاهیر، بازدید از پروژه های بزرگ ملی، تورهای زبان، تورهای فرهنگی، تورهای ورزشی، تورهای نمایشگاهی خارج از کشور، طراحی و اجرای خانه تخصصی برای سازمان ها و ارگان های کلان کشور که نمونه سازمان صنایع دفاع را هم در این مورد عرض کردم، طراحی و ایجاد مراکز تعامل و اتاق های ارتباط با انجمن ها و تشکل ها، ایجاد فضایی برای برگزاری جلسات مدیران با همتایان خارجی که در این مورد یک سری نکات را باید عرض کنم در سال های گذشته گاهی پیش می‌آمد که مدیران عامل در شرکت های خیلی بزرگ مجبور می‌شدند یک سری جلساتی داشته باشند و این جلسات به دلیل برخی طبقه بندی ها در بنگاه مربوطه اتفاق نمی‌افتاد و عموماً لابی هتل ها محل برگزاری این جلسات می‌بود. خانه مدیران فضایی را ایجاد کرد که مدیران بتوانند با هماهنگی های قبلی از امکاناتی مثل مترجم همزمان، پذیرایی، محیط و فضای قابل قبول در این راستا استفاده کنند.

خانه مدیران سازمان مدیریت صنعتی عموماً برند بسیار بزرگی است و اساتید ایرانی مقیم خارج از کشور که جزو نخبه های مملکت بودند و به خارج از ایران عظیمت کردند و مسئولیت های بزرگی دارند و قبل از آمدنشان به ایران حتماً چک می‌کنند که فرصت ارائه در خانه مدیران را داشته باشند همچنین در این سازمان کلویی برای در اختیار قرار دادن یک سری از خدمات تفریحی و ورزشی تشکیل شده است که این کلوپ برای اعضا این خدمات را ارائه می‌کند.

از مهم ترین دست آورد های خانه مدیران در هجده سال اخیر می‌توانم به سخنرانی مدیران ارشد ایرانی در بزرگترین شرکت های بین المللی، ارائه یافته ها و تجارب بومی مدیران داخل کشور و انتقال آن ها برای اعضا، ارتقا سطح دانش عمومی و علمی اعضا، تسهیل در امر ارتباط صنایع با یکدیگر اشاره کنم.

درحال حاضر خانه مدیران شش هزار عضو دارد که شامل مدیران عامل، اعضای هیات مدیره، معاونان مدیران عامل، مدیران کل، مدیران ارشد، شرکت های خصوصی و دولتی، کارآفرینان، نخبگان اعضای هیات علمی دانشگاه ها، پژوهشگران و دانشجویان دوره های دکترا، دانشجویان و دانش آموختگان دوره های تخصصی سازمان مدیریت صنعتی، کارشناسان و مشاوران ارشد هستند

تشکیل اتاق های خانه مدیران یکی از مهم ترین اقدامات ما بود در خصوص اتاق فکر برنامه های نشست های تخصصی خانه مدیران سازمان مدیریت صنعتی غالباً در انتهای هر سال برای سال آینده نظرسنجی می‌شود. ما تجربه ای که به دست آوردیم این است که نظرسنجی از شش هزار نفر مشکل است بنابراین جلسه انتخابات گذاشتیم که خود اعضا نمایندگانی را انتخاب کنند و معرفی بکنند و یک اتاق فکری را تشکیل دادیم متشکل از نمایندگان خود اعضا و نمایندگان خانه مدیران و این نمایندگان عارضه یابی می‌کنند در کشور و موارد مورد دغدغه مدیران را استخراج می‌نمایند و برای آن ها برنامه ریزی می‌کنند و نشست های تخصصی بر همین اساس اتفاق می‌افتد

خانه مدیران عموماً نگاه انتفاعی ندارد ولی برای اعضا این اتفاق افتاده که انتفاع زیادی صورت گرفت هم به لحاظ اهداف خانه مدیران و شعار خانه مدیران و هم به لحاظ مادی. از جمله اتاق های ما اتاق بانوان بود در خانه مدیران اتاقی تحت عنوان اتاق بانوان شکل گرفت و جالب است که اولین عضو اتاق بانوان آقا بود و هفتاد و پنج درصد اعضای این اتاق آقا هستند و در خانه مدیران تفکیک جنسیتی را ایجاد نکردیم و همگی باهم در راستای توسعه توانمندی زنان تصمیم گیری می‌کنند

امیدوارم دست آوردهایی را که خانه مدیران داشته و ارجی را که کشور به این خانه مدیران داده توجه بیشتر شمارا جلب کرده باشد و شاهد موفقیت های روز افزون خانه مدیران نمایندگی آذربایجان شرقی باشیم.

نویسنده:مایکل ورنر
 مترجم:نوشین بزرگی نامی

امر مهم در موفقیت سازمان ها این است که مدیران به طور مشخص، اهداف کلی، ارزش های اصلی و چشم انداز آینده را تعیین کنند و راهبرد عملی برای رسیدن به این موارد را توسعه بخشند. اما صرف داشتن یک استراتژی خوب، اجرای موفقیت آمیز آن را تضمین نمی کند.

بعد از اینکه شرکت ماموریت، ارزش های اصلی و چشم انداز آینده را مشخص کرد، بایستی یک راهبرد عملی برای دستیابی به آنها را ایجاد نماید. شرکت، علاوه بر داشتن ماموریت و چشم اندازی که شامل ایجاد ثروت از طریق درآمد شرکت های بزرگ است باید دارای استراتژی برای ایجاد آن درآمد ها نیز باشد. برای برخی از شرکت ها، استراتژی، شامل تولید محصولات با قیمت پایین و حجم بالااست. برای برخی دیگر، استراتژی مورد نظر کیفیت بالا، خدمات برتر و قیمت های بالاتر است. برخی از شرکت ها دارای استراتژی سود بر اساس گردش موجودی سریع هستند، در حالیکه برخی دیگر دارای استراتژی درآمد بر اساس سودهای ناخالص بالاتر و گردش آهسته تر هستند. ارائه استراتژی تجاری موفق، شامل تجزیه و تحلیل وضعیت موجود ووضیعت پیش بینی شده در میان مواردی چون ارزیابی شرکت، رقبا، شرایط اجتماعی، اقتصادی و بازار است.

معمولاً مشکل استراتژی بیشتراز مرحله تهیه و تدوین، در اجرای آن است. اجرای ناموفق استراتژی همیشه یکی از دلایل عدم موفقیت مدیران عامل بوده است. یافته های مجله فور چون در سال ۲۰۰۸ در طبقه بندی شکست های مدیران عامل شرکت های برجسته، نشان می دهد که در هفتاد درصد از موارد، مشکلات مربوط به خود استراتژی نیست بلکه بیشتر، مربوط به عدم موفقیت در اجرای آن است.

اگرچه داشتن استراتژی تجاری مناسب امر بسیار مهمی است، لیکن با اجرای ناموفق استراتژی، احتمال عدم موفقیت از هفتاد درصد به نود درصد افزایش خواهد یافت. از این روی است که اجرای استراتژی از اهمیت زیادی برخوردار است.

دلایل متعددی برای عدم موفقیت شرکت در اجرای استراتژی وجود دارد. اول اینکه، استراتژی به طور کلی توسط مدیریت ارشد شرکت طراحی می شود. مدیران و کارکنان در سطوح پایین تر هیچ نقشی در فرایند تعیین استراتژی ندارند، بنابراین گاهی اوقات از استراتژی تنظیم شده توسط مدیریت ارشد بی اطلاع هستند. کارکنان سطح پایین به علت بی اطلاعی از خود استراتژی، هیچ نقشی در اجرای آن ندارند.

دلیل دوم برای عدم موفقیت شرکت ها در اجرای استراتژی این است که حتی اگر کارکنان سطح پایین، آگاهی کاملی از استراتژی داشته باشند بازهم آنطور که باید و شاید توانایی ایجاد تفاوت در سازمان را در خود احساس نمی کنند. این کارکنان احساس می کنند کاری که انجام می دهند بسیار جزئی و خارج از عملکرد کلی شرکت است و چه شرکت استراتژی خود را اجرا کند و یا نکند فعالیت آنها تاثیری کم داشته و یا هیچ تاثیری بر آن ندارد.

سوم، حتی اگر کارکنان به استراتژی و چند و چون آن واقف باشند، واحساس کنند فعالیتشان به اجرای استراتژی کمک می کند، ممکن است ندانند که چه کاری باید انجام دهند. در این صورت ، کارکنان آگاه به اجرای استراتژی هستند و در خود توانایی ایجاد تفاوت را می بینند اما نمی دانند که چه کاری بایستی انجام دهند.

چهارم، دلیل دیگر عدم اجرای موفق استراتژی می تواند انبوه کار روزمره کارنان باشد. ممکن است کارکنان به استراتژی سازمان متبوع خود واقف باشند، اما با توجه به تعهداتشان در برابر کار انبوه، و رسیدگی به جزئیات برایشان مقدور نمی باشد.

اجرای استراتژی با استفاده از مدل کارت امتیازی متوازن

منبع: International Journal of Financial research

حال سوال اینجاست که چگونه می توان استراتژی موفقی که تمام جنبه های لازم برای موفقیت شرکت را پوشش می دهد، در کنار هم قرار داد و چگونه می توان مطمئن شد که این استراتژی با موفقیت اجرا شده است؟

کارت امتیازی متوازن

در گذشته، میزان موفقیت سازمان ها در ایالات متحده، صرفاً براساس سنجه های مالی سنجیده می شد. سنجیدن موفقیت بر اساس میزان درآمد ایجاد شده، میزان کاهش هزینه ها، و میزان سود صورت می گرفت. با این حال برای پیشرفت و ترقی در محیط رقابتی امروزین، شرکت ها بایستی در راستای ارزیابی عملکرد سازمان مقیاس عملکرد غیر مالی خود را نیز در نظر بگیرند.

روش کارت امتیازی متوازن، که توسط استاد دانشگاه هاروارد «رابرت کاپلان» و دستیارش «دیوید نورتون»ارائه شده است، به مدیران شرکت در اداره موسسه و دستیابی به اجرای کامل استراتژی ها با استفاده از اهداف، مقیاس ها، اهداف مشخص و ابتکارات کمک می کند.

کارت امتیازی متوازن به جای تمرکز بر اهداف مالی، مجموعه کاملی از مقیاس های اجرایی است که حول چهار دیدگاه متمایز سازمان یافته است که عبارتند از : مالی، مشتری، فرایند داخلی، نوآوری و یادگیری.

چشم انداز مالی

دیدگاه مالی متمرکز بر موفقیت مالی شرکت است. چشم انداز مالی شرکت ها چندین دهه مورد توجه جدی قرار گرفته اند. مقیاسی که میزان موفقیت با آن سنجیده می شود عبارت است از درآمدها، درآمد هر سهم، افزایش درآمدها و بازده میزان سرمایه گذاری.

متاسفانه، تمرکز اولیه بر مسائل مالی باعث تصمیم گیری های ضعیف مدیران می شود. به عنوان مثال ممکن است برای یک شرکت، اخراج کارکنان به منظور کاهش هزینه ها و افزایش سود خالص، راهکار معقولی باشد، اما انجام این کار در عین حال باعث خارج شدن ارزش های انسانی سطح بالایی می گردد که از قیل وجود کارکنان در سازمان ایجاد می شد. علاوه بر این، ممکن است کارکنان کارآمد و باتجربه شرکت ما پس از اخراج، در شرکت های رقیب استخدام شوند و این شرکتها سود تجربیات و تعلیمات چند ساله ما را بدون هزینه هیچ گونه هزینه ای به دست آورند. درست است که اخراج کارکنان بدون آن که تاثیری منفی بر ترازنامه شرکت داشته باشد باعث کاهش هزینه می گردد، اما کارکنان بسیار باارزش تر از دارایی های موجود در ترازنامه هستند، به این دلیل که بعد از کناره گیری به راحتی و سهولت در خدمت دیگر شرکت های فعال در زمینه صنعت مشابه قرار می گیرند. با گذشت زمان، شرکت به دلیل اخراج کارکنان با مشکلاتی از قبیل کاهش سطح دانش و تجربه روبرو می شود. این بحث بدان معنی نیست که کارکنان قابل اخراج باید در شرکت همچنان مشغول به کار باشند، بلکه شرکت ها باید به جای تمرکز انحصاری بر دیدگاه مالی، تمام جنبه های تصمیم خود مبتنی بر اخراج و انفعال کارکنان را در نظر بگیرند.

چشم انداز مشتری

چشم انداز مشتری متمرکز بر دید مشتری توسط سازمان و در رابطه با این موضوع است که سازمان می خواهد در دید مشتریان خود چگونه دیده شود. بر این اساس، سازمان ها باید تعیین کنند که می خواهند در مقابل مشتری خود چگونه ظاهر شوند. اغلب شیوه ای که شرکت ها تمایل دارند در مقابل مشتریان خود ظاهر شوند، شباهتی به شیوه ای که شرکت ها واقعا در مقابل مشتری ظاهر می شود، ندارد. برای حفظ قابلیت سوددهی، لازم است شرکت ها بر چشم انداز مشتری نیز متمرکز گردند.

چشم انداز فرایند داخلی

چشم انداز فرایند داخلی مربوط به قابلیت موجود در فرایند های تجاری در داخل سازمان برای موفق بودن در شغل است. از طرفی» شغل « چیزی است که شرکت نیاز به انجام دادن آن دارد. به عنوان مثال در شرکت « تیفانی «، منظور از «شغل» فروش جواهرات استثنایی با کیفیت بالا به مشتریان ثروتمند است. برای فروش جواهرات « تیفانی « به منابع خاصی نیاز از جمله به مغازه هایی با موقعیت بهتر در اطراف مراکز خرید نیاز خواهد داشت، مغازه هایی با وسایل و روشنایی مناسب برای به نمایش گذاشتن محصولات این شرکت. علاوه بر این ها، « تیفانی « برای تهیه و ثبت فروش های خود، به سیستم ای رایانه ای، سیستم های نرم افزاری اتوماسیون و دیگر فرایندها نیاز خواهد داشت. در دانشگاه « شغل « تدریس به دانشجویان است و یا حداقل یکی از « شغل ها « تدریس به دانشجویان است. برای این کار دانشگاه ها می توانند عملکردی ناهنجار، با کلاس های خسته کننده داشته باشد اما در عین حال می توانند کلاس هایی مدرن با صندلی های راحت، وایت بردهای کافی، سیستم های نورافکنی، و خدمات آنلاین در اختیار دانشجویان خود قرار دهند. به موازات بهبود محیط آموزش و تدریس در دانشگاه ها، چشم انداز فرایند داخلی نیز بهبود می یابد.

چشم انداز نوآوری ، یادگیری و رشد

نوآوری ، یادگیری و چشم انداز رشد مهمترین دیدگاه از بین چهار دیدگاه است. این چشم انداز مربوط به آماده کردن شرایط برای آینده است . بسیاری از بحث های مرتبط بااین دیدگاه، متمرکز بر کارکنان و قابلیت های کارکنان است. همان گونه که اشاره شد، چشم انداز مالی در نهایت به نفع سرمایه گذاران و صاحبان تجارت خواهد بود. از طرفی چشم انداز فرایند داخلی، در نهایت در جستجوی منافع خود شرکت می باشد، اما در چشم انداز نوآوری، یادگیری و رشد عمدتاً کارکنان مدنظر هستند.

در حقیقت، بخش اعظم چشم انداز نوآوری، یادگیری و رشد به نفع کارکنان است. این دیدگاه بر تمام جنبه های آماده سازی شرکت برای فعالیت در آینده تاکید دارد. در این چشم انداز، مسائلی از قبیل به کار گیری تکنیک های جدید، نوآوری در محصولات، لحاظ نمودن تحولات جدید در محیط، لحاظ نمودن فشارهای رقابتی برای اعمال تغییر در محصول، شیوه بازاریابی و توزیع مورد توجه قرار می گیرد. در سال های اخیر برخی از شرکت های آمریکایی پیشرو مانند « پولاوید «علیرغم بر خورداری از پیشینه و برند برجسته، تنها به سبب عدم توجه به مساله یادگیری و رشد دچار شکست در عرصه کسب و کار شدند و متحمل رکود بی سابقه ای گشتند. به دیگر سخن، بزرگترین چالش سازمان های امروزی نه موفقیت در زمان حال، بلکه موفقیت در زمان آینده است. به این دلیل چشم انداز نوآوری، یادگیری و رشد از اهمّیت مضاعفی برخوردار می گردد.

برای اجرای کارت امتیازی متوازن، مدیران بایستی اهداف و مقیاس های، مربوط به هر یک از دیدگاه های مذکور را تدوین نمایند.

اهداف

اهداف، بیانیه های مختصری هستند که سازمان امیدوار است همه آن ها را به انجام برساند. اهداف باید برای هر یک از چشم اندازهای کارت امتیازی متوازن تدوین شوند. اهداف، وابسته به چشم اندازها هستند، بدین معنی که هر هدفی تنها بدین دلیل تدوین شده است که استراتژی شرکت را به پیش ببرد. اگر هدفی از استراتژی تجاری شرکت، پشتیبانی نکند یا با آن مغایر باشد، یا باید هدف مذکور را حذف نمود و یا استراتژی به گونه ای تغییر یابد که هدف را در بر گیرد.

پس از تعیین اهداف، این سوال مطرح می شود که آیا استراتژی که هم موفق و واقع بینانه است و هم برای هر یک از دیدگاه ها، به صورتی معقول تدوین شده است، نتیجه رفتار مناسب کارکنان بوده است؟ به عبارت دیگر، آیا این کارکنان هستند که عهده دار اجرای استراتژی در سازمان هستند؟ در اغلب موارد پاسخ به این سوال منفی است. حتی اگر کارکنان از استراتژی شرکت و اهداف متعدد کارت امتیازی متوازن آگاهی کاملی داشته باشند، بعید است که با توجه به مشغله های پرشمار خود در اجرای استراتژی ها،

نقش پرنرنگی داشته باشند. برای اجرای استراتژی، سه عنصر دیگر که مربوط به مدل کارت امتیازی متوازن است بایستی مورد توجه قرار گیرد: مقیاس ها، اهداف و طرح های استراتژیک.

مقیاس ها

پیتر دراکر می گوید، سنجیدن فعالیت های تجاری بسیار مهم است. چون چیزی را که نتوان سنجید، نمی توان مدیریت کرد. این نظر بسیار واقعی است چرا که به عنوان مثال، اگر هدف تعریف شده در یک شرکت تولیدی، کاهش قطعه های معیوب تولید شده توسط هر یک از کارکنان باشد، لازم است در ابتدا تعداد قطعه های معیوب تولید شده مورد شمارش قرار گیرد. همچنین چنانچه کارکنان متوجه نظارت بر عملکرد خود باشند، احتمال اینکه نهایت تلاش و دقت را در اجرای کار خود داشته باشند، بیشتر خواهد شد.

مقیاس ها، توصیفی از چگونگی موفقیت در رسیدن به اهداف هستند. اهدافی که قرار است در آینده آنها را مورد سنجش قرار دهیم. مقیاس در تعیین دامنه اهداف به کار مدیران می آیند. رسیدن به هدف بدون ایجاد ابزاری جهت اندازه گیری درجه نزدیکی به آن امکان پذیر نیست. در نتیجه، شرکت باید مقیاس هایی را ایجاد کند تا از طریق آن موفقیت خود در هر یک از اهداف تعیین شده را مورد سنجش قرار دهد. آن زمان است که کارکنان با علم به وجود مقیاس ها، برای عمل به استراتژی تدوین شده ترغیب می شوند.

میزان تحقق مقیاس ها

اهداف، سطح عملکرد یا میزان بهبود مورد نظر برای هر مقیاس را مشخص می کند. در دسترس بودن مقیاس ها باعث می شود که کارکنان از انتظارات مدیریت سازمان مطلع گردند و جهت خود را در آن راستا تنظیم نمایند. کارمندان نه تنها بایستی از مقیاس ها مطلع باشند؛ بلکه لازم است اشراف کاملی نسبت به هدف غائی در سازمان نیز داشته باشند.

نقشه های استراتژی

شرکت ها از نقشه های استراتژی استفاده می کنند تا عناصر کارت امتیازی متوازن را به روشی معنادار در کنار هم قرار دهند. نقشه های استراتژی برای اجرای کارت امتیازی متوازن و در نهایت اجرای استراتژی کمک می کند.

نقشه های استراتژی از پایین به بالا خوانده می شوند. یعنی این تصور وجود دارد که در سازمان بایستی پیش از هر مورد دیگری یادگیری، نوآوری و رشد حاصل شود و سپس فرایندهای داخلی به خوبی اجرا گردند. اجرای خوب فرایندهای داخلی در نهایت باعث خواهد شد تا سازمان ما در دید مشتری خوب و موجه جلوه نماید و در نهایت تمامی این موارد در کنار یکدیگر منجز به نتایج مالی قابل قبول می گردد.

نتیجه گیری

کارت امتیازی متوازن به مدیران شرکت کمک می کند تا عملیات خود را مدیریت نمایند و به آن ها کمک می کند که استراتژی ها را به مرحله اجرا برسانند. از طرفی نقشه های استراتژی، کارمندان را از استراتژی و اهداف شرکت مطلع می سازد. اما حتی اگر کارمندان از استراتژی و اهداف شرکت نیز آگاهی کامل داشته باشند، همواره این احتمال وجود خواهد داشت که در اجرای استراتژی با مشکل مواجه گردند. این موضوع احتمالاً دلایل متفاوتی دارد از جمله درگیر بودن کارمنان با وظایف روزمره در برخی موارد آنها حتی نمی دانند عملکرد آنها تا چه حد به اجرای استراتژی منجر می شود.

در ارزیابی میزان اجرایی شدن استراتژی ها، آنچه بسیار حائز اهمیت است، بهره گیری مدیران از مقیاس ها و اهداف تعیین شده است. مقیاس ها و اهداف، میزان موفقیت سازمان ها را می سنجد. وقتی در یک سازمان روش کارت امتیازی متوازن برای سنجش میزان حصول به استراتژی های تعیین شده، مورد بهره برداری قرار می گیرد، کارکنان نیز به روشنی درمی یابند که عملکرد آنان بر اساس مقیاس ها و اهداف سنجیده خواهد شد. در نهایت نبایستی از نظر دور داشت که اجرای بویژه از این نظر اهمیت فراوانی دارد که استراتژی خود ابزار تشخیص ماموریت ها، ارزش ها و چشم انداز شرکت است.



برترین شرکت های منطقه آذربایجان
Top Azerbaijan Companies
www.irantac.ir



برترین شرکت های منطقه آذربایجان
Top Azerbaijan Companies
www.irantac.ir



آسانات
خدمات نفت و صنعت پتروشیمی



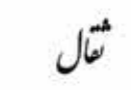
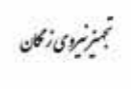
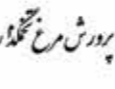
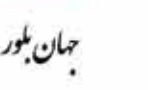
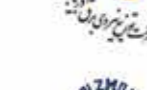
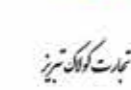
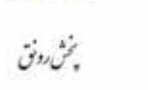
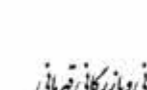
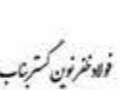
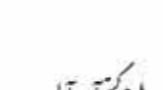
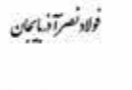
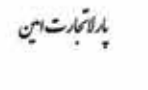
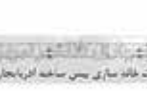
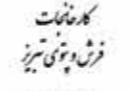
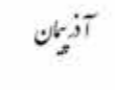
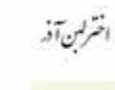
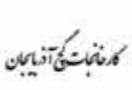
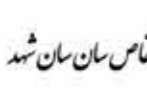
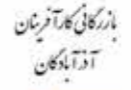
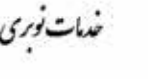
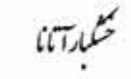
سازه راه
ساختنی فرایند



روز



پویال پلاسٹیکا



کمک های دولت ترکیه برای صادرات براساس قوانین موجود این کشور و از طرف معاونت تجارت خارجی و براساس موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت و قوانین تجارت خارجی تنظیم شده است. هدف اصلی کمک های دولت برای صادرات، پشتیبانی از فعالیت های شرکت ها در جهت صادرات و در تمام مراحل از تولید گرفته تا بازاریابی و همچنین کمک برای از میان برداشتن مشکلات در بازارهای بین المللی و کمک به ارتقاء قدرت رقابتی در این بازارها می باشد. کمک های دولت در حوزه صادرات در حوزه های زیر صورت می پذیرد:

۱- حمایت از نمایشگاه های تخصصی در داخل کشور با ماهیت بین المللی
هدف از این طرح، معرفی نمایشگاه های تخصصی داخلی در خارج از کشور و افزایش مشارکت بین المللی برای نمایشگاه های داخلی می باشد. دولت همچنین بخشی ازهزینه های مربوط به برگزاری و اجرای این نمایشگاه ها و فعالیت های مرتبط با چاپ بروشورها، نشریه ها، آگهی های رادیویی، تلویزیونی و مصاحبه های مطبوعاتی را نیز بر عهده می گیرد. دولت همچنین بخشی از هزینه های ایاب و ذهاب مدعوین خارجی نمایشگاه های بین المللی را نیز بر عهده می گیرد. دولت در راستای حمایت از برگزاری نمایشگاه ها، تامین هزینه های مربوط به سمینارها، کنفرانس ها و پانل های مرتبط با موضوع نمایشگاه که در طی نمایشگاه برگزار می شود، را نیز عهده دار می گردد.

کلیه سازمان دهندگان داخلی چنین نمایشگاه هایی می توانند از کمک های دولت بهره مند گردند. در چهار چوب این طرح حمایتی، برای فعالیت های نمایشگاهی خارج از کشور، پنجاه درصد از کل هزینه ها به عنوان یارانه به شرکت ها و بنگاه های اقتصادی حاضر در نمایشگاه پرداخت می شود که البته حداکثر سقف آن مبلغ بیست و پنج هزار دلار می باشد. همچنین میزان یارانه پرداختی برای مدعوین خارجی پنجاه درصد از کل هزینه ها و حداکثر سقف آن پانزده هزار دلار می باشد. میزان یارانه های پرداختی از جانب دولت برای هزینه سمینارها، کنفرانس ها، پانل ها و همچنین مسابقاتی که طی آن ها برای شرکت کنندگان جوایزی در نظر گرفته می شود، پنجاه درصد کل هزینه ها و حداکثر سقف آن پنج هزار دلار می باشد.

۲- پرداخت یارانه حفظ و حمایت از محیط زیست

این برنامه حمایتی در راستای حفظ محیط زیست و ارتقاء کیفیت زندگی و سلامتی انسان تدوین شده است. کلیه شرکت هایی که فعالیت های تجاری، صنعتی یا کشاورزی دارند، شرکت های فعال در زمینه سرمایه گذاری خارجی، و شرکت های تجاری خارجی در زمینه های ویژه مشمول «کمک های دولت در زمینه هزینه های محیط زیست» می گردند. همچنین دولت بخشی ازهزینه های مرتبط با اخذ مدارک سیستم امنیت کیفیت سری ISO۹۰۰۰، سیستم مدیریت محیط ISO۱۴۰۰۰، سیستم مدیریت امنیت غذایی ISO۲۲۰۰۰، امور مستند سازی مرتبط با محصولات کشاورزی، تدوین گزارش آنالیزهای آزمایشگاهی همچنین سایر مدارک و گواهینامه های کیفیت و محیط منطبق با معیارهای بین المللی را نیز تامین می نماید.

۳- حمایت از تحقیق و توسعه

دولت، با تامین سرمایه مورد نیاز برای طرح های تحقیق و توسعه سازمان و بنگاه های صنعتی، در زمینه های مطالعاتی نیز از این شرکت ها حمایت می کند. دولت به ویژه در زمینه تولید یک

[مشوق های صادراتی کشور ترکیه]

بخش اول

محصول جدید، ارتقاء کیفیت و یا استاندارد محصولات موجود، اعمال فرایندهای مرتبط با کاهش هزینه ها و ارتقاء استانداردهای موجود، ایجاد تکنولوژی های جدید مرتبط با تولید و بهره گیری از آنها به شرکت ها، موسسات و بنگاه های اقتصادی یاری می رساند.

به طور کلی دولت در زمینه حمایت سرمایه ای از طرح های ارتقاء محصول و پشتیبانی سرمایه ای از طرح های مهم راهبردی نیز دخالت موثر می نماید. دولت به ویژه در جریان تولید محصولات جدیدی که دارای ارزش اقتصادی بالا هستند همچنین برای ارتقاء قدرت رقابت در زمینه محصولات موجود و نیل به هدف مدیریت و توسعه محصول، نیز ورود می نماید. بیشترین مدتی که از این طرح ها حمایت می شود، دو سال و حداکثر سقف سرمایه ای که به چنین طرح هایی تعلق می گیرد، یک میلیون دلار می باشد.

۴- حمایت در زمینه استخدام نیروی کار ماهر و کارآمد

این برنامه حمایتی با هدف استخدام مدیران و کارکنان ماهر و با تجربه به ویژه در زمینه امور مربوط به تجارت خارجی به اجرا در می آید. در این برنامه حمایتی، برای شرکت های داخلی، کمک های مالی در نظر گرفته شده است به گونه ای که فرایند استخدام کارکنان و مدیران رده بالا و با تجربه تسهیل گردد. این کارکنان عمدتاً فارغ التحصیلان رشته های مدیریت، اقتصاد، علوم اداری، تجارت بین المللی، حقوق، تجارت خارجی، رشته های مهندسی و با زبان خارجی هستند. دولت اغلب هزینه استخدام حداکثر یک مدیر و دو کارمند را متقبل می گردد و بازه زمانی مربوطه نیز مشتمل بر یک سال می باشد. دولت در چهار چوب این برنامه، مبلغی حدود هيجده هزار دلار برای مدیران و نه هزار دلار برای کارمندان در نظر می گیرد

۵- حمایت از مشارکت در نمایشگاه های برگزار شده در خارج از کشور

کمک های دولت در راستای حمایت از شرکت در نمایشگاه های برگزار شده در خارج از کشور در چهار چوب قوانین کشور ترکیه صورت می پذیرد. هدف این برنامه حمایتی، تامین و تسهیل مشارکت شرکت های ترک در نمایشگاههای خارجی به منظور آشنایی با بازارهای بین المللی و بازاریابی برای محصولات و خدمات تولید داخل و در نهایت افزایش صادرات است. نبایستی از نظر دور داشت که این کمک ها مختص به نمایشگاه هایی خواهد بود که قابلیت معرفی محصولات صادراتی ترکیه و بازاریابی برای آنها را داشته باشد. به طور کلی تمامی نمایشگاه هایی که در آن ها محصولات صادراتی ترکیه ارائه می گردد همچنین نمایشگاه هایی که شرکت های خارجی مرتبط با زمینه های فوق الذکر در آن مشارکت جسته اند، در این رده محسوب می گردند. البته شرکت ها به منظور اخذ حمایت های دولتی بایستی در ابتدا از طرف سازمان مدیریت صادرات این کشور مورد ارزیابی قرار گیرند. میزان حمایت دولت در فرایند سازماندهی نمایشگاه های خارجی معادل با پنجاه درصد کل هزینه های صرف شده از جانب شرکت ها می باشد. اما چنانچه شرکتی که مایل به دریافت کمک های دولتی است، خارجی باشد یا در زمینه مهندسی ژنتیک، بیوتکنولوژی، هوا و فضا، تکنولوژی مواد پیشرفته، نانو تکنولوژی، منسوجات فنی، انرژی های تجدید شونده، فناوری اطلاعات فعالیت داشته باشد، سقف حمایت های دولتی، هفتاد و پنج درصد کل هزینه ها خواهد بود.

۶- حمایت از فعالیت های مربوط به معرفی واحد و نشان تجاری در خارج از کشور
کمک های دولت برای حمایت از فعالیت های مربوط به معرفی

واحد و نشان تجاری در خارج از کشور نیز در چهارچوب قوانین موضوعه این کشور صورت می پذیرد. هدف از کمک های دولتی برای حمایت از فعالیت های مربوط به معرفی واحد و نشان تجاری خارج از کشور این است که کلیه بنگاه ها و شرکت هایی که فعالیت تجاری و یا صنعتی دارند همچنین موسسات تعاونی بتوانند کمک های مالی مورد نیاز برای معرفی و ثبت نشان تجاری خود و امکان تجارت با شرکت های خارجی را بیابند. در چار چوب این برنامه حمایتی، شرکت های تجاری، صنعتی، و موسسات تعاونی می توانند بخشی از هزینه های مربوط به اجاره ساختمان، فعالیت های تبلیغاتی و فعالیت های مرتبط با ثبت نشان تجاری واحد را تامین نمایند.

در قسمت مربوط به فعالیت های تبلیغاتی در زمینه ثبت نام و نشان تجاری در خارج از کشور، هزینه های مربوط به تبلیغات نوشتاری و تصویری، جذب حامی، طراحی صفحات اینترنتی، بیلبوردها و لوح های تبلیغاتی، کاتالوگ ها، بروشورها و لوازم تبلیغاتی توسط دولت تامین می گردد. در برنامه حمایتی دولت از فعالیت های ثبت نام و نشان تجاری در خارج از کشور، همچنین هزینه های مربوط به ثبت الگو و نام در خارج از کشور، هزینه های مشاوره، هزینه های مربوط به تحقیق و بررسی در خصوص اینکه نام و نشان تجاری پیشتر به ثبت نرسیده است؛ هزینه های مربوط به وکالت و دیگر هزینه های مربوط به حفظ نشان تجاری به ثبت رسیده در خارج از کشور پرداخت می گردد. شرکت هایی که نشان تجاری خود را در داخل کشور ثبت کرده باشند، پنجاه درصد از هزینه های مربوط به ثبت و محافظت از نشان تجاری خود در خارج از کشور، را به میزان حداکثر پنجاه هزار دلار دریافت می نمایند. همچنین این کمک مالی حداکثر ۴ سال ادامه خواهد یافت.

۷- حمایت از کیفیت محصولات و خدمات ترک و تثبیت تصویر مثبت از اجناس ترک و برندسازی

در این برنامه حمایتی، هزینه های مربوط به فعالیت های مرتبط با تثبیت برند شرکت هایی که در ترکیه به فعالیت تجاری و یا صنعتی می پردازند همچنین هزینه های مربوط به فعالیت هایی با هدف معرفی واحدهای صادراتی، اتحادیه های تولیدی و واحدهای تولیدی خارج ازکشور که با هدف رقابت بر اساس قوانین بین المللی به وجود آمده است.

به طور خلاصه این حمایت ها مشتمل بر تامین بخشی از هزینه های مربوط به ثبت و محافظت از نام و نشان تجاری شرکت ها، هزینه های فعالیت های معرفی، تبلیغات و بازاریابی مشتمل بر تبلیغات تصویری و نوشتاری، نمایش، معرفی کالا در نمایشگاه، تحقیق در مورد بازار، یافتن حامی، ارائه فهرستی از کالاهای یک نشان تجاری، تبلیغ در مجلات مخصوص، هزینه های مشاوره استراتژیک، هزینه های مربوط به واحدهای افتتاح شده در خارج از کشور که جهت خدمات پس از فروش راه اندازی می شوند. به علاوه هزینه های مربوط به مشاوره درباره تحقیقات برای یافتن مکان مناسب جهت افتتاح واحد تجاری واحد خارج از کشور، همچنین هزینه های مربوط به دکوراسیون و معماری حرفه ای، هزینه های تامین اعتبار و ضمانت نشان تجاری از نظر مسائل مربوط به محیط زیست، کیفیت و سلامتی انسان ها، هزینه های مربوط به ضمانت نامه و اعتبارنامه که از موسسه یا موسسات مربوطه دریافت می گردد و نشان دهنده امنیت مالی و جانی انسان و کیفیت و سلامت محیط زیست هستند، هزینه های مربوط به ایجاد و راه اندازی سیستم کنترل کیفی و نمونه سازی، هزینه های مربوط به طراحی کالا و بسته بندی، هزینه های مدل سازی (قالب و ابعاد)، و هزینه های تدارکات و خرید و فروش، بازاریابی حرفه ای و عملیات توزیع می گردد.

پیش شرط لازم جهت استفاده از این مزایا، این است که بایستی برند تجاری مربوطه در ترکیه به ثبت رسیده باشد. میزان کمک مالی به واحدهای صادراتی، معادل هشتاد درصد از هزینه های مذکور و حداکثر کمک سالانه برابر با دویست و پنجاه هزار دلار است. همچنین

میزان کمک مالی به واحدها و اتحادیه های تولیدی، پنجاه درصد از کل هزینه ها و حداکثر میزان کمک سالانه نیز معادل صدهزار دلار است. واحدهای مشمول می توانند به مدت چهارسال از این حمایت ها برخوردار شوند.

۸- ارزیابی بازار و کمک به ورود به بازار

برنامه حمایتی ارزیابی بازار و کمک به ورود به بازار در چهار چوب اصول و بر اساس قوانین موجود کشور ترکیه صورت می گیرد. هدف این برنامه حمایتی کمک به ارزیابی بازار در خارج از کشور و به طور کلی حمایت از ورود به بازارهای خارجی است.

در این برنامه حمایتی به شرکت های صنعتی و یا تجاری همچنین شرکت های نرم افزاری، برای مسافرت های مورد نیاز برای ارزیابی بازارهای خارج از کشور کمک های مالی اعطاء می شود. میزان این کمک هفتاد درصد از کل هزینه ها و حداکثر کمک مالی برای هر سفر نیز مبلغ هفت هزار و پانصد هزار دلار است.

همچنین در قالب برنامه حمایت از عضویت در سایت های تجارت الکترونیکی، نیز بخشی از هزینه های مربوط به عضویت در سایت های الکترونیکی که با مصرف کننده نهایی در ارتباط نباشد، توسط دولت تامین می گردد. میزان کمک مالی دولت در این زمینه معادل هفتاد درصد هزینه ها و حداکثر مبلغ کمک سالانه ده هزار دلار است. شرکت ها حداکثر برای پنج سایت تجارت الکترونیکی و به ازای هر سایت تجارت الکترونیکی حداکثر سه سال می توانند از حمایت های دولتی برخوردار شوند. همچنین سایت های اینترنتی که با مصرف کننده نهایی در ارتباط نباشند و خدمات و تدارکات خریدها را در تجارت بین المللی ویا بازارهای الکترونیکی پوشش دهند، به عنوان سایت تجارت الکترونیکی شناخته می گردند.

۹- حمایت از توسعه رقابت بین المللی

حمایت های دولتی جهت حمایت از توسعه رقابت بین المللی در چار چوب قوانین موضوعه دولت ترکیه صورت می پذیرد. هدف کمک های دولتی برای حمایت از توسعه رقابت بین المللی به طور خلاصه تقبل هزینه های آموزش و مشاوره موسسات مشغول در پروژه های مختلف در راستای افزایش قدرت رقابتی بین المللی شرکت های صنعتی و تجاری در ترکیه و کلیه شرکت هایی است که در حوزه نرم افزاری و فناوری اطلاعات فعالیت می کنند. کلیه شرکت هایی که فعالیت تجاری و یا صنعتی انجام می دهند، شرکت هایی که در حوزه نرم افزاری فعالیت می کنند، موسسات تعاونی، اتحادیه های صادراتی، اتاق های صنعت و بازرگانی، مناطق صنعتی، انجمن های تولیدی صنعتی، شرکت های تجارت خارجی صنعتی و اتحادیه ها و شرکتهای تعاونی و تولیدی ها نیز تحت حمایت های دولتی در راستای حمایت از توسعه رقابت بین المللی قرار می گیرد.

حمایت از برنامه های آموزشی، حمایت از برنامه های مشاوره ای یا پروژه محور، حمایت از بازاریابی خارجی و حمایت از برنامه مشاوره های موردی

محتوای آموزشی که شرکت ها در حوزه برنامه های آموزشی می توانند از کمک های دولتی بهره مند شوند، عبارتند از موضوعات مرتبط با ساختارسازمانی سازمان تجارت جهانی و اتحادیه اروپا، حل اختلافات تجارت خارجی و تحکیم مناسبات بین المللی، محاسبات مرتبط با تجارت خارجی و تامین مالی مربوطه، قیمت گذاری در تجارت خارجی، گمرک و مبادله ارز، اسناد مورد استفاده و طریقه پرداخت ها در تجارت خارجی، قراردادها، مدیریت زنجیره تامین و لجستیک، بازاریابی بین المللی و تجارت الکترونیکی، نوآوری و دسته بندی و سایر موضوعاتی که از طرف مدیرکل وزارت صادرات در نظر گرفته می شود. میزان کمک های اعطائی به شرکت ها در ارتباط با هزینه آموزش های موضوعات بالا در حدود هفتاد درصد و حداکثر میزان کمک های اعطائی در مجموع سالانه بیست هزار دلار می باشد.



دوره های دوساله مدیریت
سازمان مدیریت صنعتی

۳۳۳۳۳۳۶۰۰

www.imiazar.ir



دوره های عالی EMBA مدیریت اجرایی

دوره های عالی MBA مدیریت پروژه

دوره های عالی MBA مدیریت مالی

دوره های عالی MHRM مدیریت منابع انسانی

دوره های عالی مهندسی صنایع -
مدیریت سیستم و بهره وری

دوره های عالی MBA
مدیریت کسب و کار هوشمند و تحول گرا

دوره های عالی MBA مدیریت محیط زیست

دوره های عالی MBA مدیریت شهری



سازمان مدیریت صنعتی
نماینده گمی آذربایجان شرقی

آدرس: تبریز، کوی ولیعصر، انتهای خیابان
شهریار شمالی، ۲۰ متری صفا، سازمان
مدیریت صنعتی آذربایجان شرقی



سازمان مدیریت صنعتی

نماینده گمی آذربایجان شرقی

مرکز آموزش های تخصصی
فناوری اطلاعات و ارتباطات

برگزاری دوره های تخصصی سیسکو

Network +

CCNA

CCNP

همراه با تجهیزات شبکه

کاملا عملی و کاربردی

با ارائه گواهینامه دوزبانه



۳۳۳۳۳۳۶۰۰

۳۳۳۷۹۹۵۴ - ۹

دفتر آموزشهای تخصصی



سازمان مدیریت صنعتی

نماینده گس آذربایجان شرقی

دوره حق العمل کاری، امور گمرکی و ترخیص کالا

بخش سوم: تشریفات ترخیص کالا از گمرک

بخش اول: صادرات

بخش چهارم: ترانزیت کالا (عبوری)

بخش دوم: واردات



۹ - ۳۳۳۷۹۹۵۴

مدت دوره: ۴۰ ساعت

شهریه دوره: ۳,۰۰۰,۰۰۰ ریال

آدرس: آبرسان- جنب هتل تبریز کوی پناهی دفتر آموزش های تخصصی سازمان مدیریت صنعتی

انگلیسی برای مکاتبات و مکالمات تجاری

English for communications
and commercial



IMILA
I.M.I. LANGUAGE ACADEMY

انگلیسی برای مکاتبات و مکالمات تجاری ۵۹ - ۳۳۳۷۹۹۵۴

تبریز- آبرسان - جنب هتل تبریز- کوی پناهی - نبش کوچه فروردین

www.imiazar.ir

آکادمی زبان سازمان مدیریت صنعتی

English for Housewives

IMIILA
I.M.I. LANGUAGE ACADEMY

انگلیسی برای خانم های خانه دار ۵۹ - ۳۳۳۷۹۹۵۴

تبریز - آبرسان - جنب هتل تبریز - کوی پناهی - نبش کوچه فروردین

www.imiazar.ir

آکادمی زبان سازمان مدیریت صنعتی



سازمان مدیریت صنعتی

نماینده گس آذربایجان شرقی

دفتر آموزشهای تخصصی

تشریح معیارهای مدل: EFQM

رئوس مطالب :

- مبانی ، فنون و رهنمودهای مستند سازی
- روند توسعه مدیریت کیفیت - تاریخچه مدل های تعالی سازمانی
- آشنایی با روند توسعه مدل EFQM
- اصول هشت گانه مدیریت کیفیت و سرآمدی
- تشریح ساختار و معیارهای اصلی مدل EFQM
- تشریح زیرمعیارها در مدل EFQM
- پویایی، تعامل و ارتباط بین معیارهای اصلی و زیرمعیارها
- تشریح منطق امتیازدهی RADAR و اجزا تشکیل دهنده آن
- دلایل ضرورت به کارگیری مدل در ارتقا سطح عملکرد سازمان ها

با ارائه گواهی معتبر از اداره کل استاندارد و تحقیقات صنعتی استان آذربایجان شرقی

۳۳۳۷۹۹۵۴ - ۹

زمان شروع دوره: آذر ماه ۱۳۹۴

شهریه دوره: ۲,۷۰۰,۰۰۰ ریال

آدرس: آبرسان- جنب هتل تبریز کوی پناهی دفتر آموزش های تخصصی سازمان مدیریت صنعتی

دوره های آموزشی آکادمی زبان (ایمیلا)

| جلسه در هفته | مدت دوره | تعداد ترم | نام دوره |
|--------------|----------|-----------|--------------------------------|
| 2 جلسه | 17 جلسه | 24 | مکالمه عمومی بزرگسالان |
| 2 جلسه | 18 جلسه | 28 | مکالمه عمومی کودکان |
| 4 جلسه | 17 جلسه | 24 | مکالمه فشرده |
| 3 جلسه | 17 جلسه | 12 | Listening Speaking |
| 3 جلسه | 17 جلسه | 12 | Reading Writing |
| 2 جلسه | 50 جلسه | 5 | TOEFL |
| 2 جلسه | 50 جلسه | 5 | IELTS |
| 2 جلسه | 50 جلسه | 1 | MCHE |
| 1 جلسه | 17 جلسه | 1 | مکالمات تجاری |
| 1 جلسه | 17 جلسه | 1 | مکاتبات تجاری |
| 2 جلسه | 17 جلسه | 12 | انگلیسی برای خانم های خانه دار |



فرم اشتراک ماهنامه کارایی

حق اشتراک ۱۲ شماره در سال ۱۳۹۴ با پست سفارشی ۳۰۰۰۰۰ ریال

حق اشتراک ۶ شماره در سال ۱۳۹۴ با پست سفارشی ۲۰۰۰۰۰ ریال

لطفا مبلغ اشتراک را به حساب جاری ۹۷۱۷۰۷ بانک سپه شعبه ۲۹ تهران تبریز به نام سازمان مدیریت صنعتی نام آذربایجان واریز نموده پیش بانکی یا پیش تایید را به همراه فرم تکمیل شده به آدرس نشریه یا به شماره ۰۴۱-۳۳۳۹۷۳۳۷ فکس نمایید.

به پیوست پیش بانکی به شماره به مبلغ بابت حق اشتراک ماهنامه کارایی ارسال می شود.

نام
نام خانوادگی:

آدرس پست الکترونیک:

نشانی:

کد پستی:

تلفن:

دفتر نشریه: تبریز، ولیعصر، حیابان نظامی، حیابان قطران، کوچه شبنم، روبروی درب مجتمع ورزشی بوقه پلاک ۵

سازمان مدیریت صنعتی - نمایندگی استان آذربایجان شرقی

آدرس: آبرسان - جنب هتل تبریز - کوی پناهی - نبش کوچه فروردین

تلفن تماس: ۳۳۳۷۹۹۵۵-۹

www.imiazar.ir

خانه مدیران سازمان مدیریت صنعتی نمایندگی آذربایجان شرقی



IMI Managers Club

"با هم قدرتمندیم، به ما پیوندید"

تبریز: ولیعصر، انتهای شهریار شمالی، ۲۰ متری صفا، سازمان مدیریت صنعتی تبریز
کد پستی: ۵۱۵۷۸۳۸۷۳۳ تلفن: ۰۴۱۳۳۳۳۶۰۰-

www.imiazar.ir